



گفتگو با علی مجدم عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران:

گفت و شنود بین نسل گذشته و امروز شکاف بسیار عمیقی دارد



عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین:

واکنرها، ضربه دیگری بر اقتدار پوتین

هفته نامه غیربرخط اراده ملت شماره ۶۵ چهارشنبه ۷ تیر ۱۴۰۲

ایران بدون گفتگو

حادثه دست از گریبان خرداد برنمیدارد و یکی از حوادث مهم خرداد امسال، پایان کار گفتگو بود. فصلنامه ای که از پاییز ۷۲ و پس از سی سال، خرداد ۱۴۰۲ بازنشسته شد و به جای تیترهای نابش، تنها به "شماره آخر" اکتفا کرد. مراد ثقفی امانتداری نظیری برای گفتگوی پدرش، رضا ثقفی بود و طی سه دهه، با طرح موضوعات مهم و بنیادین نقش پررنگی در تبیین مفاهیم اساسی داشت. سردبیر گفتگو به خوبی نقش یک روشنفکر منتقد را ایفا کرد و با طرح موضوعاتی که هنوز هم برای حاکمیت...

شهروند آگاه، شهروند مسئول

ضرورت کسب آگاهی در مورد پدیده های مختلف اجتماعی که زندگی ما را متاثر می کنند، بر هیچ فرد خردمندی پوشیده نیست. با این حال برخی شهروندان با بهانه های متفاوتی نه تنها از آموختن این مباحث سر باز می زنند بلکه آموزش دهنده ها را نیز از ذوق و اشتیاق آموختن باز می دارند. از جمله ای این خرده گیری ها و بازداشتن ها، پیرامون آموزش های حزبی صورت می گیرد. باین فرم که در رویارویی با آموزه های حزبی شما، بلادرنگ و قاطع می گویند: «کدام حزب؟ ما که در ایران حزبی نداریم»

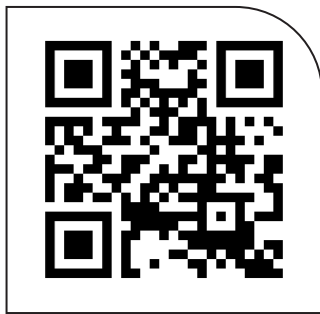
تحلیل انتخابات ترکیه

در ابتدای جلسه، آقای دکتر احمد حکیمی پور دبیر کل حزب، ضمن خوش آمد گویی به حاضران در جلسه و همچنین تشکر و سپاس ویژه از میهمان محترم برنامه آقای دکتر پیمان عارف، ضرورت بررسی ابعاد مختلف انتخابات ترکیه را مورد تأکید قرار دادند. پس از آن شمس افزازی زاده ریس دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران به طرح موضوع با این مقدمه که ترکیه مهم ترین همسایه ای است که روی تمام مناسبات ایران تأثیر مستقیم دارد به طوری که از سیاست، اقتصاد و مسائل اجتماعی و فرهنگی تا موضوع آب و هوا و محیط زیست ما هم به تحولات و عملکرد سیاسی این همسایه گره خورده است.

روایت های واهی، روایت های واقعی

جالبی را در سایت TED گوش کردم و به جرات، بگونه ای متاثر از پیام این سخنرانی شدم، که هدف آموختن زبان را فراموش کردم و روی محتوای آموزشی سخنرانی متمرکز شدم. اینجا و امروز مناسب دیدم که دوباره به آن نگاهی بیندازم و شما را در لذت مرور آن شریک کنم که پرده ای از همین روایت های رایج که همگی نیازمند تامل و بازنگری هستند، برمی دارد. پس همراهم باشید با برداشتی از سخنان اریک، که نقل اش می کنم. میهمانی به نام «اریک لی» که در شانگهای و در اوج انقلاب فرهنگی به دنیا آمده است، سخنران برنامه تد بود. او در ابتدای سخنرانی اش از داستانی می گوید که در سالهای ابتدایی زندگی خود بارها برای او و هم نسلانش توسط مادر بزرگ ها تعریف شده بود

کسی گفته بود که «چینی ها از مردم ایران قانع ترند، به روزی دو وعده غذا رضایت می دهند و همین واقعیتها، موجبات تفاوت وضعیت اقتصادی ایران و چین را فراهم کرده است». بله، به بهانه این نمک پاشی بر زخم مردم، تصمیم بر نگارش این متن گرفتیم. راستش را بخواهید بین ادعای این مقام مسئول و متنی که قصد نگارش آنرا دارم، وجه اشتراک و اتصال زیادی نیست. تنها نقطه پیوند این دو موضوع، پدیده «روایت» است. روایت هایی که هر تریبون، هر سخنران و هر مبلغی، بگونه ای طرح حشان می کند و گاهی هم چیزی جز جنگ روایت های اغراق شده و تقلبی و پوچ، حقیقتی از آنها باقی نمی ماند. چند سال پیش در هنگامه تقویت زبان انگلیسی ام، سخنرانی



کلام مدیرمسئول: لایحه برنامه هفتم توسعه و شاخص فقر و فلاکت
سرمقاله: روایت های واهی، روایت های واقعی
گفتگوی ویژه: حاکمیت خالی از احزاب است

۱۰..... نوشتار

ایران بدون گفتگو
بیا بید سیاست را از مجرای ماهیت منافع مان تفسیر و تدوین کنیم.

۱۴..... گزارش

تحلیل انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ترکیه
تولد گفتگوی محله به سال ۱۳۹۰
معرفی دو کتاب

۲۰..... اندیشه

پایداری طبیعت با حضور زنان
هنگام مواجهه با تعارض میان اخلاق و وظیفه حرفه ای چه کنیم؟

۲۵..... گفتگو

کسانی برای تولیدکننده تصمیم می گیرند که خودشان دستی بر آتش ندارند
واکنشها، ضربه دیگری بر اقتدار پوتین

۳۰..... معرفی و پیشنهاد

همه چیز خیلی نزدیک است
دیکتاتور درونت را بشناس
آوازی در گور
پدر! مادر! ما متهمیم
کشف دوباره بتهوون
ترانه ای از غربت
ماکاک تنها

توسعه پایدار؛ برابری جنسیتی

۴۰..... تاریخ احزاب سیاسی ایران (۹): شکل گیری مجلس دوم مشروطه.

۴۳..... جهان در هفته ای که گذشت (۶۵)

۴۸..... اخبار حزب

۵۱..... صفحه آخر: شهروند آگاه، شهروند مسئول



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

۷ تیر سال ۱۴۰۲ / شماره ۶۵



صاحب امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

زیر نظر شورای سردبیری

همکاران این شماره:

راضیه گمار / زهرا کرد / زهره رحیمی
فائزه صدر / فرانک امامی / مهتاب قصابی
مهشید قاسمی / افشین فرهانچی
پیام فیض / حسن اسدی / حسن غلامی
شمس افزای زاده / کاظم طیبی فرد
علیرضا مالیر / محمد هادی خوشکلام
مرتضی صادقیان / مهدی تروید

نشانی:

خیابان اسکندری جنوبی، نرسیده به خیابان آزادی، بن

بست خلیلی پلاک ۱ واحد ۱

تلفن:

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ / ۰۲۱۶۶۵۶۲۳۰۶



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می باشد و بسیاری از عکس ها از سایت های مختلف برداشته شده است. از همه تهیه کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

به جای مقدمه

با درود و ارادت خدمت خوانندگان عزیز

سال نیز از جمله مطالب خواندنی این شماره می باشد. سرمقاله این شماره با نگاه به وضعیت سیاسی کشور چین تحلیلی دارد در مورد روایت ها. تلاش کرده ایم در سایر بخش های نشریه نیز مطالب و اخبار متنوعی را برای شما عزیزان تهیه نمائیم. آرزوی روزهای خوب و پر از شادی را برای شما عزیزان داریم.

شماره شصت و پنجم نشریه اراده ملت را تقدیم شما عزیزان مینمائیم. در این شماره توصیه میکنیم به سه مصاحبه صورت گرفته در مورد آسیب شناسی وضعیت احزاب در ایران، انتخابات اتاق بازرگانی و وضعیت گروه واگنر در روسیه توجه خاصی بفرمائید. تحلیل انتخابات اخیر ترکیه و نگاهی به باز نشستگی نشریه گفتگو بعد از سی

لایحه برنامه هفتم توسعه و شاخص فقر و فلاکت



رحیم حمزه

rahimhamzeh@gmail.com

می کنند. این را در کنار انتظارات تورمی و تحریم های فزاینده و ... بگذارید تا عمق فاجعه ای که بیش از پیش روح و روان جامعه را تهدید و چشم انداز تیره و تاری در معرض دیدگان ترسیم می کند، به تلخی درک کنید.

لایحه برنامه پنج ساله هفتم توسعه کشور که با تاخیرهای چند ماهه بالاخره در مجلس اعلام وصول گردید، قطعاً نمایان گر نسبی خواهد بود که دولت با مردم برقرار می سازد، دولتی که از قضا عنوان انقلابی را هم با خود یدک می کشد و بر خویش می بالد که جراحی اقتصادی را در دستور کار خود داده است. قصدم از طرح این مباحث مهم به هیچ وجه سیاه نمایی نیست ولی روح حاکم بر تدوین چنین لایحه ای با این درجه از اهمیت نشانه های غم انگیزی از فقدان اراده لازم در دولت برای بازگشت به مسیر رشد و توسعه دارد.

برای نمونه در مورد پیشنهاد تغییر مبنای محاسبه مستمری بازنشستگی از میانگین دوسال به پنج سال چه می توان گفت؟ جز این است که دولت مردان درک صحیحی از واقعیات جامعه نداشته و بر ادامه سیاست های غلط خود در همه عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و اصرار داشته و تلاش وافر می کنند تا ته مانده امید به زندگی را هم از بین ببرند و مردم را به نهایت افسردگی سوق دهند.

تجربه زیسته این چند روز بعد از ارسال لایحه برنامه، حکایت از آن دارد که اکثریت مطلق کسانی که در شرف بازنشستگی در طی مدت ابلاغ و لازم الاجرا شدن مفاد برنامه هستند افت فاحشی را در میزان مستمری خود پیش بینی می کنند و از این تغییر به شدت ابراز نگرانی

اکثریت مطلق کسانی که در شرف بازنشستگی در طی مدت ابلاغ و لازم الاجرا شدن مفاد برنامه هستند افت فاحشی را در میزان مستمری خود پیش بینی می کنند

آیا اجزا و ارکان نظام با این رفتارهای به دور از کمترین عقلانیت هم قسم شده اند تا شهروندان مرزهای ناکامی را در نوردند و بدین ترتیب رکورد جدیدی از شاخص فقر و فلاکت برجا گذارند. الله اعلم.

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

روایت های واهی، روایت های واقعی

زهره رحیمی
عضو دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

از فرهنگ، زبان، ملیت، به مرحله نهایی توسعه سیاسی و اجتماعی خواهند رسید. تمام مردم جهان در بهشتی روی زمین، با یکدیگر متحد خواهند شد و تا ابد توده وار، با خوشی خواهند زیست. داستان البته اعتراف می کند که بشر پیش از رسیدن به آن قله ی رویایی، ده ها درگیر مبارزه بین خیر و شر خواهد بود. خیری که همان سوسیالیسم است، در برابر شر سرمایه داری! و البته که خیر پیروز خواهد شد.

داستان، فراوانی بود برگرفته از تئوری های کارل مارکس که خریدارانش چینی هایی بودند که گوش کودکان چینی خود را مکرر با آن مانوس می کردند تا آنجا که این روایت، بخشی از وجود و سپس ایمان شان شد. فراوانی پرفروشی که روزگاری، حدود یک سوم از کل جمعیت جهان با معنایش زندگی می کردند.

اما ظاهراً جهان، آستان تغییر شگرف بود. بویژه برای جوانانی چون اریک، که از باور شکست خورده ی دوران جوانی اش سرخورده شده بود و این سر خوردگی او را به سرزمین رویایی آمریکا هم کشاند. در سنین بلوغش او داستان سحرآمیز دیگری در آن سرزمین شنید. به همان بزرگی و با همان اصرار. روایتی که همچون روایت قبلی ادعا می کرد که همه جوامع بشری در یک پیشرفت خطی، به سمت یک غایت منفرد توسعه می یابند. همگی صرف نظر از فرهنگ، اعم از مسیحی، مسلمان، کنفوسیوسی و غیره، باید از جوامع سنتی که در آنها، گروه و جمعیت، واحدهای اساسی محسوب می شوند به جوامع مدرنی، پیشروی کنند که در آن افرادی متمیزه، در واحدهایی مستقل فردگرایانه مشغول زندگی اند. داستانی منطقی که همه بازیگرانش، صاحب رای هستند و با رای خود دولتهای خوبی را هم یکی پس از دیگری، خلق می کنند. القصة، تا آخر عمر با خوبی و خوشی کنار هم اما با فردیتی فره، زندگی می گذرانند. در این روایت هم، دوباره سخن از بهشتی روی زمین می شود که دیر یا زود منتظران خود را سیراب خواهد کرد. آری، دموکراسی

کسی گفته بود که «چینی ها از مردم ایران قانع ترند، به روزی دو وعده غذا رضایت می دهند و همین رفتارها، موجبات تفاوت وضعیت اقتصادی ایران و چین را فراهم کرده است».

بله، به بهانه این نمک پاشی بر زخم مردم، تصمیم بر نگارش این متن گرفتم. راستش را بخواهید بین ادعای این مقام مسئول و متنی که قصد نگارش آنرا دارم، وجه اشتراک و اتصال زیادی نیست. تنها نقطه پیوند این دو موضوع، پدیده «روایت» است. روایت هایی که هر تریبون، هر سخنران و هر مبلغی، بگونه ای طرحشان می کند و گاهی هم چیزی جز جنگ روایت های اغراق شده و تقلبی و پوچ، حقیقتی از آنها باقی نمی ماند.

چند سال پیش در هنگامه تقویت زبان انگلیسی ام، سخنرانی جالبی را در سایت TED گوش کردم و به جرات، بگونه ای متأثر از پیام این سخنرانی شدم، که هدف آموختن زبان را فراموش کردم و روی محتوای آموزشی سخنرانی متمرکز شدم. اینجا و امروز مناسب دیدم که دوباره به آن نگاهی بیندازم و شما را در لذت مرور آن شریک کنم که پرده ای از همین روایت های رایج که همگی نیازمند تأمل و بازنگری هستند، برمی دارد. پس همراهم باشید با برداشتی از سخنان اریک، که نقل اش می کنم.

میهمانی به نام «اریک لی» که در شانگهای و در اوج انقلاب فرهنگی به دنیا آمده است، سخنران برنامه تد بود. او در ابتدای سخنرانی اش از داستانی می گوید که در سالهای ابتدایی زندگی خود بارها برای او و هم نسلانش توسط مادر بزرگها تعریف شده بود. داستانی که تمام نیاز او تا آن زمان را پیرامون موضوع انسانیت پاسخ می داد. داستان نقل می کرد که تمام جوامع بشری در پیشرفتی خطی رشد می کنند، از جامعه ای بدوی آغاز می کنند، پس از آن برده داری را تجربه و در پی اش، فئودالیسم، سرمایه داری و سوسیالیسم را به خود می بینند، در نهایت، حدس بزنید که به کجای می رسند؟ بله به کمونیسم! داستان برای شنوندگان مشتاقش می گفت که دیر یا زود، تمام بشریت، فارغ



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

انتخاباتی تنها سیستم سیاسی مناسب برای همه کشورها، زیر سایه بازار آزادی با هدف ثروتمند کردن همه مردم جهان.

صبر کنید. این روایت هم البته اعترافی دارد. اعتراف به اینکه، قبل از رسیدن به آن روزگار روایی البته که مادر گیر مبارزه‌ای جدی و خونین بین خیر و شر هستیم. و اینجا، خیر متعلق به ماموران برقراری دموکراسی در سراسر جهان است.

این داستان نیز سرنوشتی همچون روایت قبلی پیدا کرد، پر فروش شد و طرفدار. به گفته خانه آزادی، تعداد دموکراسی‌ها از ۴۵ کشور در سال ۱۹۷۰ به ۱۱۵ کشور در سال ۲۰۱۰ رسید. در ۲۰ سال گذشته، نخبگان غربی به طور خستگی‌ناپذیری در سراسر جهان این داستان را می‌فروشدند. داستان اینکه احزاب متعدد شایسته است در جوامع مختلف، برای قدرت سیاسی بجنگند و رای دادن به آنها تنها مسیر این خوشبختی است.

اما این بار چینی‌ها خریدار این نسخه نشدند. آنرا فریبی دانستند که برای گول زدن آنها ساخته‌اند. چینی‌ها می‌گویند تنها در طی ۳۰ سال، چین از یکی از فقیرترین کشورها با اقتصاد کشاورزی، به دومین اقتصاد بزرگ جهان تبدیل شده است. ششصد و پنجاه میلیون نفر در این جامعه، از ذلت فقر نجات یافته‌اند. ۸۰ درصد کاهش فقر جهانی که در آن دوره در آمارها ثبت شده است، در سرزمین چین بوقوع پیوست. به عبارت دیگر، تمام دموکراسی‌های جدید و قدیم در کنار هم، تنها کسری از کاری را انجام دادند که یک دولت تک‌حزبی انجام داد.



اریک در ادامه سخنانش به شنوندگان یادآوری می‌کند که کودکی‌اش با چیزهایی مثل کوپن‌های غذا و گوشت جیره‌بندی گره خورده بود و با این وجود روزی دوباره تصمیم گرفت که قصه‌های مادر بزرگش را ببلعد. در زادگاهش به کسب و کاری در حال رشد برسد. چرا که کار آفرینان هر روز شرکت‌هایی را راه‌اندازی می‌کردند و طبقه متوسط از نظر سرعت و مقیاس، در حال گسترش بی‌سابقه‌ای بود. این در حالی بود که طبق روایت خیر سرمایه‌داری، هیچ یک از اینها نباید صورت واقعیت می‌گرفت. پس برای درک بیشتر این چرایی، به تعمق و مطالعه در خصوص کشورش پرداخت.

اریک می‌گوید: «بله، چین یک کشور تک‌حزبی است که توسط حزب کمونیست چین اداره می‌شود و آنها انتخاباتی با آنچه مد نظر روایت دموکراتهاست، برگزار نمی‌کنند. سه فرض هست که توسط نظریه‌های سیاسی مسلط در طرف مقابل، ساخته شده. این فرض‌ها از این قرارند که سیستم ما از نظر عملیاتی سفت و غیر منعطف، از نظر سیاسی بسته و از نظر اخلاقی نامشروع است.»

اریک اما قائل است که هر سه تایی این فرضیات اشتباهند و از قضا خلاف آن درست است. چرا که سازگاری، شایسته‌سالاری و مشروعیت، سه ویژگی تعیین‌کننده در سیستم تک‌حزبی چین است. هر چند اکثر دانشمندان علوم سیاسی مدعی هستند که نظام تک‌حزبی ذاتاً قادر به اصلاح خود نیست و بخاطر عدم سازگاری، مدت زیادی دوام نخواهد آورد. اکنون چین این واقعیت را نقض کرده است. ۶۴ سال اداره بزرگترین کشور جهان، دامنه گسترده سیاست‌های حزب، خصوصی‌سازی زمین‌های کشاورزی، انقلاب فرهنگی، اصلاحات بازار دنگ شیائوپینگ، و سپس گام بزرگ گشودگی حزب. قدرت خوداصلاحی با تغییر قوانین در راستای رفع ناکارآمدی‌های قبلی، به عنوان مثال، محدودیت در دوره‌های رهبران سیاسی و بازنشستگی‌های اجباری، از جمله این خوداصلاحی‌هاست.

اریک در جای دیگری اشاره می‌کند که در فضای غالب رسانه‌ای امروز، آنچه اغلب می‌شنویم این است که «در چین اصلاحات سیاسی بسیار از اصلاحات اقتصادی عقب مانده است و این کشور به شدت به اصلاحات سیاسی نیازمند است.» اما او معتقد است که یک سوگیری سیاسی در پس

این ادعا نهفته است که بی‌توجهی به آن، ما را به یک تله گرفتار خواهد کرد. به این شکل که برخی، از قبل تصمیماتی را برای همه اتخاذ کرده‌اند. تصمیم به اینکه اساساً چه نوع تغییراتی را می‌توان اصلاحات سیاسی نامید و لاغیر. در حالیکه در نظام سیاسی چین، اصلاحات سیاسی هرگز متوقف نشده است. قیاس طی سه دهه، به ما نشان می‌دهد که امروزه تمام جوانب جامعه چین، از جمله نحوه اداره کشور، از محلی‌ترین سطح تا بالاترین مرکز، دیگر از نسخه پیشین خود قابل تشخیص نیست که اینهمه نیز، بدون اصلاحات سیاسی ناممکن بوده‌اند.

اریک در همین نقطه، یکی از گستاخانه‌ترین ادعاهای خود را در حضور تماشاچیان سالن تد ابراز می‌کند. او می‌گوید که حزب کمونیست چین، حزب برجسته‌ی متخصصی در اصلاحات سیاسی، در سطح جهانی است. اریک در ادامه اشاره می‌کند که فرض دوم در روایت غربی‌ها اینست که در یک دولت تک‌حزبی، قدرت در دست عده معدودی متمرکز است و حکمرانی ناکارآمد و فاسد دستاورد آن خواهد بود. پس شرح می‌دهد:

شاید برای پاسخ به چنین تهدید مطرح‌شده‌ای، لازم باشد که مروری بر ساختار حزب کمونیست چین داشته باشیم. حزبی که شاید یکی از شایسته‌ترین نهادهای سیاسی در جهان امروز جلوه می‌کند. بالاترین هیئت حاکمه چین، دفتر سیاسی حزب، ۲۵ عضو دارد. در جدیدترین حالت، تنها یک پنجم آنها از پیشینه امتیازاتی چون شاهزادگی برخوردار هستند. ۲۰ نفر دیگر، از جمله رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر، از پیشینه‌های کاملاً معمولی برخوردارند. در کمیته مرکزی حزب که جمع بزرگتری تا حدود ۳۰۰ نفر را شامل می‌شود، نسبت شهروندانی با موقعیت قدرت و ثروت بالا، از این درصد نیز کمتر است. اکثریت قریب به اتفاق رهبران ارشد چینی، به سختی کار کرده‌اند و در راه رسیدن به اوج در حزب، با هم بر اساس شاخص‌های شایستگی، رقابت کرده‌اند. چنین تحرک رو به بالا در ساختار یک حزب، تصویری رو به اوج را ترسیم می‌کند که در یک نظام تک‌حزبی، میسر و محقق شده است. اما چگونه؟

اریک، پاسخ این سوال را در توصیف نحوه اداره سازمان حزب می‌دهد. او شرح می‌دهد: «این بخش تشکیلات، مانند یک موتور غول‌پیکر متشکل از منابع انسانی عمل می‌کند که می‌تواند ریشک برخی از موفق‌ترین ابرکامپانی‌ها را هم برانگیزد. اداره سازمان حزبی، ساختاری هرم گونه است که این هرم، متشکل از سه جزء می‌باشد:

خدمات مدنی، شرکت‌های دولتی و سازمانهای اجتماعی چون دانشگاه. آنها مسیرهای شغلی جداگانه‌ی عین حال یکپارچه‌ای را برای مقامات چینی شکل می‌دهند. مدیران تشکیلات، فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را در هر سه مسیر در موقعیت‌های ابتدایی استخدام می‌کنند و این مسیر از سطح پایین کارمندی آغاز می‌گردد. سپس این کارمندان می‌توانند طی چهار رتبه فراینده، به درجه نخبه ترفیع پیدا کنند. این رتبه‌ها به مثابه پله‌های ترقی برای یک بازیکن کاراته، که یک مسیر رشد همه‌جانبه و قاعده‌مند و پیچیده است.

دامنه مشاغل گسترده است، از مراقبت‌های بهداشتی روستایی گرفته تا سرمایه‌گذاری خارجی در یک منطقه شهری و یا مدیر یک کمپانی. سالی یکبار، بخش ارزیابی عملکرد تشکیلات به بررسی آنها می‌پردازد. با موفق، همسالان، زیردستان مصاحبه می‌شود. افراد، رفتار شخصی خود را بررسی می‌کنند. نظر سنجی از افکار عمومی انجام می‌گردد و سپس برندگان این مسیر پرفراز و نشیب، معرفی می‌شوند. این کادر هاد طول دوران حرفه‌ای خود می‌توانند یکی از هر سه مسیر را طی کنند و یا آنرا ترک نمایند. با گذشت زمان، افراد مناسبتر، فراتر از این چهار سطح، به سطوح بالاتری هم امکان ارتقا دارند و می‌توانند به مقامات عالی‌پویندند. در چنین مرحله‌ای، یک وظیفه از قبیل مدیریت یک منطقه با جمعیتی میلیونی یا یک شرکت با صدها میلیون دلار گردش مالی، به عنوان مسئولیتی به آنها سپرده خواهد شد. فقط برای اینکه به شما نشان دهم این سیستم چقدر رقابتی است، در سال ۲۰۱۲، از ۹۰۰۰۰۰ فرد در سطح اول، فقط ۴۰۰۰ نفر به سطح سوم رسیدند. پس از این چهار سطح و در سطوح عالی نیز، چند نفر از بهترین‌ها چند رتبه دیگر امکان ارتقا پیدا می‌کنند و در نهایت به کمیته مرکزی راه می‌یابند. این فرایند برای یک شهروند با پشتکار، دو تا سه دهه طول می‌کشد!»

ممکن است که حمایت از برخی افراد در جاهایی از این مسیر، نقش ایفا کند اما در نهایت، شایستگی، محرک و مولفه اصلی برای طی این مسیر خواهد بود.

رفع اش هم باید نظام را به کل فروپاشاند.

اریک می گوید این نظام خودش را اصلاح و حفظ می کند و در ۱۰ سال آینده از ایالات متحده پیشی خواهد گرفت و به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد. درآمد سرانه به بالاترین رقم در میان کشورهای در حال توسعه خواهد رسید و فساد مهار خواهد شد، اما از بین نمی رود. اما صعود چین اجتناب ناپذیر است. تسریع رتبه بندی اصلاحات اقتصادی و اصلاحات سیاسی ادامه خواهد یافت و نظام تک حزبی پابر جا خواهد ماند. (۲۰۱۳)

ما در غروب عصر فراروایت ها و ادعاهای جهانی زندگی می کنیم. فراروایت هایی که مدعی اند، همین است و جز این نیست. ادعای سرشار از غروری که بر جهانی بودن خویش اصرار بورزد. شاید اگر به جای اصرار بر درستی ادعای خویش نزد دیگران، و به جای شعار جهانی کردن و صادر نمودن نظام خود به دیگر جوامع، وقت ارزشمند ملت و کشور خویش را صرف تمرکز بر اصلاحات در درون نظام خویش کنیم، با سرعت بیشتری پله های رشد و توسعه را صعود کنیم.

اجازه دهید ما این دوره فراروایت ها را به پایان برسانیم. ممکن است هر آرمانی، ستودنی باشد، اما دوران جهان گرایی جز می آن به پایان رسیده است. اجازه دهید از تلقین این ادعا به مردم و فرزندانمان پرهیز کنیم که تنها یک راه برای اداره منحصر به فرد مملکت وجود دارد که همه جوامع باید به سوی آن تکامل یابند. این اشتباه است. غیر مستولانه است. و از همه بدتر، خسته کننده است. بگذارید جهان شمولی راه را برای کثرت باز کند. شاید عصر جالب تری در راه باشد. آیا اقتدر شجاع هستیم که از آن استقبال کنیم؟

اریک می گوید: پرسش دیگری که ما پرسیده می شود، اینکه منافع ملی در نظام تک حزبی چین چگونه تعریف می شود؟ من پاسخ می دهم که فرانک فوکویاما، سیستم چین را یک «اقتدار گرایی پاسخگو» نامید. شاید خیلی دقیق نباشد اما مفهومی نزدیک است.

بزرگترین مشتری برای بر جسته ترین شرکت نظرسنجی افکار عمومی در چین، خود دولت چین است. نه فقط از دولت مرکزی، حکومت شهری، حکومت استانی بلکه تا محلی ترین محله ها، همیشه نظرسنجی انجام می دهد. رضایتمندی از جمع آوری زبانه ها تا جهت گیری های کلی کشور، همه از مردم پرسیده می شود و این مکانیسم، هر چند متفاوت، اما پاسخگو است.

بیاییم خود را از این تفکر رها کنیم که تنها یک نظام سیاسی موفق در جهان وجود دارد که می توان آن را پاسخگو کرد. به این قطعیت، تردید کنیم. شاید این تقاضا پاسخ های متفاوتی داشته باشد. در فضای نظام تک حزبی چین، جامعه مدنی پر جنب و جوشی وجود دارد که شاید از تعاریف غربی خود دور باشد اما نه جدا و نه در تقابل با نظام سیاسی، بلکه بسیار پویا و کارآمد، چین را به سمت دروازه های رشد همراهی می کند.

حال یادداشتیم را با این جملات به پایان می بریم؛ همانطور که به نظر می رسد، روایت های متعددی در جهان بشر طرح و بحث می شود و هر کدام در جاتی از تعقل، اخلاقمداری، واقعیت، شفافیت و فراگیری را در خویش دارند و به همان میزان مشمول مشروعیت و محبوبیت و فراگیری واقع خواهند شد. و بی تردید، روایت های واهی و متوهمانه که شعارها و ادعاهایش کوچکترین مصداق و عینیتی در بیرون ندارند و تمام انرژی روایانش صرف تبلیغات پوچ و اصرارهای بی پشتوانه برای اثبات هر آنچه ندارند، می شود، سرانجامی جز پیوستن به فراموشخانه تاریخ آنها به بدنامی در انتظارشان نیست.

دپارتمان سازمان، در واقع نسخه مدرنیزه شده از سیستم آموزشی چندصد ساله چین را اجرا می کند. رئیس جمهور، شی جین پینگ، فرزند یکی از رهبران سابق است که رسیدن او به این مقام حرفه ای، ۳۰ سال طول کشیده است. او ابتدا به عنوان مدیر روستا شروع به کار کرد و زمانی که وارد دفتر سیاسی شد، تجربه مدیریت مناطقی با جمعیت ۱۵۰ میلیون نفر و مجموع تولید ناخالص داخلی ۱۵ تریلیون دلار آمریکا را در کارنامه خود داشت.

اریک می گوید بدون اینکه قصد تحقیر چهره سیاسی خاصی را داشته باشد، این فرایند پر مشقت صعود در سازمان کمونیست چین را با مدل دیگر کشورها مقایسه کنید که مدیران و مسئولین ارشد حکومتی آنها، سابقه مدیریت یک شهرستان کوچک را هم در سابقه خود ندارند. پس اگر شما در مسیر پرفراز و نشیب رقابت شایسته سالار چین طی طریق کرده باشید، کمی با احتیاط تر در خصوص مدل دموکرات غربی، به عنوان تنها منبع مشروعیت سیاسی سخن خواهید گفت.

در سال ۱۹۴۹، زمانی که حزب کمونیست قدرت را به دست گرفت، چین در جنگ های داخلی غرق شده بود، در اثر تهاجم خارجی از هم پاشیده بود و میانگین امید به زندگی در آن، ۴۱ سال بود. امروز، این کشور به عنوان دومین اقتصاد بزرگ در جهان، یک قدرت صنعتی محسوب می شود و مردم آن، در رفاهی روزافزون زندگی می کنند. نظرسنجی ها نشان می دهند؛ شهروندانی که فکر می کنند نسبت به پنج سال پیش از وضعیت بهتری برخوردارند، نزدیک به ۷۰ درصد، و کسانی که چشم انداز آینده بهتری را دارند؛ به ۸۲ درصد می رسند. فایننشیل تایمز نگرش های جهانی جوانان را نظرسنجی می کند و این اعداد، کاملاً جدیدند. نسل های جدید چین به آینده کشورشان خوش بین و علاقمند هستند. و اگر این شاخص ها، مشروعیت نیست، پس مشروعیت چیست.

بگذارید جهان شمولی راه را برای کثرت باز کند. شاید عصر جالب تری در راه باشد

اریک به خودش اجازه قیاس دیگری را می دهد و به این نتیجه می رسد که دموکراسی در بسیاری از کشورهای مدعی مشروعیت، در حال تبدیل شدن به چرخه ای دائمی از انتخاب و پشیمانی است. و این سرعت در تغییر مواضع و نگرش نسبت به دولت ها، چگونه مشروعیت بیشتری را در این جوامع، نسبت به نظام تک حزبی چین برای خود رقم می زند؟!

اریک در پایان سخنانش تاکید می کند که هرگز قصد ندارد تصویر اغراق شده ای از چین به عنوان یک ابر قدرت جهانی ترسیم کند، چرا که چین نیز مانند بسیاری از کشورهای توسعه یافته با چالش های ریز و درشتی دست و پنجه نرم می کند. آلودگی، ایمنی مواد غذایی، مسائل جمعیتی و فساد از جمله مواردی است که می توانند مشروعیت نظام چین را تهدید کنند. اما تحلیلگران، به اشتباه این موارد را عارضه نظام تک حزبی می دانند که برای



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



گفتگو با علی مجدم عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران:



شمس افرازی زاده

shamsafrazi56@gmail.com

گفت و شنود بین نسل گذشته و امروز، از شکاف عمیقی رنج می برند



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

است. اگر به شعارهای آنهادقت کنیم همگی شعارهایی هستیم که به بیان خواسته های اجتماعی جامعه می پردازند. که عطف به حکومت است و بر آمده از درون یک جامعه است. در این وضعیت، راه حل مسائل جامعه گفت و گو برای حل مشکلات و مذاکره دائمی است. و تاکید من بر «دائمی بودن» مذاکره است. مذاکره و لابی سیاسی مدنظر من نیست. منظور من از مذاکره دائمی، فعال بودن دائمی زبان جامعه است. جامعه باید دائما از خودش سخن بگوید. حالا ممکن است سوال پیش بیاید که مذاکره بین چه کسانی، باید گفت جامعه یک میز مذاکره دائمی بین تفاوت هاست. جامعه به یک میز مذاکره دائمی تبدیل می شود؛ یعنی دوطرف توان گفت و شنود و البته توان سکوت دارند. جامعه باید تبدیل به میز مذاکره دائمی بین تفاوت هاشود. این تفاوت ها هم لزوما آدم ها نیستند، می تواند تفاوت سنت ها، افکار، جهان بینی، نهادها، احزاب و گروه های سیاسی باشد.

به عنوان یک کنشگر سیاسی و تشکیلاتی عمده ترین مشکل حزب در کشور را چه می دانید؟

جناب علی مجدم تحلیلتان از وضعیت سیاسی اجتماعی جامعه چیست و به نظر شما مشکل عمده سیاسی کشور چیست؟
کشور در سالی که گذشت درگیر حوادثی شد که برخلاف دوره های قبل فقط محدود به مطالبه سیاسی و اقتصادی نبود و تفاوت عمده آن در این است که نسل جوان و البته زنان نقش پررنگی در آن داشتند. نکته مهم این است که گسست نسلی ما امروز بسیار زیاد است و مطالبات نسل جوان مادر هیچ جار صد نمی شود و انباشته می شود. مطالبات اجتماعی امروز مرز نمی شناسد. نسل جوان ما را محکوم می کند به این که جوان همسن من در دنیا چه امکاناتی دارد و من چه دارم. گفت و شنود بین نسل گذشته و امروز شکاف بسیار عمیقی دارد. در این دوره از اعتراضات، مطالبات بیشتر اجتماعی بود که شعارها خود گویای معانی زندگی و خواستن این امر است. شکی نیست که کشور با بحرانهای زیادی مواجه است که مهمترین آن اقتصادی و معیشتی است. ولی اینجا باید طرح مسئله کرد که چه عاملی جامعه را دچار بحران کرده است؟ تصور ما بر این است که حکومت، دولت یا نظام سیاسی حاصل یک توافق بین مردم و جامعه

حزب برطرف شود آسیب شناسی جدی صورت پذیرد تا به یک نقطه ایده آل برسیم. مفاهیم توسعه سیاسی، مشارکت مردم، مشروعیت سیاسی، قانونمندی، تحمل و مدارا، نظم و ثبات سیاسی مفاهیمی هستند که نقطه تلاقی آنها ظهور احزاب و گروههای سیاسی می باشد.

احزاب و نهادهای صنفی مدنی نقش بسیار مهمی در استمرار شکل دهی به مطالبات اجتماعی ملی یا شکل دهی بر مطالبات آنی و فردی را ایفا می کند

در کنار احزاب سیاسی، نهادهای صنفی مدنی تشکلهای مردم نهاد و ... چه تاثیری می توانند بر تحقق مطالبات اجتماعی مردم داشته باشند؟

احزاب و نهادهای صنفی مدنی نقش بسیار مهمی در استمرار شکل دهی به مطالبات اجتماعی ملی یا شکل دهی بر مطالبات آنی و فردی را ایفا می کند. با این حال ما از هر بخشی یک عده ای را به رسمیت شناخته ایم و البته محدود. به همین خاطر فعالیت های حزبی و صنفی فراگیر نشده و این خود مشکلات عدیده ای را به وجود آورده است. و هم به نوعی قانونمند بودن حوزه سیاسی و صنفی و نهادهای اجتماعی را تضعیف کرده و کارآمدی این نهادها کمتر می شود. در چنین شرایطی طبیعی است که بدنه دولت و قوه مجریه از نظر کمی فربه تر و از نظر کیفی ناتوان تر می شود. به عبارت دیگر شرایطی که مادر کشور تجربه کرده ایم این است که حزب پذیرفته شده است اما ارگان حزبی نه ارگان هایی که بتوانند قدرت مندانه در سپهر سیاسی کشور حضور داشته باشند و برنامه های خود را ارایه دهند و دیگر فرقی نمی کند از کدامیک از دو حزب شناخته شده کشور باشد، در این صورت این برنامه ها برای مردم، رقبا و برای عموم جامعه از جمله هواداران و اعضای خودشان قابل تجزیه و تحلیل است و برای همه مردم قابل پیگیری است و سندیت دارد. در صورتی که این اتفاق بیفتد وضع مانند کشورهای پیشرفته می شود که حزبی حاکم می شود

در سال جاری انتخابات مجلس دوازدهم را پیش رو خواهیم داشت به نظر شما حاکمیت برای مشارکت مردم و تحقق امر دموکراسی چه کارهایی را باید انجام دهد؟

واقعیت امر این است که اگر فضای سیاسی کشور باز نشود و طیف های مختلف سیاسی اجازه حضور نداشته باشند و از طرفی جناح ها توانایی لازم برای اقناع افکار عمومی را نداشته باشند، میزان مشارکت در انتخابات مجلس دوازدهم بسیار کمتر از قبل خواهد بود. همچنین در چنین شرایطی که اساسا نگرش کسانی که دست اندر کار قدرت هستند این است که بر خلاف نظر رهبری درباره رقابت حداکثری، به هر شکلی منویات مدنظر خود را پیش ببرند و دموکراسی را در انتخابات تاجایی قبول دارند که تغییر دهنده افراد در قدرت نباشد و زمانی که این دیدگاه حاکم باشد انتخابات مفهوم خود را از دست می دهد. همین مجلس یازدهم هم که با کنترل های شدید تشکیل شد می بینید ضعف مجلس و نماینده ها تا چه حد است. لذا نیازمند یک دگرگونی اساسی هستیم و نگرش ها باید تغییر کند تا مردم احساس کنند با آمدن پای صندوق رای معضیت آنها تغییر می کند. اینها پیش نیاز یک انتخابات مشارکتی و باشکوه است

بدون شک، تحزب به دولت یا جامعه اجازه بازبینی و اصلاح روندهای گذشته در عملکردهای خود را می دهد تا انجام این امر مهم نیز به یک مبنای نهادی نیازمند است که تحزب آن را در اختیار جامعه قرار می دهد. در واقع تحزب مبنایی برای نقد سیاست ها فراهم می کند. و همواره دموکراسی و تحزب همزاد و همراه و مکمل یکدیگر بوده و پایه پای هم رشد می کنند. در این میان، سوال مطرح همواره این است که چرا جامعه ما تاکنون در تحزب موفق نبوده است و چرا احزاب به عنوان یکی از پایه های جامعه مدنی در جامعه ایرانی وضعیت مناسبی ندارند. به طور کلی، احزاب به دو علت می توانند شکل بگیرند؛ یکی، ساختار توسعه اجتماعی - سیاسی جامعه و دومی، قانون انتخابات است. ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ما که توسعه یافته نیست، متأسفانه قانون انتخابات مان نیز واقعاً ضد حزبی است؛ به ویژه با بحثی که نظارت استصوابی رایه شورای نگهبان می سپارد و به دلیل تفکر سنتی اقتدارگرای حاکم بر آن اساساً امکان فعالیت حزبی وجود ندارد. و فکر می کنم با رشدی که در جامعه آغاز شده و با گسترش رسانه های جمعی و رسانه های بیرون از قدرت رسمی و با توسعه سیاسی و اجتماعی ای که در حال شکل گرفتن است و همچنین با گسترش شهرها به سمت قانون انتخاباتی برویم که موجد فعالیت ها و امکانات حزبی باشد. به طور مثال، یکی از قوانین انتخاباتی که بحث آن از مجلس پنجم آغاز شده اما همچنان عقیم مانده بحث استانی کردن انتخابات است. اگر در حال حاضر، ما حداقل انتخابات را استانی کنیم - به سایر مزایا و معایب آن کاری ندارم، طبیعتاً احزاب در جامعه شکل می گیرند اما متأسفانه قانون کنونی انتخابات مجلس ما به شدت ضد حزبی است. اینکه تاشب انتخابات، شورای نگهبان می تواند شخصی را رد یا تایید صلاحیت کند، یک مشکل جدی و دست و پا گیر است. من برای پا گرفتن فعالیت و رقابت حزبی در کشور در کوتاه مدت بر تغییر و تصحیح قانون انتخابات تاکید دارم

همواره دموکراسی و تحزب همزاد و همراه و مکمل یکدیگر بوده و پایه پای هم رشد می کنند.

چطور می توان به توسعه فرهنگ مشارکت سیاسی و توسعه احزاب شناسنامه دار کردن فعالیت های سیاسی در کشور پرداخت؟

وجود احزاب سیاسی در جامعه یک نیاز ضروری و اساسی تلقی می گردد به طوری که هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارد. علت اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته های گروه ها و اقشار متفاوت شده است و در کشان از نیازهای طبقاتی شان افزایش پیدا کرده است برای اینکه بتوانند این نیاز طبقاتی شان را به سیستم سیاسی افزایش بدهند و چون تحصیلاتشان افزایش پیدا کرده و آگاهی آنها بیشتر شده به قالب تشکیلاتی که اسمش را حزب می گذاریم تبدیل می شوند و این باعث افزایش مشارکت در انتخابات و فرهنگ سیاسی جامعه می شود. همچنین دولت نیز احساس می کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. دولتها نیاز به این دارند که با جامعه ارتباط داشته باشند یکی از این ارتباطات حزب است. لذا مشارکتها هم که در قالب حزب صورت می گیرد دموکراتیک تر خواهد بود. البته صرف وجود حزب کافی نیست باید موانع



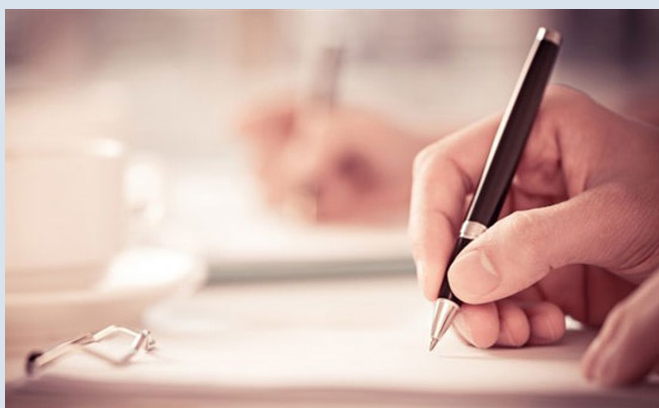
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

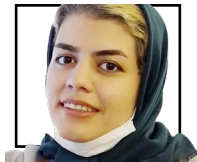
۷ تیر سال ۱۴۰۲



نوشتار



ایران بدون گفتگو



زهرکرد

kordzari1@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

هر شماره گفتگو مشتمل بر ۳ بخش: مقالات ویژه، روزنامه و کتابخانه بود که متناسب با موضوع اصلی آن شماره گردآوری و نوشته می شد. گفتگو در تابستان ۷۵، سیاست خارجی ایران در جهانی سه قطبی را بررسی کرد و رابطه ایران با روسیه، اعراب، آمریکا و اروپا را با نگاهی علمی و تخصصی به بوته نقد کشانید. عیدانه ۷۷ را به "جوانان" اختصاص داد و نگاهی به این قشر هم متفاوت و ستودنی بود: بررسی نقش کانون پرورشی فکری کودکان! ثقفی به خوبی به اهمیت انکار نشدنی این نهاد در تربیت کودکان دهه ۶۰ و پیش از آن واقف بود. در همان سال رابطه ایران و آمریکا را مطرح و بررسی کرد. نکته پراهمیت نگاه ثقفی، بررسی سیر تاریخی هر پدیده ای بود و متأثر از این محور "پروژه مشروطیت"، "ایران و جنگ جهانی اول" و "ایران بین اصلاح و انقلاب" را منتشر کرد. گفتگو متأثر از نگاه چپ انتقادی ثقفی بود اما هرگز تک بعدی نشد و به مسائلی نظیر "اسلام سیاسی" در پاییز ۷۹ پرداخت. کار و بیکاری، کارگر، بیمه، کارفرما، سندیکا و اصناف کلیدواژه های پرتکرار تیرهای گفتگو طی ۳۰ سال بودند.

سردبیر گفتگو به خوبی نقش یک روشنفکر منتقد را ایفا کرد

نگاه منحصر به فرد ثقفی باعث شده بود که در موضوع "تعاون و تعاون گرایی" به مصدق و اولین قانون شرکتهای تعاونی در ایران بپردازد. از ویژگیهای بی تکرار گفتگو توجه به اقلیتهای دینی، قومی و ملیتی بود؛ مثلاً در شماره ۸۳ به تلاشهای حسین علا برای حل مسئله آسوری ها پرداخت و در شماره های مجزا به "ایران و مهاجرت ارمنه" نگاه دقیق و تاریخی داشت. کلیمیان بارفروش دوره قاجار را در شماره ۶۴ مطرح کرد. در یک شماره، مبسوط از سیستان و بلوچستان گفت و در کنارش افغانستان، این نیای مشترک فرهنگی را فراموش نکرد. در دی ماه ۸۶ شماره های را به همسایه شرقی ایران اختصاص داد و موضوع جدید آن برهه که حق تابعیت ایرانی فرزندان حاصل از دواج زنان ایرانی با افغان بود، بررسی کرد. دانشگاه و دانشجوی را به عنوان موتور محرکه جامعه می دانست و در شماره ۷۶ به "جنبشهای دانشجویی و تبعات آن" و در شماره ۷۹ دقیق و جامع "پیرامون دانشگاه" را نگریست، سپس در شماره ۸۲ به "تعارض منافع" در آموزش پرداخت. از نکات قابل توجه گفتگو، پرداختن به دو مسئله استراتژیک و ملی



حادثه دست از گریبان خرداد بر نمی دارد و یکی از حوادث مهم خرداد امسال، پایان کار گفتگو بود. فصلنامه ای که از پاییز ۷۲ و پس از سی سال، خرداد ۱۴۰۲ بازنشسته شد و به جای تیرهای نابش، تنها به "شماره آخر" اکتفا کرد.

مراد ثقفی امانتدار بی نظیری برای گفتگوی پدرش، رضا ثقفی بود و طی سه دهه، با طرح موضوعات مهم و بنیادین نقش پررنگی در تبیین مفاهیم اساسی داشت. سردبیر گفتگو به خوبی نقش یک روشنفکر منتقد را ایفا کرد و با طرح موضوعاتی که هنوز هم برای حاکمیت و جامعه لاینحل باقیمانده، مسئولیت و وظیفه روشنفکری خویش را به انجام رسانید. ثقفی "سازماندهی اجتماعی و برنامه خصوصی سازی، سیر تکوین مفهوم جامعه مدنی و مملکت بی نقشه و بی هدف" را تیر شماره اول گفتگو قرار داد و سه دهه بر همین مدار با نگاهی دقیق حرکت کرد. پربیراه نیست که بگوییم شاکله اصلی گفتگو "ایران" بود؛ چرا که با بررسی ۶۳ شماره از ۹۶ شماره موجود، در می آیم که ۱۹ شماره آن تیر "ایران" دارد و شعار "همه ایران برای همه ایرانیان" را اولین بار در اسفند ۸۲ در گفتگو خواندیم. ایرانی از منظرهای مختلف که اهم عناوین آن شامل: حکومت مدنی، قوانین اساسی، سیاست، احزاب، توسعه، دیوانسالاری، حکومت گردانی، نهادهای مدنی و خصوصی سازی بود. مسائلی که سران کشور هنوز هم در تفهیم و تبیینش عاجزند و با گذشت قریب به پنج دهه از انقلاب ۵۷ بدل به گره کور شده است.



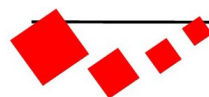
هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

ایران، یعنی "کردها و آذربایجان" بود. مسائلی که به سبب حساسیتهای قومی و حکومتی کمتر نشریه‌ای جسارت مطرح کردن و پرداختن به آنها را در اوایل دهه ۸۰ داشت. وی در شماره ۴۳ "قوم و قومیت" را مطرح کرد و پس از آن در ۸ شماره به کردستان، تحولات حوزه کرد پس از بهار عربی، کرد و کردستان در عراق، قیام سی تیر کرمانشاه، پارسی کرمانشاهی و کردهای ترکیه با میراث بر جای مانده و جمهوری مهاباد پرداخت. هم چنین با سه شماره پیرامون آذربایجان و دموکراتها نگاه ویژه خود را به این سوی نقشه و گذر تاریخی فرقه دموکرات در آن نشان داد. در جای جای مقالات مذکور حفظ تمامیت ارضی ایران به چشم می آید. جغرافیا برای ثقفی، نه به مفهوم حدود مرزها و زمین شناسی که به مثابه یک امر سیاسی بود و نتیجه اش این شد که شماره ۹۱ گفتگوی "جغرافیای سیاستگذاری" اختصاص یافت و از این آیشخور فکری "بار سنگین خاورمیانه"، "خلیج فارس"، "گره فرو بسته قفقاز"، "اوراسیا گرایی" و "گفت و گوی جنوب با جنوب" را منتشر کرد. "نفت و دموکراسی" را در کنار هم آورد و به درستی رابطه "دموکراسی و آشتی ملی" را بیان کرد. نگاه وطن محورش

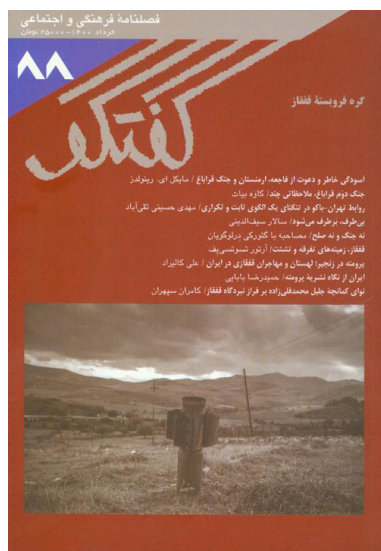
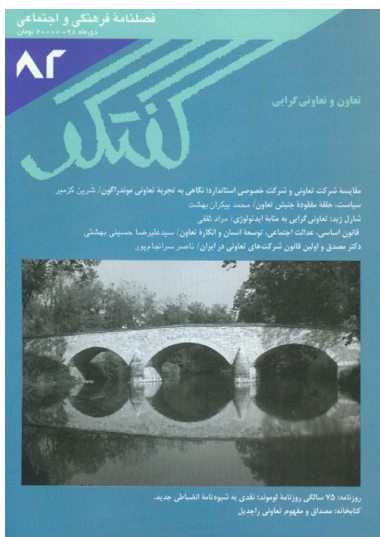
کار و بیکاری، کارگر، بیمه، کارفرما، سندیکا و اصناف کلیدواژه های پرتکرار تیرهای گفتگو طی ۳۰ سال بودند.



را در "ایران امروز"، "نگرانیهای ایرانیان" و "در اهمیت کشور بودن" می

توان دید. جسارت ثقفی در پرداختن به موضوعات مناقشه برانگیزی چون "بنیادها و دولت ایران" با نگاهی به بنیاد مسکن، مستضعفان و جانبازان ستودنی ست و دقت نظرش به این مقوله را می توان با بررسی "کشت و صنعت آستان قدس رضوی" به خوبی متوجه شد. گفتگوی این ۳۰ سال با نگاه خاص ثقفی، به فرهنگ پرداخت. در "سینما و تاریخ" به شهراب شهید ثالث و اصغر فرهادی پرداخت. با "ترجمه، سیاست و فرهنگ" فرانکلین و انقلاب عظیمش در صنعت نشر و چاپ را به یادمان آورد. "تاریخ و نقل ادبی آن" هم متأثر از همین رویه، به بازتاب کودتای ۳۲ مرداد در ادبیات داستانی و حتی نابهنگامی تاریخی در رمان دایی جان ناپلئون اشاره کرد. ثقفی به عنوان یک جامعه شناس روشنفکر که از لوزان فارغ التحصیل شده بود به خوبی و با دقت نظر در دو شماره متوالی "روشنفکری در ایران" و "چپ در ایران" را بررسی کرد و پس از آن همچون استادی که متناسب با دروس پیش نیاز، واحد جدید ارائه می کند در ۹ شماره به مفهوم حزب و ابعاد آن اشاره کرد و در "احزاب دولتی در ایران" و "لیبرالیسم اسلامی" این تفکر را تحکیم بخشید. "زنان" در گفتگو جایگاه دیرینه داشتند و محدود به تزیینات و آرایشهای فراگیری که این روزها شاهد هستیم نبود و از شماره های نخستین این مجله در تابستان ۷۹ به جوی از زندگی و حضور آنها در اجتماع پرداخت که در نشریات تخصصی زنان نیز چنین نگاه تاریخی و دقیقی را کم سراغ داریم و نهایتاً در "مطالعات زنان" حجت را در این زمینه به پایان رساند.

به جرئت می توان گفت، گفتگو طی سی سال چنان دانشگاهی با اساتید درجه یک و بدون تعصب، دروس اساسی کشورداری را بی منت ارائه کرد و به جامعه به عنوان نهادی که بستر بسیاری از تحولات است در "جنبشهای اجتماعی"، "سیاست گذاری اجتماعی" و "سیاستهای اجتماعی" نگاه کرد.



بیاید سیاست را از مجرای ماهیت منافعمان تفسیر و تدوین کنیم



حسن اسدی

بسیاری از آنها را می توانیم خودمان تولید کنیم. حال سؤال این است که ما در کجای کار اشتباه کرده ایم و یا کدام ارزش و معیار مطلوب را فراموش کرده و بکار نبسته ایم.

پاسخ، بازگشت و تعریف دوباره معیارهای ارزشی با موضوع ماهیت خودمان و فهم منافع ملی، از این محل است.

به اعتقاد من تمام مشکلات ما برمی گردد به مسئله به حاشیه بردن شعار و میثاق ملی که با عنوان آزادی و جمهوری آنرا سر دادیم. آزادی در این که مردم حدی از مطلوب ها و مطالبات واقع بینانه را مد نظر گیرند و تصمیم گیرندگان آنچه را که بر مصلحت و منفعت کلی جامعه است، استخراج کنند و اجرایی نمایند. ممکن است دوستان بفرمایند که تاکنون همه امور بر این منوال بوده و آنچه در کرسی های مجلس و نمایندگی شاهدش هستیم، ماحصل انتخاب مردم است. پس اگر مشکلی هست باید به انتخاب مردم مراجعه شود. در این گفته حقیقتی هست که باید بدان گردن نهاد و عیب را در نزد مردم و در نحوه انتخاب آنها جستجو کرد، البته با این تکمله که چه شده است که تمام انتخاب های مردم در طول سال های پس از انقلاب، غلط بوده است؟ مطمئناً غلط بودن انتخاب و نتیجه ندادن آن به دو نکته بازمی گردد. یک اینکه روش انتخاب درست نبوده است و دوم اینکه فرهنگ مشارکت به شکل علمی تالیف و تفسیر نشده است و گرنه مردمی که انقلاب کرده و آن را به پیروزی رسانده اند، توان انتخاب نماینده را نیز داشته اند. روش انتخابی را که شورای نگهبان به هم زده است و موازین و استانداردهای ناموجهی که اعمال کرده و فرهنگ مشارکت را نظام سیاسی مختل ساخته و با خودی و غیر خودی کردن، مردم را به حاشیه رانده تا جایی که از محل دخالت نظام سیاسی و شورای نگهبان کار به جایی رسیده که فردی می تواند با چند هزار رای به مجلس برود و یا با چند میلیون رای ریاست جمهور شود. این در حالیست که نماینده واقعی مجلس باید چند ده هزار رای و ریاست جمهور چند ده میلیون رای داشته باشد. روشن و مشخص است که تصمیم استخراج شده از مجموعه چنین نمایندگان و چنان ریاست جمهوری، همینی خواهد شد که در جامعه مشاهده می کنیم. جمعیتی متفرق و دقیقاً متضاد و مخالف هم که نه می شوند و نه تامل و تدبیر دارد.

واقعیت دردناکی خواهد بود این موضوع که ما از ترس گرگ، سگ را به پشتمان بندیم و دردناکتر از آن اینکه در پاسخ به انتقاد کسانی که بیان می کنند بجای آویختن سگ بهتر است که به خودمان متکی باشیم، به قهر و غضب بگوییم که خیر. امروز در جهانی دو قطبی زیست می کنیم و لاجرم باید در یکی از این دو قطب خود را جای بدهیم. و با این طرز تلقی به تعریف و کدگذاری منافع ملی مان اقدام کنیم. امروز جهان در دو قطب (البته از منظر ما، نه بر مبنای واقعیت های جهانی) استوار شده است که یکی از آنها را شیطان بزرگ، رهبری و هدایت می کند و دومی هم در تیول چین، بی توجه به بسیاری از استانداردها و دور از تعهدات اخلاقی، من فکر می کنم در برابر چین، شیطان بزرگ بسیار شرف داشته باشد. حال باید چه کرد و چگونه خود را از غلطیدن در این منجلاب و زیر یوغ رفتن نجات داد.

و گرنه مردمی که انقلاب کرده و آن را به پیروزی رسانده اند، توان انتخاب نماینده را نیز داشته اند

پاسخ، بازگشت و تعریف دوباره معیارهای ارزشی با موضوع ماهیت خودمان و فهم منافع ملی، از این محل است. برای این کار ضرورت ایجاد می کند که به این پرسش پاسخ دهیم که منظورمان از مقابله و مواجهه با طاغوت و برپایی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی چه بود؟ قطع به یقین در این مقابله ما به سؤال های متعددی از چیستی انقلاب پاسخ داده بودیم که مردم با ما همراه شدند و انقلاب را به پیروزی رساندند. مثلاً در موضوع استقلال ما بعد از کش و قوس فراوان با خودمان به این نتیجه رسیده بودیم که استقلال را تنها می توان در قطع وابستگی به شرق و غرب بدست آورد حال اگر بعد چهل سال به خودمان و مطالبه های استقلال طلبانه برگردیم، کدام کار و اقدام ما نشانگر آن است که هم از غرب و هم از شرق کنده شده و به خودمان متکی شده ایم؟ در پاسخ، به جرات می توان گفت نه تنها بافت اقتصاد صنعتی و آموزشی مان نسبت به غرب را اصلاح نکرده ایم، بلکه اجازه و مجال ریشه زدن به شرق داده ایم. یعنی از چاله درآمده و دقیقاً به چاه افتاده ایم و دلیل این مهم هم در این بوده که ما بجای تقویت درونی از طریق بازسازی و احیای زیرساخت های آموزشی و اقتصادی همه موجودیت خودمان را به واردات و آنهم بدون تعریف استاندارد و نرم های مطابق با شرایط و نیازهای خود گره زده ایم و از این روست که امروز بازارمان پر شده از اجناس بنجل چینی، ویتنامی و... در حالی که



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



گزارش



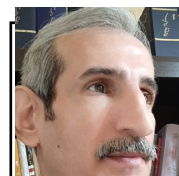


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

با حضور دکتر ایمان عارف در دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران



شمس، افزای، زاده

shamsafrazi56@gmail.com



در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ترکیه که در ۲۸ ماه می در این کشور برگزار شد، بیش از ۶۴ میلیون نفر، از جمله رای دهندگان خارج از کشور،

در ابتدای جلسه، آقای دکتر احمد حکیمی پور دبیر کل حزب، ضمن خوش آمد گویی به حاضران در جلسه و همچنین تشکر و سپاس ویژه از میهمان محترم برنامه آقای دکتر پیمان عارف، ضرورت بررسی ابعاد مختلف انتخابات ترکیه را مورد تاکید قرار دادند. پس از آن شمس افزاری زاده رییس دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران به طرح موضوع با این مقدمه که ترکیه مهم ترین همسایه ای است که روی تمام مناسبات ایران تأثیر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

واجد شرایط رای دادن بودند و نزدیک به ۸۹ درصد رای خود را به صندوق انداختند. امسال یکصدمین سال از تاسیس ترکیه به عنوان یک جمهوری - دولتی مدرن و سکولار که بر خاکستر امپراتوری عثمانی متولد شده است می گذرد، مردم ترکیه از سال ۱۹۵۰ انتخابات رقابتی انجام داده اند، علی رغم مداخلات نظامی گاه به گاه، مردم همواره ترجیحات سیاسی خود را در پای صندوق های رای بیان کرده اند و به صورت خستگی ناپذیر در پای صندوق های رای حاضر شده اند و احزاب مخالف نیز با تمام موانع، پایبندی خود را به صندوق رای به عنوان تنها راه تغییر حفظ نموده اند. بی شک رشد، توسعه و فراگیری احزاب در ترکیه به عنوان الگوی موفق منطقه قابل اهمیت است. مشارکت رای دهندگان در مقایسه با کشورهای دموکراتیک و کشورهای منطقه بسیار بالا بوده و علیرغم مشکلات سیاسی و اقتصادی و کاهش سطح دموکراسی، نرخ مشارکت در انتخابات کاهش نیافته است، به هر روی پیروزی مجدد اردوغان در انتخابات ۲۰۲۳ حاکی از خواست مردم ترکیه بر ادامه سیاست های فعلی علی رغم مشکلات اقتصادی و غالب بودن خواست ملی گرایی که اردوغان منادی آن است، می باشد.

در واقع در این انتخابات، یکی از عمده ترین عواملی که منجر به شکست ائتلاف ملت به رهبری کمال قلیچدار اوغلو در مقابل ائتلاف جمهور به رهبری رجب طیب اردوغان میتوان برجسته کرد این است که اختلاف رویکرد و نگرش در میان شش حزب مخالف در این ائتلاف یکی از مهم ترین عوامل در بی اعتمادی مردم نسبت به فردای پیروزی قلیچدار اوغلو به عنوان نامزد ریاست جمهوری این ائتلاف بود. این ائتلاف ترکیب ناهمگنی از احزابی بود که نه به واسطه قرابت های سیاسی و فکری، بلکه تنها عامل مشترک آنها مخالفت با اردوغان است. لذا پیش بینی می شد در فردای روز انتخابات در نوع مدیریت کشور میان این احزاب اختلاف نظرهای شدید ایجاد شود در نتیجه شرایط جامعه نه به سمت توسعه و پیشرفت بلکه به همان ترکیه قبل از اردوغان بازگردد. شاید انتخاب اردوغان بیشتر از آنکه ریشه در علاقه ی مردم به وی داشته باشد، به دلیل عدم اعتماد به رقیب آن، یعنی قلیچ دار اوغلو بوده است.

پیروزی مجدد اردوغان در انتخابات ۲۰۲۳ حاکی از خواست مردم ترکیه بر ادامه سیاست های فعلی علی رغم مشکلات اقتصادی و غالب بودن خواست ملی گرایی که اردوغان منادی آن است، می باشد.

بعد از افزایش تورم و جهش قیمت دلار (یا همان کاهش ارزش لیر) محبوبیت اردوغان به حداقل رسید و نظرسنجی ها نیز در دور اول انتخابات ترکیه، حاکی از محبوبیت بالای قلیچ دار اوغلو بود؛ اما در نهایت وی توانست اعتماد عمومی را آنگونه که باید جلب نماید و از طرفی کناره گیری سینان اوغان به نفع اردوغان، باخت قلیچ دار اوغلو در دور دوم را قطعی کرد.

در واقع میتوان گفت که مردم ترکیه، تداوم وضع ناگوار حال حاضر را به پا گذاشتن در مسیری مبهم که قلیچ دار اوغلو و ائتلاف ناهمگون حول محور ایشان ترسیم می کرد را ترجیح داده اند.

به روایت آمارها و اسناد، ترکیه در دو سال اخیر تحت تاثیر سیاست های اقتصادی اردوغان با تورم افسارگسیخته و جهش های ارزی مواجه بود و مردم به لحاظ اقتصادی شرایط سختی را تجربه کرده اند. اردوغان در دو سال اخیر به جنگ با قواعد اقتصادی رفت و نرخ بهره را به شکلی دستوری سرکوب و آن را بدون توجه به متغیرهای بنیادی اقتصاد، در سطوح بسیار پایینی نگه داشت. همین امر، تقاضا برای کالاها و دارایی ها و در نتیجه جهش های ارزی و در نهایت تورم های بالا را رقم زد.

دکتر پیمان عارف انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه را بسیار مهم و هایز اهمیت دانستند و ضمن ارایه تحلیل از وضعیت داخلی ترکیه، به پیامدهای مثبت و منفی این انتخابات بر مناسبات منطقه ای و بین المللی خصوصا تاثیر

آن بر روابط ایران پرداختند.

راه برد سیاست خارجی

در راهبرد سیاست خارجی به طور ویژه گفتمان کمالیزم که حزب جمهوری خلق در واقع به لحاظ تشکیلاتی آنرا نمایندگی میکند رو به غرب دارد و پشت به خاورمیانه در واقع به سفارش و نصیحت کمال اتاتورک که تاکید داشت در مسایل اعراب دخالت نکنید را جامه عمل پوشید. در حزب جمهوری خلق مداخله موثری در حوزه خاورمیانه را شاهد نخواهیم بود ترکیه ای را داریم که رو به غرب و پشت به خاورمیانه خواهد بود. این دقیقاً در نقطه مقابل ترکیه عصر اردوغان خواهد بود. ترکیه ای که رو به خاورمیانه و قفقاز و پشت به اروپا خواهد داشت.

گفتمان کمالیزم که حزب جمهوری خلق در واقع به لحاظ تشکیلاتی آنرا نمایندگی میکند رو به غرب دارد و پشت به خاورمیانه مجاز، و در یک یادو دیگر مشکوک یا غیر مجاز باشد.

سیاست رو به شرق، رو به قفقاز و پشت به اروپا دست کم از رفتارندوم ۲۰۱۰ به این سو برای بهره گیری از بهار عربی برای بسط عمق استراتژیک جمهوری ترکیه در جهان عرب و بازگرداندن مرزهای ترکیه به مرزهای عثمانی گفته هایی از این جنس که در مسجد اموی دمشق نماز جمعه به پا خواهیم کرد و حمایت از جریان های اسلامگرا در سوریه القاعده سوریه که خودش را در قالب جبهه النصره که بعدها نام خودش را جبهه التحریر الشام تغییر داد و این وضعیتی که در سوریه شاهد بودیم و سه عملیاتی که اردوغان در سوریه انجام داد یعنی در ۲۰۱۶ سپر فرات، سال ۲۰۱۸ شاخه زیتون، ۲۰۱۹ چشمه صلح را شاهد بودیم. در مقطع بعد از داوود اوغلو گفتمان نو عثمانی گرا جای خودش را به گفتمان نو توران گرا تغییر میدهد به ویژه در سه سال اخیر. یعنی از سال ۲۰۱۹ به این طرف با حضور هرچه بیشتر و افزایش نقش رئیس جمهور در سایه، آقای دولت باغچلی تعبیر یا صفتی است که رسانه های منتقد به آقای دولت باغچلی می دهند و از ایشان تحت عنوان رئیس جمهور در سایه یاد می کنند و چرا که اردوغان کم و بیش از ۲۰۱۸ به این سو که رسماً موتلف حزب حرکت ملی گرا شد تمام ترهای آقای دولت باغچلی را اجرا کرد. از ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ به این سو هم که مسئله سوریه و داعش تمام می شود و تب سوریه فروکش می کند و مسائل خاورمیانه کاهش پیدا می کند، شاهد رشد و نصیح گیری گفتمان نو توران گرایانه آقای اردوغان هستیم. در حوزه قفقاز، مداخله در دالان فرا خزر، مداخله آشکار در قفقاز جنوبی در دو سال اخیر تا ۲۰۲۳، تمرکز ویژه بر پروژه کشورهای ترک، پروژه دالان فراخزر، کریدور میانی از قزاقستان به ترکمنستان، نشست سه جانبه در عشق آباد همراه با آقای علی اف، نشست کشورهای ترک در قزاقستان در اکتبر سال گذشته به سمت آرمانی که در ادبیات سیاسی ترکیه از آن بنام آرمان توران مطرح میشود. ولی در گفتمان کمالیزم تمرکزی بر توران نیست و در واقع توران گرایی از دال های گفتمانی کمالیزم محسوب نمیشود. در واقع در گفتمان کمالیستی نه توران بلکه دولت ملت متحقق و شکل یافته جمهوری ترکیه منشأ ناسیونالیسم ترکیه است.

به همین خاطر تا دهه ۱۹۵۰ تا دوره تک حزبی و حزب جمهوری خلق هنوز شاهد شکل گیری ملی گرایی محافظه کارانه دست راستی نیستیم. ملی گرایی محافظه کارانه نه با عدنان مندرس یا حزب دموکرات بلکه بعد از کودتای ۱۹۶۰ توسط سرهنگ قبرسی تبار ارتش ترکیه که بیانیه کودتای ۱۹۶۰ را می خواند آقای آلپ ارسلان ترکش بنیانگذار حزبی که در واقع الان به نام حزب حرکت ملی آنرا می شناسیم در واقع واکنشی است نسبت به تجددخواهی کمالیستی. آلپ ارسلان تورکس در واقع با خواندن بیانیه ارتش در رادیو اسمش بر سر زبانها افتاد. در واقع حزبی که آلپ ارسلان ترکش تاسیس می کند حزبیست تحت عنوان مردم جمهوریخواه

می کند تا بتوانند کمپین انتخاباتی اردوغان را تقویت کنند و نکته ای که در اینجا وجود دارد گره خوردگی مسئله قفقاز با آقای اردوغان است. حتی آقای قلیچدار اوغلو وقتی ویدیوهای تبلیغاتی خودش تحت عنوان "به تو قول می دهم" هر شب منتشر می کرد جز محدود دفعاتی است که در حوزه سیاست خارجی سخن گفت. اوغلو راه ابریشم را مطرح کرد و در این پروژه راه ابریشم که کمر بند راه چین قدیم محسوب می شود بحث کریدور زنگزور و رفتن از باکو و دور زدن ایران مطرح نیست، بلکه راه تاریخی ابریشم از ایران و نهایتاً چنانچه آقای قلیچدار اوغلو به ریاست جمهوری می رسید دست ایران در منطقه باز تر بود. چون آقای قلیچدار اوغلو در کنگره سالانه حزب صراحتاً وعده داده است هم در ۲۰۱۸ و هم در ۲۰۲۰ در سخنرانی خودش در دوره کرونا اعلام کرد که اگر ما به قدرت برسیم پروژه مشابه پروژه اتحادیه اروپا و دست کم سازمان امنیت و همکاری اروپا، به تأسیس سازمان امنیت و همکاری خاورمیانه با حضور ایران، عراق، سوریه و ترکیه خواهیم پرداخت و نامی از حوزه کشورهای به اصطلاح توران مطرح نمی کند؛ لذا به نظر می رسد در حوزه خاورمیانه، نگاه سیاست خارجی قلیچدار اوغلو برای ایران و کشورهای منطقه بهتر بود و مزاحمتی برای آنها به وجود نمی آورد. در راهبرد سیاست خارجی به ویژه گفتمان کمالیزم که حزب جمهوری خلق به لحاظ تشکیلاتی آنرا نمایندگی میکند، رو به غرب و پشت به خاور میانه دارد، در واقع به نصیحت کمال آتاتورک جامه عمل پوشید. بنابر این در حزب جمهوری خلق و شخص قلیچدار اوغلو مداخله موثر در حوزه خاور میانه و عدم تزاخم برای سایر کشورهای منطقه نسبت به سیاستهای اردوغان و جریان سیاسی حامی او بیشتر خواهد بود

در پایان جلسه اعضای حاضر به طرح سوالات خود در خصوص انتخابات ریاست جمهوری ترکیه پرداختند. و پیمان عارف در محدوده زمان تعیین شده برای جلسه، به سوالات پاسخ گفتند و مجدداً تأکید کردند در سیاست نمیشود به قطعیت رای داد که پیروزی کدام ائتلاف منافع ملی ما را تهدید و یا تضمین میکند، بی شک منتخب مردم ترکیه باید حافظ و حامی منافع مردم ترکیه باشد البته این حفظ منافع نباید مناسبات منطقه ای و بین المللی و حسن همجواری را مورد خدشه قرار دهد.

روستایی. در واقع روستا را در مقابل شهر که مظهر تجدد و به نوعی مدرنیته است قرار میدهد. در واقع بازگشت به اصالت ترکی را در روستاها می دید نه در شهر که دچار به اصطلاح سنت زدگی و دچار مدرنیسم شده است و به این شکل ملی گرایی محافظه کارانه در ترکیه در قالب احزاب ظهور میکند و به این صورت آرمانگرایی و تورانگرایی بر هم منطبق می شود و البته سنتز ترک اسلام رواج زمان نهاد آتسیز داریم و سنتز ترک اسلام به لحاظ راهبردی خودش را در سنتز توران اسلامی تعریف می کند. بازخوانی این تاریخچه برای این است که ما به نکته مهمی در سیاست

توران گرایی از دال های گفتمانی کمالیزم محسوب نمیشود

خارجی ترکیه برسیم که به طور ویژه یک سنت کمالیستی با نگاه به اروپا و غرب و پشت به خاورمیانه و با حداقل مداخله در خاورمیانه و قفقاز و حداقل مداخله در آسیای مرکزی و شمال آفریقا است. و یک سنت ملی گرای محافظه کارانه و عثمانی گرا خودش را به نوعی مدعی خاورمیانه می داند و به نوعی حتی مدعی اسلام و به نوعی رهبریت دنیای ترک را برای خودش قائل است و مجمع کشورهای ترک را تشکیل داده است از زمان تورگوت اوزال ۱۹۹۲ و خودش را محور کشورهای ترک و قفقاز می داند و در واقع از دوره اتحاد و ترقی این جایگاه را برای خودش قائل است حتی تقابل با نیروهای روس و فرانسویها در لیبی و ...

در واقع در نگاه کمالیستی تمرکز بر خاورمیانه را نداریم و این به لحاظ استراتژیک فضایی را در اختیار ایران قرار خواهد داد. در سوریه، در عراق، در قفقاز، دست ایران باز خواهد بود و در اینجا می بینیم حمایت های آقای علی اف در انتخابات ریاست جمهوری از آقای رجب طیب اردوغان تعداد زیادی از روزنامه نگاران طرفدار آقای اردوغان را به نوعی به ترکیه اعزام



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵
۷ تیر سال ۱۴۰۲

گفتگوی محله (۱)

تولد گفتگوی محله به سال ۱۳۹۰



الهام بایگان

هستند و از لحاظ تعاملات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و روانی از پایداری در ارتباط برخوردار هستند. بنابراین آنچه که در برگیرنده این خواسته های هدفش بود در تعریف محله یافت. محله ای که هسته اولیه جامعه شهری را تشکیل می دهد.

وی پس از انتخاب حیطه جامعه شناختی شهری به دنبال یافتن راهی جهت متحد کردن این سلولهای شهری شد. او برای ایجاد این اتحاد از ابتدایی ترین و مهمترین ابزار ارتباطی یعنی گفتگو بهره جست و تلاش کرد تا این حلقه ی روبه فراموشی بین انسانهای اجتماع را باز آفرینی کند. او کارش را با دو تن از دوستانش آغاز نمود و به آهستگی رشد داد. اینک کودک نوپا، پاراز خانه بیرون نهاد و در محله های دیگر اسلامشهر و کرج و تهران شروع به پرورش و بالندگی کرده است.

در همین راستا داود بیگدلی پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد خود را در قالب کتابی تحت عنوان باز آفرینی شهری در محله قاسم آبادشاهی اسلامشهر با رویکرد مشارکت ساکنین به چاپ رسانده است و در کتاب دومش به مباحث نظری پیرامون فضای مرکز شهری پرداخته است.

بارش بی امان باران جوی ها را خروشان کرده و آب سطح معابر و خیابانها را در بر گرفته است. همه از سیل گریزانند و همچنین از یکدیگر. صدای خروش آب، تاملی برای شنیدن و یاری با دیگری نمی دهد. دختر جوانی چوبی بلند می آورد تا بسته بزرگی را که میانه جوب و پل ماشین رو گیر افتاده را جابجا کند. به تنهایی تلاشش پاسخگو نیست، مردی به او می پیوندد. جوانی از راه می رسد، مانع برداشته میشود، پیاده رو نمایان می شود، حجم آب در خیابان کمتر و صدای غرش آن نیز کمتر میشود.

چه چیزی سبب شد تا این حرکت صورت گیرد؟ باران سیل آسا؟ حس مسئولیت؟ ایده پردازی دختر جوان؟ حس همکاری یا حس داوطلبی یا داشتن دیدی متفاوت از دیگران؟ برای برون رفت از این بحران چه ایتم هایی نیاز است تا از تکرار این چنین وقایعی جلوگیری شود؟

طرح این پرسش سر آغاز تولد ایده ای شد. ایده ای که اکنون کودک ده ساله شده با نام "گفتگوی محله". کودکی که در یکی از شهرهای استان تهران به نام اسلامشهر، محله سالور، فرهنگسرای الغدیر پایه عرصه گذاشت.

در سری مقالات "گفتگوی محله" سعی بر آن می شود تا به حلقه مفقوده های کار جمعی و گروهی و کلیدواژه های زیرساختی اجتماعی و شهروند مسیولیت پذیر و پویا پرداخته شود تا این ایده ی راهبردی، توانمندی عملیاتی را هر چه بیشتر به منصه ظهور برساند.

ایده پرداز این طرح، عاشقی است همراه با تشویش خاطر برای آب و خاک و سرزمینش، داوود بیگدلی رسالت ایده اش را در احیای "هنر باهم زیستن" می داند.

بیگدلی در حوزه شهرسازی با رویکرد جامعه شناسی تحصیل کرده است، وی در جستجوی شناخت کالبد شهری، روانشناسی اجتماعی و هویت محلی برای اجتماعی است که در تیررس آسیب های فراوانی قرار گرفته؛ آسیب هایی که خود قادر به درک آن نیست و جامعه محلی تاملی، خودخواسته یا ناخواسته به این آسیبها دامن می زند. او معتقد است که گروه های کوچک خودجوش در صورت توانمند شدن، قادرند جهت دهنده و حل کننده ی مسایل و بحرانها در هر سطحی بشوند.

این گروه های کوچک مردمی می تواند در برگیرنده ی هر نوع ایده و عقیده

ای باشد، گروه های اجتماعی که دارای تعاملات چهره به چهره روزمره





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

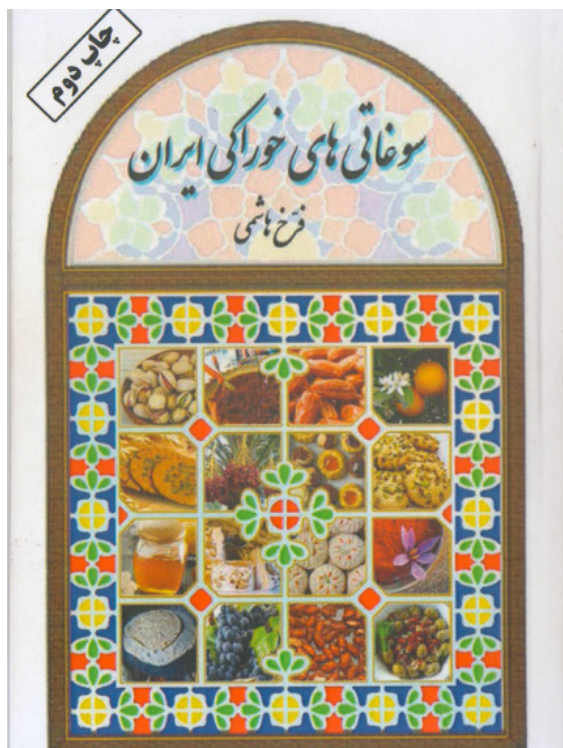
۷ تیر سال ۱۴۰۲

معرفی دو کتاب



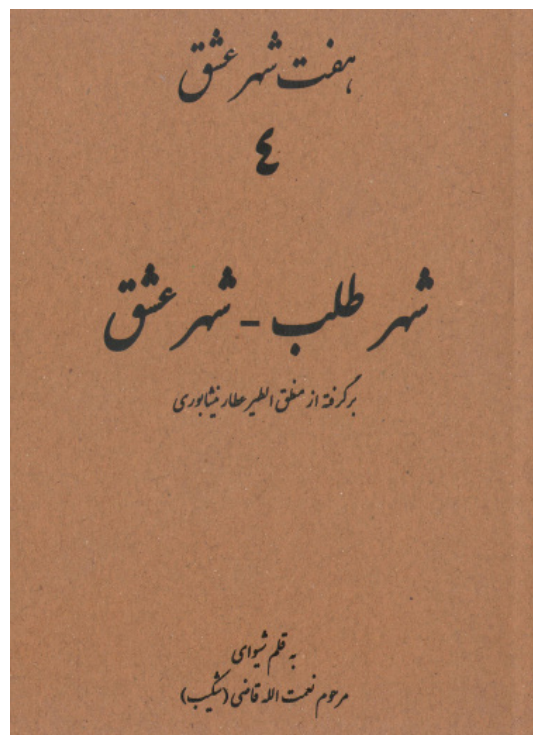
زهرا کرد

kordzari1@gmail.com



فرهنگ سترگ و سرزمین وسیع ایران به واسطه دارا بودن اقوام، فرهنگ و شهرهای مختلف و همچنین برخورداری از آب و هوای چهارفصل، امکان سفر رفتن در هر فصل و اوقاتی را فراهم می کند. خرید سوغاتی از بخش های جدانشدنی و البته خاطره انگیز هر سفر است که ضمن کمک به گردش مالی شهر مقصد، میزان علاقه و ارادت مسافر را به دوستانش در مبدأ نشان می دهد. کتاب سوغاتی های خوراکی ایران توسط "انتشارات ایزد راد" با بررسی تنوع محصولات خوراکی تمامی استان های ایران به معرفی اجمالی سوغات هر منطقه پرداخته است. این کتاب به همراه کتاب "ایده هایی در کسب و کار" تألیف فرخ هاشمی تسهیلگر حوزه کسب و کار از جمله آثاری بودند که در سی و چهارمین نمایشگاه کتاب توسط انتشارات مذکور ارائه شدند.

منطق الطیر عطار نیشابوری و داستان سحرانگیز سیمرغ، از محتوی های بی تکرار و پندآموز ادبیات کلاسیک ما به حساب می آید. انتشارات اطلاع در حرکتی ابتکاری، اقدام به چاپ مجموعه هفت جلدی داستان سیمرغ کرده است. این مجموعه به هفت وادی طریقت و عرفان داستان سیمرغ می پردازد. خوشبختانه امکان خرید هر جلد به صورت مجزا وجود دارد و تقسیم هر وادی به یک کتاب، خوانش ساده تری را برای خواننده به همراه دارد. این مجموعه براساس نسخه نعمت الله قاضی و توسط غلامرضا طریقی در سال ۱۴۰۱ نوشته شده و امسال به چاپ دوم رسیده است و نیز در سی و چهارمین نمایشگاه کتاب با اقبال مخاطبان مواجه شد.





اندیشه



به مناسبت روز جهانی بیابانزدایی (۱۸ ژوئن، ۲۸ خرداد ماه)

پایداری طبیعت با حضور زنان



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com



زنان به عنوان بازیگران اصلی در تلاش های جهانی برای کاهش تخریب زمین هستند. شراکت فعال زنان در جامعه و نبودن نابرابری ها، باعث ایجاد امکانات رشد و استفاده بهینه جامعه از حضور زنان در پاسداری از طبیعت و رشد آن میشود. مواردی که میتوان ذکر کرد:

- مدیریت مصرف مواد غذایی که برای رشد آنها به میزان زیادی آب مصرف میشود، توسط مدیریت زنان در خانواده میتواند کاهش پیدا کند به طور مثال کشت سیفی جات و سبزیها بسیار آب بر میباشد و میتوان از گیاهان دیگر فیبردار به عنوان جانشین استفاده کرد که مستلزم آگاهی زنان نسبت به رفتارهای تغذیه ای میباشد.
- مدیریت مصرف پوشاک در خانواده می باشد طبق بررسی های انجام شده به طور مثال برای تولید یک تی شرت هزینه های زیادی از طبیعت در آن اعمال میشود که زنان با آگاهی میتوانند مصرف آن را مدیریت کنند.
- زنان برای قرار گرفتن در این مسیر نیاز به حمایت های همه جانبه از طریق قانون برابری میباشند.
- عدم کودک همسری، کودکی که در دامن خانواده و آگاهی های یک مادر کامل تحت آموزش قرار نگرفته باشد هرگز نمیتواند در مسیر آگاهی برای پاسداشت محیط زیست سرزمین خود قرار گیرد.
- حضور زنان در عالیترین پست های دولتی که میتواند نتایج مثبت و درخشانی در ایجاد آگاهی و خود باوری و آموزش در زنان داشته باشد.
- قرار گرفتن مدارس دخترانه در طرح های آموزش محیط زیستی که

میتواند پیش در آمدی برای آگاهی باشد. البته در این آموزش ها به مانند کشورهای توسعه یافته والدین همراه فرزندان خود خواهند بود.

- مادران در مدیریت مصرف کاغذ به فرزندان خود کمک خواهند کرد و با وسایل غیر قابل استفاده در منزل وسایل مورد نیاز خود را به عنوان کاردستی درست خواهند کرد. و با عمل تعمیر وسایل مصرفی به حفاظت محیط زیست خود کمک خواهند کرد، چون برای تولید هر وسیله ای مستقیم یا غیر مستقیم از منابع طبیعت استفاده میشود.
- در مناطق روستایی که شغل های آب بر و یا پرورش حیواناتی که به محیط زیست منطقه آسیب میزند، با آموزش زنان میتوان باعث تغییر شغل شده و شغل های دیگری از جمله صنایع دستی را جایگزین کرد که این یکی از دستاوردهای مهم آموزش محیط زیست میباشد.

تمام این موارد که گفته شد از جمله آموزش و ایجاد آگاهی در زنان توسط سازمان های مردم نهاد و نظام آموزش صحیح در مدارس میباشد. ناگفته نماند رونق اقتصادی یکی از مهمترین عوامل سلامت محیط زیست میباشد و فقر اقتصادی باعث مصرف شدن محیط زیست میگردد. پس به جرئت میتوان گفت نقش زنان در بیابان زدایی و عدم تخریب زمین بزرگترین نقش میباشد و هر کوتاهی در پرورش زنان و دختران در زمینه ایجاد آگاهی و توانمندسازی باعث خسارات جبران ناپذیر در زمین میشود پس راه نجات زمین احترام و برابری حقوق و آموزش صحیح مادران زمین میباشد.

به امید آنکه در این امر مهم اهتمام داشته باشیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

هنگام مواجهه با تعارض میان اخلاق و وظیفه حرفه ای چه کنیم؟



کازم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com

برای ما متصور است.

اینها همه بدیهی و پیداست و جملگی به روابطمان با اغیار مربوط می شود. یعنی برای اینکه نیازهای زندگی مان را با داد و ستد تامین کنیم، به درآمد شغل مان نیاز داریم و از همین رو به تعاملات شغلی با دیگر افراد نیازمندیم. طبیعی است که این تعامل می باید مقتید به چهار چوبی باشد تا استمرار یابد. این چهار چوب می تواند دین، قانون، اخلاق یا ترکیبی از آنها باشد. نحوه این تعاملات با توجه به نوع چهار چوب مقبول، متفاوت خواهد بود چنانکه یک رابطه اخلاقی با رابطه قانونی و رابطه دینی متفاوت است.

اما هر کدام از این چهار چوب های سه گانه که برگزیده شده و اعمال شوند، از جهتی که در این مقال به آن می پردازیم، تفاوتی ندارند، بدین معنی که مثلا چنانکه رابطه شغلی ما با مشتری، کارمند، کارگر یا کارفرمایان در چهار چوب اخلاق تعریف شده باشد، حتما و لاجرم با یک توافق دو طرفه صورت گرفته و با همین توافق استمرار می یابد.

در دو چهار چوب دیگر هم وضع به همین منوال است. رابطه تعاملی شغل هر یک ما چه بر اساس قانون صورت بندی شده باشد و چه بر اساس دین، مستلزم این است که چهار چوب اعمال شده در اثر توافق دو طرف انتخاب شده باشد.

مثلا شغل خانه داری برای یک زن، بنا به توافق صریح یا پنهانی، مکتوب یا شفاهی، در یک خانواده تعریف می شود. این توافق ممکن است بنا بر التزام اخلاقی زن به انجام وظیفه مادری برای کودکان خردسالش یا بنا به التزام اجتماعی و قانونی مساعدت به همسر و خانواده، و یا بنا به اعتقاد وی به دینی که زن را ملزم به خانه داری کرده به دست آمده باشد.

اما کار جایی که می خورد که یک رابطه شغلی در یکی از چار چوب ها مجاز، و در یک یا دو چهار چوب دیگر، مشکوک یا غیر مجاز باشد.

پس در اولین قدم بالزامات قانونی، اخلاقی یا دینی، یا معجونی از الزامات مختلط از دو یا سه نوع از الزامات مواجه هستیم که به تعاملات خارجی و بیرونی با دیگر انسانها و با جامعه نظم و نسق می دهد.

بسیاری از پرسشها و معضلات فکری، هستند که بروز می کنند اما در اثر عدم توجه و تمرکز ما بر آنها، در ضمیرمان سرکوب می گردند. از این جمله است، معضل های اخلاقی در محیط کار.

در بسیاری از مواقع، در انجام وظیفه شغلی خود، ملزم به انجام کارهایی می شویم که در درست و اخلاقی بودن آنها تردید داریم. در برزخی گرفتار می شویم که توان تصمیم گیری نداریم. نمی توانیم بین انجام وظیفه شغلی و انجام وظیفه اخلاقی، انتخاب کنیم. نمی دانیم شایسته است که با وظیفه غیر اخلاقی ای که بر عهده مان گذارده شده چگونه برخورد کنیم. وظیفه مان را به عنوان یک انسان حرفه ای انجام دهیم یا به دلیل غیر اخلاقی بودن آن عمل، از انجامش سر باز زنیم. نمی دانیم سر باز زدن ما از انجام آن وظیفه، عملی غیر حرفه ای است یا نه، و نمی دانیم "مأمور و معذور" بودنمان، تکلیف اخلاقی را از ما ساقط می کند یا نه.

برای رسیدن معقولاته به پاسخ چنین پرسشها و حل چنین معضل هایی، شاخه ای از علم فلسفه اخلاق بوجود آمده که آنرا "اخلاق حرفه ای" نام نهاده اند.

در این نوشتار، بخصوص، موضوع و مخاطب این علم را معرفی می نماییم تا در بخشهای بعدی این نوشتار، وارد بقیه مباحث اخلاق حرفه ای شویم.

موضوع چیست؟

همگی، هم مجبوریم و هم می خواهیم و نیاز داریم که شغلی داشته باشیم. هم از جهت تأمین هزینه های زندگی و هم از جهت به دست آوردن شأن اجتماعی، به شاغل بودن نیازمندیم. این که چرا به شغل داشتن و شاغل بودن نیاز داریم، و یا اینکه در انتخاب شغل تا چه حد مختار هستیم، بماند. در هر شغل و حرفه ای قرار داریم یا برای انجام کاری، دستمزد می گیریم یا در ازای ثمردهی فعالیتی، منفعتی کسب می کنیم. به هرروی ناگزیر از انجام وظایفی هستیم یعنی در رابطه با شغلی که داریم، وظایفی بر عهده داریم و باید انجامشان بدهیم.

در بحث ما نیز، جایگاه کارفرما یا کارگر بودن ابداعاً اهمیتی ندارد. در هر صورت بدیهی است که وظایفی داریم و انجام آنها برای ما تکلیف است؛ چه کارمند باشیم و حقوق بگیر یک اداره، سازمان، نهاد یا حتی شخص. چه کارگر باشیم و عامل کارهایی عموماً فنی یا خدماتی، در ازای دریافت دستمزد. و چه کارفرما باشیم و به کارگرا و کارمندا نظارت و سیطره داشته باشیم. در همه حالات، هم وظایفی داریم و هم منافعی از آن موقعیت



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

مخاطب کیست؟

در اینجا قصد نداریم مسئله اصالت اخلاق یا امر الهی (۴) را باز کنیم و به آن پاسخ دهیم. از بیان آن، تنها این مقصود را داریم که یکی از راه های موجود در جهان برای حل معضلات اخلاقی را برشماریم. اما این نوع نگرش، مسئله ای از فلاسفه و فیلسوفان حل نمی کند. عقل استدلالی و فلسفی شاید بتواند خود را قانع کند که قانون به اعتبار توافقی بودنش ملاک ارزیابی اعمال قرار گیرد چرا که امکان برقراری نظم و عدالت را مهیا می کند، اما نمی تواند بپذیرد که با خوانشی حداکثری از دین، بر شهود و تجربه شخصی مان چشم ببندیم.

اخلاق گرایان، اگر به قانون تن می دهند و یا اگر به یک دین خاص التزام می یابند، فقط و فقط از این روست که آن قانون یا دین را هم راستا و سازگار با اخلاق می شناسند

می توان ادعا نمود که قبح و ناپسندی بسیاری از اعمال اخلاقی، در حد مفاهیم کلی، برای همگان بدیهی است. مثلاً مفهوم دروغ، بار معنایی خاصی داشته و با توجه به معنای آن، عملی مذموم، ناپسند و غیر اخلاقی دانسته می شود. عقل فلسفی و استدلالگر نمی تواند به محض دریافت دستور دین، این حس و شهود تجربی خود را کتمان کند و فرضاً دروغ یا قتل را عملی ممدوح یا مجاز بداند. هیچ عقل سلیمی نمی تواند بپذیرد که عملی غیر اخلاقی در عین حال می تواند اخلاقی نیز باشد، فقط به اقتضای خواست و مشیت الهی! احساسات، عواطف و عقاید آدمیان، حُسن و قُبْح، زشتی و زیبایی یا درستی و نادرستی یک امر، پدیده یا مفهوم را از راه دستور صرف، بلکه به دلیل توجیه آن دستور می پذیرد. یعنی حتی اگر به سراغ طرفداران "اخلاق مبتنی بر امر الهی" برویم، ایشان نیز چشم و گوش بسته، فقط با التزام به دین، به اخلاقی یا غیر اخلاقی بودن یک عمل اعتقاد نیافته اند بلکه به صورت پیشینی و ماتقدم، قبل از برخورد با هر یک از این گونه تجارب خاص، در ساحت عقیده و باور خود، حکیمانه و خیر خواهانه بودن اوامر الهی را پذیرفته و بدان معتقد شده اند. از همین رو، در یک موقعیت خاص می توانند بپذیرند که عملی خاص، اخلاقی هست یا نیست، فقط به این دلیل که امر الهی بر اخلاقی بودن یا نبودن آن دلالت دارد یا ندارد.

بنابراین، عده قابل توجهی از دینداران با التزام به دین و اعتقاد به "اخلاق مبتنی بر امر الهی" از حوزه موضوع بحث "اخلاق حرفه ای" خارج می شوند. اینان، نیکی یا زشتی حرفه خود را از دینشان درمی یابند و در هر موقعیتی در پی آنند که منویات دین برگزیده خود را جویا شده و بر مبنای آن عمل نمایند.

عده ای از فایده گرایان اجتماعی نیز به سبب اصالت بخشیدن به قانون، به همین سر نوشت در مبحث اخلاق حرفه ای دچار می گردند. این دسته که قانون را با وجود امکان دارا بودن معایب و نواقص، به دلیل برآمده بودن از خرد جمعی، بر هر دستور و راهکار دیگری رجحان می دهند، یا اخلاق را به نفع قانون، حذف و تعطیل می نمایند یا در بهترین حالت، برای ترمیم قانون، به نحوی که متناسب با اخلاق باشد، می کوشند.

در هر صورت این گروه نیز خود را مخاطب مبحث اخلاق حرفه ای نمی دانند. این دسته، در مواقعی که در معرض تضاد میان قانون و اخلاق قرار گیرند، بنا به مصلحت جمعی و بنا بر اعتقاد قبلی خود به اینکه اصل، رعایت قانون است، اخلاق را کنار می گذارند اگر چه شاید بنا به قوه وجدانی خود، بعدها برای اخلاقی نمودن آن قانون خاص، دست به اقدامات مدنی و اصلاحی بزنند.

هر شغل یا وظیفه ای بنا به همین نوع الزامات و چهارچوب ها و بنا به اینکه کدام نوع چهارچوب را بپذیرفته باشد، در حوزه اخلاق، قانون و دین قابل بررسی است (۱). می توانیم به بررسی این موضوع بپردازیم که فلان شخص به لحاظ اخلاقی در انجام شغلی جایز هست یا نه. یا بپرسیم و بررسی کنیم که شغلی بر پایه الزامات قانونی چه حدود اختیارات و حقوقی دارد. یا از وظایف و مزایای یک شغل در چهارچوب یک دین بپرسیم. هر کدام از این موضوعات به ترتیب به حوزه علم اخلاق، علم قانون (حقوق) و علم دین (فقه) مربوط می شوند. اما کار جایی گره می خورد که یک رابطه شغلی در یکی از چهارچوب ها مجاز، و در یک یا دو دیگر مشکوک یا غیر مجاز باشد. مثلاً در موقعیتی که یک نظامی ارتش با قبول الزامات قانونی ارتشی بودن به ارتش یک کشور پیوسته، در مواقعی که موظف به تبعیت از دستوراتی منافی دین یا اخلاق شود چه باید کند؟ اگر به وی دستور داده شود که در راستای وظیفه دفاعی خویش بر کودکان کشور متخاصم آتش بگشاید، آیا او اخلاقاً یا شرعاً مجاز به این کار هست؟ اگر او عضو ارتش یک کشور اسلامی بوده و در موقعیت دفاع از سرزمینی ست که قانوناً و شرعاً موظف به آن است، با دستور و صلاح دید مقام مافوقش مجاز به بمباران غیر نظامیان هست؟ واضح است که در این موقعیت فرضی، اگر چه چندان دور از ذهن و تجربه ما نیست، نمی توانیم انتظار داشته باشیم که هر یک از اعضاء، سربازان، افسران و فرماندهان ارتش دلیل و توجیه یک دستورات را بدانند. این امر نه ممکن است و نه به صلاح. ممکن نیست چون در پی دستور حمله، سریعاً باید آن عملیات انجام شود. زمانی برای توجیه در اختیار نیست. به صلاح هم نیست چون چنانکه مقامات مسئول، اقدام به توجیه افراد تحت امر خود کنند، در عین حال، امنیت آنان و امنیت عملیات را تضعیف کرده یا از بین می برند چرا که عملیات به احتمال زیاد لو خواهد رفت.

برای حل معضل مثالی فوق، قانون و دین پاسخ های جداگانه ای ارائه می دهند اما موضع اخلاق چیست؟ اگر قائل به آن باشیم که اخلاق ذیل دین قرار دارد و هر چه دین بگوید، مرادف و مساوی اخلاق است، مانند اشاعره که معتقد بودند حُسن یا قُبْح یک عمل وابسته به خواست و دستور خدا است، آنگاه اخلاق را به نفع دین حذف کرده ایم. یعنی همان گونه که اشاعره (۲) معتقد بودند، قائل به این باشیم که اگر یک عمل خاص توسط خداوند نهی شده باشد، حتماً آن عمل غیر اخلاقی است، و اگر به عمل دیگری امر شده، لزوماً آن عمل اخلاقی است، در این صورت برای نیک یا بد بودن کردار ها و اعمال ملاکی جز فرامین الهی نپذیرفته ایم.

با چنین رویکردی به عنوان مثال، دروغ، ظلم و ستم، قتل و... اعمال ناپسندی هستند، نه به آن خاطر که فی نفسه و ذاتاً بد و ناپسند هستند و عموم مردم به ناپسندی آنان قرار دارند، بلکه به این خاطر که خداوند این افعال را ناپسند دانسته، مذموم دانسته می شوند. بدین ترتیب چون قتل به فرمان خداوند عمل ناپسندی است، چنانچه، زمانی و در جایی، بنا به امر الهی، قتل جایز دانسته شود یا حتی لازم، نه تنها مقوله قتل از دایره ردایل خارج می شود بلکه از اعمال فاضلانه و مورد پسند خواهد شد (۳).

می توان ادعا نمود که قبح و ناپسندی بسیاری از اعمال اخلاقی، در حد مفاهیم کلی، برای همگان بدیهی است

این نوع نگرش در میان بسیاری از متدینان، قائلان و طرفدارانی دارد اما خالی از اشکال نیست و نمی توان به راحتی و با قطعیت، کلیت آن را بپذیرفت.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

بنابر این می توان نتیجه گرفت که سه دسته از اخلاق گرایان یعنی کسانی که دغدغه شناخت هنجارهای اخلاقی و عمل بدانها را دارند، مخاطب مبحث "اخلاق حرفه ای" (۵) و دغدغه مند موضوع مورد کندوکاو آن هستند.

دسته اول، شاغلین اخلاق گرایی که به اصالت قانون باور دارند و بر اساس یک چهارچوب قانونی و در یک چنین چارچوبی وظیفه ای را به عنوان شغل خود انجام می دهند، اما در عین حال دغدغه شناخت هنجارها و احکام اخلاقی را نیز دارند و می کوشند با کنشگری مدنی، قانون های مدنی مبتنی بر اخلاق را باز شناخته، نمایان و معرفی کرده و در قالب های قانونی بنگنجانند. دسته دوم هم متدینانی هستند که اگر چه به یک دین اعتقاد و التزام دارند، دین خود را مبتنی بر عقلانیت می شناسند و از آن دین، انتظار آن را دارند که آموزه هایی عقلانی ارائه داده و اوامری مبتنی بر سنجه های عقلی صادر نماید.

اما دسته سوم که به نوعی هسته اصلی و عامل محوری بحث "اخلاق حرفه ای" هستند، شامل اخلاق گرایانی می شود که اخلاق را امری ذاتی و فطری می پندارند و خود را ملزم به رعایت هنجارهایش می دانند. این اخلاق گرایان، اگر به قانون تن می دهند و یا اگر به یک دین خاص التزام می یابند، فقط و فقط از این روست که آن قانون یا دین را هم راستا و سازگار با اخلاق می شناسند. و گرنه، به محض تعارض هنجارهای اخلاقی با هر کدام از دو گانه قانون و دین، با اصالت بخشیدن به اخلاق، رقیب را حذف و از صحنه به در می نمایند. از نظر ایشان، قانون یا دین، تازمانی که مطابق و سازگار با اخلاق باشد لازم الاجراست.

تا بدین جا روشن شد که به طور کلی در بحث "اخلاق حرفه ای" به چه مسئله و موضوعی پرداخته می شود و مخاطب و پیگیر آن چه کسانی هستند. به طور خلاصه، "اخلاق حرفه ای"، بناست که به آنانی که دغدغه اخلاقی زیستن را دارند یاری برساند تا در مواقع تعارض بین وظایف اخلاقی و وظایف شغلی، مناسب ترین تصمیم را بگیرند.

برای اینکه وارد مباحث "اخلاق حرفه ای" شویم، به تمهید مقدماتی

نیازمندیم و می باید به جز تعیین موضوع و مخاطب، ماهیت و روش را نیز روشن نماییم.

پاسخ به اینکه "اخلاق" چیست و چه معنا و مصداق هایی دارد؟ این که مراد ما از اخلاق کدام معنا و کدام مصداق آن است؟ حرفه یا شغل چیست؟ روش بررسی و مطالعه مادر این بحث علمی چه رشته علمی است و میتواند باشد؟ و در نهایت رسیدن به یک تعریف جامع و مانع از بررسی پیشرو یعنی بررسی اخلاق حرفه ای، ابتدایی ترین ملزومات هستند.

در بخش بعدی، این پرسش ها را با هدف رسیدن به یک توافق عقلی برمی رسیم تا محیای ورود به بحث از "اخلاق حرفه ای" در حرفه های مختلف شویم.

مآخذ و پانوشت:

۱. در باب تمایز این سه حوزه و محدود نمودن انواع چارچوب ها به این سه نوع، به جنبه اجتماعی و فردی آنها نظر داشته ام. چنانکه اخلاق ذاتا به حوزه فردی مربوط است، قانون به حوزه اجتماعی، و دین بنا به نوع آن، به یک یا هر دو. گرچه این حوزه ها همپوشانی هایی دارند ولی حیطه های مجزایی هستند. در ادامه این مبحث، در بخشهای بعد، تمایز این حوزه ها مشخص تر خواهد شد.

۲. اشاعره یا اشعریون، جریان و نحله ای فکری در دنیای اسلام هستند که در مقابل "معتزله" قرار داشته اند. اشاعره بیش از آنکه به مقتضیات عقلی پایبند باشند، عقل را به عنوان ابزاری برای توجیه و توصیه آموزه های دینی می شناختند.

۳. برای مطالعه نقد و نظری کوتاه اما عالمانه، نک: رحمتی، انشالله، کیمیای خرد، نشر سوفیا، ۱۳۹۲، به خصوص صفحات ۱۷۵ تا ۱۷۸

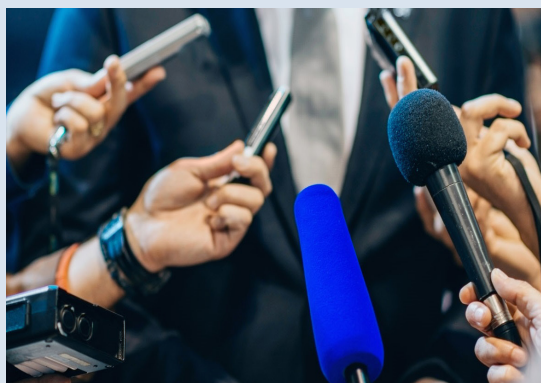
۴. نک: فرهنگنامه تاریخی مفاهیم فلسفی، انتشارات موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، جلد سوم، ۱۳۹۴، "اخلاقی مبتنی بر الهیات" نوشته هاووزر، ترجمه احمد رجبی، صفحه های ۱۲۹ و ۱۳۰؛ نیز: موسوی، مونا، نظریه امر الهی آدامز، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۱

۵. بحث "اخلاق حرفه ای" را برای اولین بار آقای دکتر احد فرامرز قراملکی، استاد فلسفه اسلامی دانشکده الهیات دانشگاه تهران، مطرح کردند و کتابهایی نیز در این زمینه تألیف نمودند. مثلا، بنگرید به کتابی با این مشخصات نشر به قلم ایشان: اخلاق حرفه ای، انتشارات مجنون، ۱۳۹۲



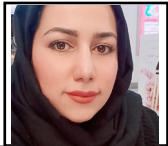


گفتگو



یونس ژائله، عضو اتاق بازرگانی در گفت و گو با اراده ملت تشریح کرد:

کسانی برای تولید کننده تصمیم می گیرند که خودشان دستی بر آتش ندارند



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

بازرگانی به مشکل بزرگی برای این مجموعه تبدیل شده است. متأسفانه اگر اتاق بازرگانی وظایفی حاکمیتی داشته باشد، دخالت حاکمیت در این تشکل اقتصادی توجیه می شود. مثلاً صدور کارت بازرگانی این مجموعه را به وظایف حاکمیتی نزدیک کرده است و باید در هماهنگی با سایر نهادهای دولتی عمل کند. واحد ها برخلاف تمایل شان مجبورند درصدهایی را به اتاق بازرگانی پرداخت کنند، راضی نیستند ولی چاره ای هم ندارند چون می خواهند کارت بازرگانی بگیرند و فعالیت اقتصادی داشته باشند به نوعی اجبار و انحصار وجود دارد و واحدها مجبورند این ارقام را پرداخت کنند. در حقیقت به نام اتاق بازرگانی و در قالب تشکلی خصوصی، یک اداره مالیات ثانویه ایجاد شده است و ارقامی که می گیرد هم، کم نیست. از این جاها دخالت دولت در کار این مجموعه توجیه می شود. وظیفه اتاق بازرگانی این نبود که بازوی دولت شود و از فعال اقتصادی مالیات بگیرد. انتظار می رفت این تشکل کاملاً مستقل باشد و وظیفه مشورت دهنده داشته باشد.

آیا دهمین انتخابات اتاق بازرگانی، شروع بدعتی از دخالت دولت در انتخابات پارلمان های بخش خصوصی خواهد بود؟

اتاق بازرگانی و هر تشکل غیردولتی خودش باید دلسوز باشد و مشکلاتش را حل کند. این مجموعه نیاز به اصلاحاتی دارد که باید داخل مجموعه انجام شود. در مورد دخالت های دولتی، شفافیت و نظارت نیز، اتاق باید قدم اول را بردارد. اتاق بازرگانی باید توسط صاحبان اصلی سرمایه و بخش خصوصی واقعی اداره شود تا به جایگاه اصلی اش برسد. این مجموعه باید از انحصار افراد بی ربط و نام های ناآشنا در حوزه اقتصاد و تجارت و تولید خارج شود. در این شکی نیست که هر دخالتی از سوی دولت ها در این مجموعه خصوصی به رسالت مجموعه لطمه می زند. در مورد اتاق بازرگانی باید گفت که این مجموعه بنا به ضرورت باید به رسالت اولیه خود و شکل ان جی او برگردد. وقتی اتاق به مرکزی درآمدزا تبدیل شده است، دستگاه های حاکمیتی ورود می کنند. از سویی کسانی که وارد اتاق می شوند برای کسب منافع می آیند و یا برای آزمودن بخت خود در ورود به عرصه های بالاتر وارد اتاق بازرگانی می شوند. وضعیت اتاق تغییر کرده و این مجموعه از رسالت ذاتی خود دور شده است. رانت خبری و رانت موقعیتی وجود دارد و از این رو حاکمیت ورود کرده و در انتخابات این دوره ادعا شده که باید شرکت کنندگان در

اراده ملت، فائزه صدر: انتخابات اتاق بازرگانی ایران در هفته پایانی خرداد ماه برگزار شد و حسین سلاحورزی با کسب اکثریت آرا به عنوان رییس اتاق بازرگانی انتخاب شد. اما پس از انتشار نتایج، مراجع امنیتی اعلام کردند که صلاحیت این چهره فعال در هیات رییس اتاق ایران، مورد تایید نبوده و صحت انتخابات را زیر سوال بردند. حواشی دهمین انتخابات اتاق بازرگانی تا به آنجا پیش رفت که زمزمه کنار کشیدن حسین سلاحورزی از این سمت مطرح می شود. اتفاقی که برای انتخابات اتاق بازرگانی ایران رخ داد، ابهاماتی در خصوص استقلال این نهاد پدید آورده است. اراده ملت در گفت و گویی با یونس ژائله، عضو اتاق بازرگانی و نفر دوم این انتخابات به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می خوانید:

در انتخابات اخیر اتاق بازرگانی شاهد اتفاقاتی بودیم که از دخالت پر رنگ حاکمیت در این مجموعه غیرانتفاعی حکایت می کند. آیا ورود نهادهای حاکمیتی به یک انتخابات در بخش خصوصی و مطرح شدن مساله تایید صلاحیت در بین اعضای پارلمانی خصوصی، استقلال چنین مجموعه هایی را زیر سوال نمی برد؟

اتاق بازرگانی تشکل اقتصادی مستقل از حاکمیت است و وظیفه مدیریت و نظارت بر اتحادیه های صادراتی و وارداتی و سندیکاهای تولیدی در بخش خصوصی را بر عهده دارد. از این رو دخالت دولت در این نهاد غیرانتفاعی معنا ندارد. اما امروز دخالت دولت در روند کار اتاق

بخش مولد را نمایندگی می کنند که خودشان دستی بر آتش ندارند. نه صنعتگر هستند، نه تولیدکننده هستند و نه سرمایه گذاری کرده اند! استقلال و کارآمدی بخش خصوصی زیر سوال رفته است تا امروز تصمیم ها در خلاف جهت توانمند کردن بخش خصوصی بود. دولت در این جهت گام برداشته و اگر قرار است که نظارتی وجود داشته باشد، باید نظارت شود که افراد بدون سابقه فعالیت اقتصادی و تولیدی، وارد این مجموعه نشوند نه اینکه فعالین اقتصادی را که توانمندی خودشان را در عمل ثابت کرده اند مجددا ارزیابی کنیم. بلکه اتاق بازرگانی به یک تحول و به یک نظارت قوی نیاز دارد تا تاثیرگذارترین ها و خوش فکرترین ها و افرادی که برنامه دارند و با فضای تولید و تجارت آشنا هستند و تجربه کسب کرده اند، وارد این مجموعه شوند.

انتخابات اتاق، مثل نماینده مجلس تایید صلاحیت بگیرند و حاکمیت ببیند این آقایان انقلابی هستند یا نه؟! ولی عملکرد اتاق بازرگانی به گونه ای نیست که بتوان در برابر این دخالت از استقلال مجموعه دفاع کرد.

با توجه به حواشی انتخابات اتاق بازرگانی ایران، آیا می توانیم همچنان برای این مجموعه شخصیت حقوقی مستقلی قائل شویم؟ اتاق بازرگانی حقیقتاً به یک تحول نیاز دارد. پارلمان بخش خصوصی باید قوی و کارآمد باشد و بتواند در تصمیمات دولت ها تاثیرگذار واقع شود. امروز که اینطور عمل نمی کنیم، بخش خصوصی باید دولت را اقناع کند. آیا امروز اینچنین است؟! کسانی برای تولیدکننده، صنعتگر و سرمایه گذار تصمیم می گیرند و این



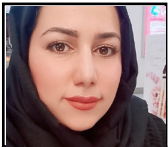
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین در گفت و گو با اراده ملت عنوان کرد:

واگنرها، ضربه دیگری بر اقتدار پوتین



فائزه صدر

Faehsadr7@gmail.com

و درگیری های لیبی شرکت کرده اند. در حقیقت در هر جایی که روسیه می خواهد مداخله نظامی داشته باشد ولی نمی تواند یا نمی خواهد از ارتش خود استفاده کند، این گروه، مزدوری را برای نبرد می فرستد. البته نیروهای مزدوری در روسیه غیرقانونی هستند، ولی واگنرها به صورت یک شرکت در روسیه ثبت شده اند. پس از تشکیل گروه واگنر، یکی از الیگارش های روسیه رهبری آن را بر عهده گرفت. "یوگنی پریگوزین" خدمات زیادی برای پوتین داشت. پریگوزین با ۲۵ هزار نیرو که اکثر آنها از محکومین روس هستند و به شرط ورود به جنگ عفو می شوند، وارد جنگ اوکراین شده است.

با توجه به حمایت کرملین از این گروه، منشا اختلاف واگنرها با رهبران اصلی خود چیست؟

جنگ اوکراین، جنگ بزرگی است. گروه واگنرها بیشتر در جنگ اوکراین مطرح شدند و قدرت گرفتند. طبیعتاً این گروه امروز خواسته های زیادی را مطرح می کند و انتظاراتشان بالا رفته است. از سویی به دلیل ماهیت نیروهای این گروه و حضور سایه وار آنها در حاشیه جنگ، بین آنها و فرماندهان ارتش روسیه مشکلاتی بوجود می آید. واگنرها قرار گرفتن در حاشیه را نمی پذیرند و ادعاهای بزرگتری دارند.

در جنگ اوکراین وظیفه اصلی بر عهده ارتش روسیه است و طبیعتاً ارتش مطرح می شود و فرماندهان ارتش در برابر رهبران روسیه قرار می گیرند. واگنرها با وجود تمام خدماتشان به طرف روس، جنگ و شخص پوتین، باز هم گروهی در حاشیه هستند.

نیروهای مزدوری روحیه ای متفاوت از چهارچوب و قواعد نیروهای نظامی دارند. چون پله به پله در رده های نظامی تربیت نشده اند. و تنها ارتباطی ظاهری و صوری با سلسله مراتب در نیروهای نظامی برقرار کرده اند. وقتی چنین نیروهایی دستاورد هایی در جنگ داشتند و مطرح شده اند، حس قدرت می کنند و خواسته های بیشتری دارند. این توهم قدرت داشتن باعث می شود به سرعت از فرماندهان خود در ارتش سرپیچی کنند. از سویی با فرسایشی و طولانی شدن جنگ، مشکلاتی برای پوتین بوجود آمده است. پریگوزین در یک پیام رسانه ای گفت که ارتش روسیه جا خالی کرده تا نیروهای اوکراینی نیروهای او را بزنند. از آن روز اختلاف این گروه با ارتش روسیه علنی شد و شدت گرفت.



اراده ملت، فائزه صدر: در روزهای گذشته روسیه شرایط ملتهبی را تجربه کرد. نظامیان گروه واگنر به رهبری "یوگنی پریگوزین" برخی از شهرهای مهم روسیه از جمله شهر رستوف را تصرف کردند و پریگوزین خبر داد که نیروهای تحت امرش با مسکو فاصله چندانی ندارند. در حالیکه خبرهای غیررسمی از خروج رئیس جمهور روسیه از پایتخت خبر می داد، پوتین در برنامه ای تلویزیونی حاضر شد و در توصیف کاری که واگنرها و رهبران انجام داده اند، از واژه خیانت استفاده کرد. شورش واگنرها به سرعت با میانجی گری "الکساندر لوکاشنکو" رئیس جمهور بلاروس، خاتمه یافت و پریگوزین فرمان عقب نشینی نیروهایش به پایگاه های واگنرها را صادر کرد و عازم بلاروس شد. شورش واگنرها بار دیگر افکار عمومی جهان را متوجه جایگاه تضعیف شده پوتین کرد. اراده ملت در گفت و گویی با عبدالرضا فرجی راد، دیپلمات پیشین به بررسی این موضوع پرداخته که در ادامه می خوانید:

روایت های زیادی در مورد گروه واگنرها وجود دارد. گاهی تصویری که رسانه ها از این گروه ساخته اند، آن ها را به قهرمانان شرور فیلم های اکشن شبیه می کند. حقیقت درباره این گروه و رهبر آن چیست؟ واگنرها یک گروه شبه نظامی هستند که به ارتش روسیه وابستگی غیرمستقیم دارند. واگنرها در جنگ های نیابتی مثل جنگ داخلی سوریه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

آیا کارشکنی واگنرها می تواند معادلات جنگ اوکراین را تغییر دهند؟

اولین نکته این است که ارتش روسیه قدرتمندتر از گروه واگنر است ولی روسیه امروز به واقع با بحران روبرو است. دو خطر عمده متوجه پوتین است. هم جنگ اوکراین که تا به امروز نتیجه ای و دستاوردی برای پوتین نداشته، موقعیت او را تضعیف کرده است و هم مساله اعتراضاتی از جمله اعتراضات گروه واگنرها، موقعیت پوتین را بیش از پیش به خطر می اندازد. شاید بعد از این اتفاق، رییس جمهور روسیه باید منتظر اعتراضات دیگر شخصیت ها یا گروه ها و تشکل ها باشد.

روسیه از نظر اقتصادی در جنگ شکست خورده است. در جنگ نیز روسیه دست برتر را ندارد و روس ها در مناطق مختلف عقب نشینی کرده اند. در چنین شرایطی بحران های جدیدی مثل شورش گروه واگنر کار پوتین

را سخت تر خواهد کرد. غرب به رهبری آمریکا علاوه بر حمایت همه جانبه از اوکراین و تجهیز جبهه ها و جلوگیری از پیشروی روسیه، در داخل روسیه روی افکار عمومی کار می کند. شورش واگنرها که رهبر آنها از دوستان نزدیک ولادیمیر پوتین است، می تواند تحت تاثیر همین تلاش های رسانه ای و تبلیغاتی غرب باشد. اقتدار پوتین در جریان جنگ اوکراین در سطح منطقه و حوزه پیرامونی روسیه و سطح جهان تضعیف شده بود. ماجرای واگنرها ضربه دومی بر اقتدار پوتین بود و این ضربه به این زودی ها جبران نمی شود. برای خاتمه دادن به جنگ اوکراین قدرت هایی که به طور غیر مستقیم در جنگ دخیل هستند، باید تصمیم بگیرند. چون مساله از عهده روسیه و اوکراین خارج شده است.



Photo



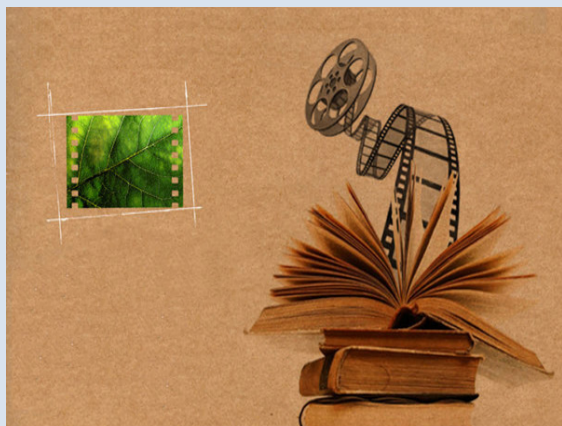
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



معرفی و پیشنهاد



همه چیز خیلی نزدیک است



راضیه گمار

r.gomar901@gmail.com

نام اثر: نزدیک (close)
کارگردان: لوکاس دونت و آنجلیو تیسنس
ژانر: درام
سال انتشار: ۲۰۲۲
محصول: بلژیک و هلند
زبان: فرانسوی
زمان: ۹۹ دقیقه

فیلم نزدیک، داستان دو پسر بچه سیزده ساله به نام های لئو و رمی را در یک تابستان گرم و روشن در مزرعه ای زیبا روایت می کند که در حومه بلژیک زندگی می کنند. در حالیکه رابطه ای عمیق و صمیمی بین آن دو شکل می گیرد، با گذشت زمان و به دنبال یک سری اتفاقات، این رابطه رنگ باخته و منجر به فاصله بین آن دو شده، تا جایی که از تداوم آن حذر می کنند و پیوند به ظاهر ناگسستگی آنها به طور ناگهانی و به طرز غم انگیزی از هم می پاشد. این جدایی، منجر به یک حادثه ناگوار برای یکی از آن دو (رمی) می گردد و لئو با تقلا برای درک آنچه اتفاق افتاده به مادر رمی نزدیک می شود. در پی این اتفاق، لئو با این پرسش روبه رو می شود که چرا از نزدیک ترین دوستش فاصله گرفته است.

این فیلم در واقع، روایتی از دوستی، عشق، هویت، استقلال، مسئولیت و دل شکستگی و شفاست که نشان می دهد دوستی ها مهمتر از آن چیزی هستند که ما بطور معمول تصور می کنیم. داستان خدشه دار شدن عاطفتی خالص، که می تواند یک تجربه ی انسانی برای هر کسی باشد، تا جایی که، گاهی عشق و دوستی بر هنجارهای مستعد غلبه کرده و اگر کنترل نشود، می تواند کشنده باشد و نتایج دلخراشی را به دنبال داشته باشد.

تماشای این فیلم می تواند تجربه ای متفاوت از یک درام تأمل برانگیز همراه با یک موسیقی زیبا را به همراه داشته باشد. در پایان اشاره می کنیم که این فیلم، برنده جایزه بزرگ هیئت داوران در جشنواره کن نیز گردیده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

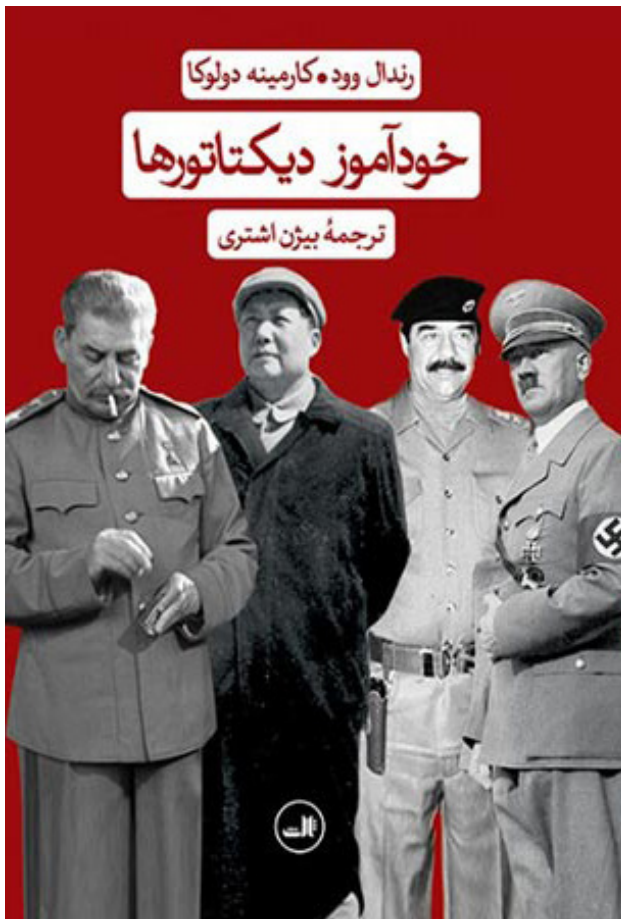
۷ تیر سال ۱۴۰۲

دیکتاتور درونت را بشناس



علیر ضامالمیر

Malmira287@gmail.com



کتاب: خودآموز دیکتاتورها
نویسنده: رندال وود، کارمینه دولوکا
مترجم: بیژن اشتری
نشر: ثالث
تعداد صفحه: ۳۲۰

خودآموز دیکتاتورها، قرار است هندبوکی باشد که با زبانی طنزانه، راه‌های دیکتاتور شدن و دیکتاتور ماندن را یاد خواننده بدهد. نویسندگان برای رسیدن به این هدف، لیست بلندبالایی از دیکتاتورها را اقطار کرده و رفتارهایشان را در چند بخش تقسیم کرده‌اند. بر خورد خواننده با خودآموز دیکتاتورها، به نگاه و رویکردش از خواندن وابسته است. یکی برای سرگرمی می‌خواندش، یکی برای دانستن اطلاعاتی مفید درباره آدم‌هایی که می‌زدند، می‌کشتند و مثل دیکتاتور او گاندا کشته‌ها را می‌خوردند، یکی برای شناخت سازو کارهای حکمرانی دیکتاتور مابانه و بعضی‌ها هم برای رونق کسب و کار و روابطشان با دیگران.

این کتاب با بررسی زندگی تمام دیکتاتورهای مشهور جهان به خواننده یاد می‌دهد چطور یک دیکتاتور باشد. کتاب ۱۳ فصل دارد و در هر فصل به یکی از موضوعاتی که باعث شکل‌گیری، قدرت گرفتن و یا حتی افول قدرت یک دیکتاتور می‌انجام پرداخته می‌شود. نویسندگان برای نوشتن خودآموز دیکتاتورها از منابع مختلفی کمک گرفته‌اند تا ما با یک اثر ارزشمند تاریخی مواجه باشیم. اثری که در آن نویسندگان سعی کرده‌اند تا تمام وجوه زندگی یک دیکتاتور را زیر ذره بین ببرند و با دقت آن را تحلیل کنند. تحلیل‌های آن‌ها باعث می‌شود که ما نه با نگاهی ساده به مجموعه‌ای از گزارش‌ها، که با عمق این ماجرا سرو کار داشته باشیم. بر اساس تعریف این کتاب، دیکتاتور کسی است که قدرت را از طریق فرایندهای دموکراتیک، چه به صورت مستقیم و چه غیر مستقیم، در دست گرفته باشد. پس با این حساب در این کتاب، هم هوگو چاوز دیکتاتور است و هم هیتلر. مترجم این کتاب بیژن اشتری گفته که این کتاب با تمیزی اندکی منتشر شده است.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

پدر! مادر! ما متهمیم



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

سال ۱۳۱۲ در روستای کاهک از توابع سبزوار علی شریعتی چشم به جهان گشود. پدر او محمد تقی شریعتی که از اساتید دانشگاه مشهد و مؤسس کانون حقایق اسلامی بود و اجداد وی همه از عالمان و بزرگان دینی بودند. او پس از گذراندن دوره ابتدایی و سیکل اول دبیرستان به دانشسرای مقدماتی رفت و در سن ۱۹ سالگی بعد از اتمام دانشسرا به آموزگاری مشغول شد.

دکتر شریعتی در سال ۱۳۳۴ برای تحصیل ادبیات به دانشگاه مشهد رفت. او دارای تفکر خلاق می بود و در این دوران به ترجمه و نوشتن مشغول. در همین زمان با یکی از همکلاسی هایش به نام پوران شریعت رضوی ازدواج می کند. ثمره این ازدواج، چهار فرزند با نام های احسان، سوسن، سارا و مونا است. او در سال ۱۳۳۷ پس از دریافت لیسانس در رشته ادبیات فارسی، بعثت شاگرد اول شدن برای ادامه تحصیل به فرانسه فرستاده شد. در آنجا به تحصیل علوم چون جامعه شناسی، مبانی علم تاریخ و تاریخ و فرهنگ اسلامی پرداخت. وی پس از سالها تحصیل، مدرک دکترا در رشته های جامعه شناسی و تاریخ ادیان اخذ کرد. اما در این فاصله به گروه فعالان ایرانی نظیر ابراهیم یزدی، ابوالحسن بنی صدر، صادق قطب زاده و مصطفی چمران پیوست و در سال ۱۳۴۱ سازمان نهضت آزادی ایران (بخش خارج از کشور) بنیان گذاشته شد. و به عنوان سردبیر روزنامه فارسی زبان ایران آزاد (ارگان جبهه ملی خارج از کشور در اروپا) انتخاب شد. دکتر شریعتی در فرانسه به سازمان آزادی بخش الجزایر پیوست و مقاله ای برای

نشریات فرانسه نوشت که منجر به دستگیری وی شد. او در سال ۱۳۴۳ به ایران بازگشت و در مرز ترکیه و ایران بازداشت شد و به زندان فرستاده شد. او بعد از چند ماه از زندان آزاد شد و بعد از بازگشت به زادگاهش ابتدا بعنوان معلم کلاس چهارم و بعد از آن به عنوان معلم دبیرستان و مدتی بعد استادیار تاریخ دانشگاه مشهد شد.

سال ۱۳۴۸ را می توان برای دکتر شریعتی شروع فصلی جدید از زندگی اش دانست. او در این سال به حسینیه ارشاد دعوت می شود و مسئولیت امور فرهنگی حسینیه را به عهده می گیرد. به تدریس و سخنرانی جامعه شناسی مذهبی، تاریخ ایران، تاریخ شیعه و تشریح شخصیت های مذهبی می پردازد و بیان و کلامش موجب جذب افراد زیادی می گردد. در سال ۱۳۵۲ حسینیه ارشاد به دستور رژیم تعطیل شد و شریعتی برای ۱۸ ماه راهی زندان گردید. شکنجه های روانی او توسط ساواک بعد از آزاد شدنش ادامه داشت پس او تصمیم به مهاجرت گرفت و ابتدا به بروکسل و سپس به انگلیس رفت و سه هفته بعد به طرز مشکوکی درگذشت. دکتر شریعتی آثار بسیاری داشت از جمله: هیوط در کویر، تشیع علوی، تشیع صفوی، جهان بینی و ایدئولوژی انسان. ارزیابی نقش تاریخی او در انقلاب ۵۷، در محافل سیاسی و روشنفکری و از دید اندیشه ورزان مختلف، بسیار مورد بحث و مورد مناقشه بوده است. و مباحث تأمل برانگیزی را در پاسخ به این پرسش مطرح می کند که «چنانچه شریعتی امروز را دیده بود یا در این روزگار صاحب تریبون بود؟!...»

ترانه‌ای از غربت

ترانه کلامی است که برای همراهی و هماهنگی با موسیقی (دارای وزن و یا ملودی) ابداع و نوشته میشود تا خواننده آن را تحت قواعد موسیقایی اجرا کند. شعر و ترانه یکی نیستند اما در مواردی شبیه به یکدیگر هستند. معمولاً به اشعاری که قابلیت موسیقایی و اجرا بر روی آهنگ داشته باشند را ترانه میگوئیم.

یکی از مشهورترین ترانه‌سرایان معاصر ایران، اردلان سرفراز است که سالهاست از ایران دور است. او در طول زندگی در کشورهای مختلفی همچون آلمان، اتریش، یونان، ترکیه، ایتالیا، آمریکا و... روزگار گذرانده‌است و تأثیر حضور در این کشورها و رنج ناشی از غربت در بسیاری از اشعار وی مشهود است. مدتی پیش دو کتاب شامل گزیده‌ای از ترانه‌های وی به نامهای «از ریشه تا همیشه» و «سال صفر» چاپ و منتشر شد. بسیاری از ترانه‌های با رویکرد سیاسی اردلان در این دو کتاب آمده‌است. نگاهی میکنیم به ترانه چشم من:

چشم من! بیا منو یاری بکن
گونه‌هام خشکیده شد، کاری بکن!
غیر گریه مگه کاری می‌شه کرد؟
کاری از ما نمیداد، زاری بکن!

اون که رفته دیگه هیچ وقت نمیداد
تا قیامت دل من گریه می‌خواد!

هر چی دریا رو زمین داره خدا
با تموم ابرای آسمونا
کاشکی می‌داد همه رو به چشم من
تا چشم به حال من گریه کن!

اون که رفته دیگه هیچ وقت نمیداد
تا قیامت دل من گریه می‌خواد!

قصه‌ی گذشته‌های خوب من
خیلی زود مثل یه خواب تموم شدن
حالا باید سر رو زانو بذارم
تا قیامت اشک حسرت ببارم

دل هیشکی مثل من غم نداره
مثل من غربت و ماتم نداره
حالا که گریه دواي دردمه
چرا چشمم اشکشو کم میاره؟

خورشید روشن ما رو دزدیدن
زیر اون ابرای سنگین کشیدن!
همه جا رنگ سیاه ماتمه
فرصت موندنمون خیلی کمه!

اون که رفته دیگه هیچ وقت نمیداد
تا قیامت دل من گریه می‌خواد!

سرنوشت چشاش کوره، نمی‌بینه!
زخم خنجرش می‌مونه تو سینه
لب بسته، سینه‌ی غرق به خون
قصه‌ی موندن آدم همینه

اون که رفته دیگه هیچ وقت نمیداد
تا قیامت دل من گریه می‌خواد!



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



کشف دوباره بتهوون

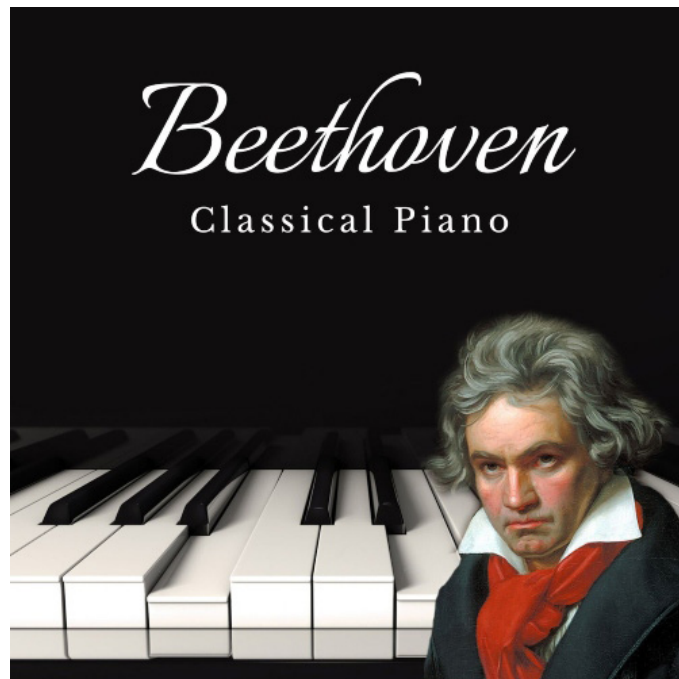


محمد هادی خوشکلام

mohammadhadikhohkalam95@gmail.com

اندازه تیره شد؟ همچنان که سرمایه داری از پیروزی بر فئودالیسم مطمئن شده بود و همچنان که طبقه کارگر بزرگتر می شد، سازمان می یافت و خود را آموزش میداد، طبقه حاکم با شناخت انقلاب های ضد فئودالی به مبارزه و مخالفت بر می خواست. هنرمندان بزرگی که این جنبش را در عرصه اندیشه ها منعکس کردند به شخصیت های افسانه ای تبدیل شدند. سونات های بتهوون در دوران حیات خودش در همه جا اجرا می شدند و مردم از شنیدن شان لذت می بردند، سمفونی شماره ۹ و آخرین کوارتت های بتهوون که امروز غامض تلقی می شدند در دوران حیات او بی هیچ مشکلی اجرا و با اقبال همگانی روبرو می شدند. وقتی بتهوون در گذشت تمام مردم شهر وین یکپارچه به تشییع جنازه اش رفتند. ولی واقعیت دارد که یکی دو نسل بعد مجبور شدند انبوهی از آثارش را از نو کشف کنند و به دفاع از آنها برخیزند. بدون تردید موسیقی بتهوون از احساسات شخصی تهی نیست ولی در هنر، دیواری میان عنصر شخصی و اجتماعی کشیده نشده است. هر تغییری در نهادهای اجتماعی و سیاسی، گونه تازه ای از شخصیت را در خط مقدم جبهه تاریخ قرار می دهد که نشان دادنش و پرده بر گرفتن از چهره اش کار هنر است. اگر موسیقی بتهوون را صرفاً تجسم ذهنی انسان بدانیم موسیقی او به مراتب فراتر از این بحثها می رود. تجسم ذهنی است که تماماً بر حیات وقوف دارد، در برابر هر رویدادی با حداکثر حساسیت و ژرفای فکری واکنش نشان می دهد و شجاعانه هر آنچه را بی فایده میدانست، رد می کند. یعنی همان ذهنی که در حیات سیاسی آن روزگار در خط مقدم جبهه تاریخ ایستاده بود و حقوق بشر را به گوش جهانیان می رسانید.

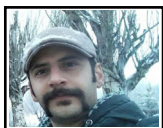
بتهوون کار خودش را عامل سقوط هنر بایدن و مسائل نمی دانست که خیلی چیزها از آنها آموخته بود ولی از آزادی نویافته اش لذت میبرد. روشن است که بتهوون پس از سال ۱۸۱۵ یعنی در آخرین دوره آفرینندگی اش نمی توانست همان موسیقی مبارزه و پیروزی را که در دوران ناپلئون تصنیف کرده بود به روی کاغذ بیاورد. آن زمان به نظر می آمد که انبوهی از نهادهای سرکوبگر و ارتجاعی نه بر اثر سرنگونی حکومت های خودکامه فئودالی به دست ناپلئون بلکه بر اثر مبارزه بر ضد او در راه آزادسازی ملت هایی که به دست او غارت شده بودند از صحنه روزگار محو خواهند شد. به دنبال شکست ناپلئون، اتحاد مقدس تمام وعده هایی را که به توده های مردم داده بود زیر پا گذاشت و کوشید تا حکومت های استبدادی را در سراسر اروپا از نو بر پا دارد و تمام جرقه های دموکراتیک بر جای مانده از انقلاب فرانسه را خاموش کند. در این زمان الگوی روانی یا درام درونی موسیقی بتهوون دگرگون شد. سراسر این موسیقی را احساس تراژیک ژرف تر، نیشدار تر و نافذتری فراگرفت. کوشش های او برای دور کردن این احساس دشوار تر و آزارنده تر است و اگر دوباره به آرامش، شادی و اطمینان از آزادی بشریت دست یابد، مانند آخرین سونات های پیانو آخرین کوارتت ها و روشن تر از همه در سمفونی شماره ۹، اینان همگی در حکم بیان پیوسته اطمینان به آینده است نه شادی از پیروزی موجود. در اینجا به یاد شعری از والت ویتمن پس از شکست های سال ۱۸۴۸ می افتیم: آزادی... بگذار دیگران از تو مأیوس شوند، من هرگز از تو مأیوس نمی شوم. آیا خانه بسته است؟ صاحبش رفته است؟ ولی تو آماده باش، از چشم دوختن خسته مشو زود باز خواهد آمد، پیام آورانش می آیند چرا اوضاع تا این

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

آوازی در گور



حامد نامجو

Hamed.namjoo@gmail.com

دانشکده موسیقی دانشگاه هنر مشغول بود. جمشید عندلیبی (در زمینه ردیف و جواب آواز)، محمود مخدوم، صدیق تعریف، پری ملکی، محسن نامجو، محمد ملاآقایی روزبهانی (همگی در رشته آواز) از شاگردان او بوده‌اند. پس از طی دوره‌های عالی موسیقی به همراه محمدرضا لطفی در کانون فرهنگی و هنری چاووش به عنوان عضو شورای عالی فعالیت خود را ادامه داد. او در این گروه به همراه محمدرضا شجریان و شهرام ناظری به آموزش موسیقی مشغول گردید. نصرالله ناصح پور در بیست و یکمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر در سال ۱۳۸۴ مورد تقدیر قرار گرفت. او در مصاحبه‌ای گفته بود: «تفرین به آن‌هایی که فن آخر خود را به گور می‌برند و در اختیار هنرجویان قرار نمی‌دهند و این یک خیانت است. از نوجوانی پی بردم که هر کس، گوشه‌هایی را به عنوان فن آخر نگه می‌دارد. اما من با توجه به استعداد و توانایی شاگردم آنچه را که باید به او آموزش می‌دهم. تا به امروز ۲ گوشه را به ردیف موسیقی اضافه کردم و آن را آموزش داده‌ام.» و همچنین درباره‌ی موسیقی ایران گفته بود: «یکی از آفت‌های موسیقی ایران این است که همه می‌خواهند، مانند هم بخوانند، در صورتی که درست این است که هر کدام شیوه و سلیقه خود را داشته باشد. من به عنوان معلم هیچگاه، صدای خودم را در حنجره شاگردم نمی‌کارم. شاگرد باید در کلاس آزادی عمل داشته باشد. همینطور بی‌توجهی به موسیقی، آفت دیگر موسیقی ایران است.»

نصرالله ناصح پور خواننده پیشکسوت موسیقی و عضو سابق هیات مدیره خانه موسیقی ایران که به دلیل عارضه مغزی در بیمارستان بستری شده بود، در سن ۸۳ سالگی درگذشت. وی در سال ۱۳۱۹ در اردبیل، به دنیا آمد و از همان دوران کودکی، در خانواده‌ای موسیقی‌شناس پرورش یافت. به گفته‌ی خودش، پدر وی صدای خوبی داشت و در برخی محافل خصوصی گارمان می‌نواخت و آواز می‌خواند. همچنین پسرعمه‌اش صدای رسایی داشت و مقام‌های آذری را به زیبایی اجرا می‌کرد و همین امر سبب علاقه‌مندی وی به آواز شد. دوره متوسطه را در دبیرستان صفوی (در شهر اردبیل) و در رشته ریاضی گذراند و دیپلم گرفت. سپس به تهران رفت و بیشتر اوقات خود را صرف یادگیری موسیقی سنتی ایران کرد و پس از آشنایی با محمود کریمی، به هنرستان آزاد موسیقی ملی راه یافت و مشغول تحصیل شد. پس از آن، موفق به طی نمودن دوره عالی ردیف عبدالله دوامی به همراه محمود کریمی، فاخره صبا، مرضیه، خاطره پروانه، الهه (خواننده) و هما شد. پس از تشکیل کلاس‌های مرکز حفظ و اشاعه موسیقی، از راهنمایی‌ها، آموزش و توصیه‌های نورعلی برومند بهره‌مند شد. وی از جلسات شناخت موسیقی و کلام و تلفیق شعر و موسیقی نیز، بهره‌های فراوان جست و سپس جهت فراگیری ردیف عالی موسیقی سنتی و آموزش تصنیف و ضرب آهنگ مربوط به آن، به کلاس عبدالله دوامی راه یافت. او همچنین حدود ده سال به تدریس «جواب آواز» در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵
۷ تیر سال ۱۴۰۲



ماکاک تنها



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



Paul

«بخاطر خودخواهی شما انسانها، من و بسیاری چون من، در چند قدمی نابودی هستیم!»
 پائول هیلتون عکاس و کنشگر حامی حیات وحش ساکن هنگ کنگ می گوید: «این ماکاک در جنگل های بارانی، در گروهی
 بزرگ زندگی می کرد. او را در یک بازار حیوانات اندونزی، اینطور تنها نشسته و به قفس زنجیر شده پیدا کردم. تنها زمانی
 مجاز به عکاسی از این قفسها بودم که خودم را به عنوان یک خریدار به تاجران معرفی کنم.»
 این ماکاک جوان حالا ممکن است که به عنوان حیوان خانگی، اسیری در باغ وحش، سوژه تحقیقات زیست پزشکی یا
 برای خوردن فروخته شده باشد!



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

توسعه پایدار؛ برابری جنسیتی

مهشید قاسمی

gha3mg.m@gmail.com

و سیاست‌گذاری‌های کلان مورد تاکید قرار گیرد، باید وجوه تفاوت و اشتراک، رابطه و ابعاد آن با برابری جنسیتی روشن شود که همین مساله از چالش‌های پیش روی سیاست‌گذاری بر پایه عدالت جنسیتی می‌باشد.

تفاوت در جنسیت موجب نقص، کمال یا ضعف در انسان نیست، اگر چه زنان و مردان از نظر بیولوژی، احساسات، توان جسمی و... متفاوت هستند. در برابری باید زنان و مردان در زمینه استفاده از فرصت‌ها و امکانات، متناسب با توانایی آنها باشند، اما در برخی عنوان می‌کنند که هر دو یکسان هستند که در این مورد تفاوت‌های طبیعی زنان و مردان نادیده گرفته می‌شود و به نوعی ستم جنسی محسوب می‌شود. توانمندسازی زنان، حضور فعال و مستمر آنان در اجرای فرآیند توسعه هم در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را شامل می‌شود. برابری جنسیتی اگر چه در بسیاری از جوامع مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است اما هنوز تا نهادینه‌سازی

هدف اصلی برابری جنسیتی برقراری تساوی میان زنان و مردان می‌باشد، تساوی حقوق بدون در نظر گرفتن جنسیت، نژاد، مذهب.

بنابر عدم آگاهی، برخی برابری جنسیتی را به معنای یکسان کردن زنان و مردان می‌دانند. درحالی که بنیان و هدف برابری جنسیتی بر پایه توانمندسازی و ارتقای مشارکت برابر زن و مرد در تغییر فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استوار است.

ایران به عنوان یک کشور اسلامی مفهوم عدالت جنسیتی را مطرح کرده است به معنای پذیرش تساوی حقوق زن و مرد اما تشابه آن را مردود می‌داند. پذیرش عدالت به عنوان یک امر اخلاقی برتر است اما یک معیار پیچیده برای ارزیابی ارزش‌های مختلف است. برداشت جوامع بین‌الملل از عدالت، برابری فرصت‌هاست اما نگاه در ایران تنها، رفع تبعیض است. برای اینکه عدالت جنسیتی در برنامه‌ریزی



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

(۱) پایان بخشیدن به همه اشکال تبعیض علیه تمامی زنان و دختران در همه جا.
(۲) از بین بردن تمامی اشکال خشونت علیه همه زنان و دختران در فضاهای عمومی و خصوصی از جمله قاچاق انسان، بهره‌کشی جنسی و سایر اشکال استثمار.
(۳) از میان برداشتن تمام رفتارهای زیان بار مانند ازدواج کودکان، ازدواج زود هنگام و اجباری و ختنه زنانه.

(۴) به رسمیت شناختن و ارزش نهادن به مراقبت‌های بدون دستمزد و کارهای خانگی از راه تصویب خدمات عمومی، ایجاد زیرساخت‌ها، سیاست‌های حمایتی اجتماعی و ترویج مسئولیت‌های مشترک در خانه و خانواده متناسب با شرایط ملی.
(۵) تضمین مشارکت کامل و مؤثر و فرصت‌های برابر برای زنان جهت رهبری در تمام سطوح تصمیم‌گیری در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و زندگی اجتماعی.
(۶) تضمین دسترسی جهانی به بهداشت جنسی و باروری و حقوق باروری در راستای توافقات «برنامه اقدام کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه» و «برنامه اقدام پکن» و اسناد نهایی کنفرانس‌های بازبینی مربوطه.

۵- الف) اجرای اصلاحات برای دادن حقوق مساوی به زنان درباره منابع اقتصادی همچنین دسترسی به مالکیت و در اختیار گرفتن زمین و سایر اشکال دارایی، خدمات مالی، ارث، و منابع طبیعی بر اساس قوانین ملی.
۵- ب) تقویت استفاده از فناوری‌های توانمندساز، به ویژه فناوری اطلاعات و ارتباطات به منظور ارتقای توانمندسازی زنان.

۵- ج) اتخاذ و تقویت سیاست‌های مناسب و قوانین قابل اجرا برای ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران در تمامی سطوح.

زنان در ایران علیرغم مشکلات جدی از جمله نادیده گرفتن حقوق آنها در ازدواج و طلاق، حضانت، اشتغال، سفر، ارث، پست‌های مدیریتی و سیاسی، در طی سال‌های گذشته تلاش‌های مستمری در این زمینه داشتند و موفقیت‌هایی را کسب کرده‌اند. اخراج ایران از کمیسیون زن سازمان ملل نشان دهنده وضعیت اسفناک زنان در ایران می‌باشد. همچنین در پی سیاست فرزندآوری، زنان ایرانی با چالش دسترسی به وسایل بهداشت جنسی و سلامتی مواجهه هستند. افزایش آمار خودکشی، خشونت‌های خانگی و اجتماعی، زندانیان زن و... نشان می‌دهد زنان از حمایت قانونی برخوردار نیستند.

و اجرایی شدن آن فاصله بسیاری هست.

اجرای عدالت جنسیتی به علت عدم زیر ساخت‌های فرهنگی با چالش‌هایی روبرو هست، در بسیاری از عرصه‌های اجتماعی هنوز نگرش‌ها بر پایه سنت و فرهنگ بومی استوار است. لازم است ابتدای وضع موجود جامعه بررسی و باورهای فرهنگی و قومی تصحیح شود.

با روشن شدن مفاهیم و هدف از عدالت جنسیتی باید زمینه فرهنگی را برای پذیرش اجتماعی آن فراهم کرد. در اکثر مناطق ایران به زنان مانند مقوله جنسی نگاه می‌شود و تازمانی که توانایی زنان نادیده گرفته شود و این دیدگاه تغییر نکند تحولی در حضور زنان در عرصه‌های مختلف صورت نخواهد پذیرفت.

اولین بار در ماده ۱۵۵ لایحه برنامه چهارم توسعه عدالت جنسیتی به تصویب مجلس رسید اما با مخالفت شورای نگهبان، برای اصلاح به مجلس برگشت و مجلس هم عدالت جنسیتی را از لایحه حذف کرد.

در برنامه پنجم کمترین ماده‌ها درباره عدالت جنسیتی و زنان را دارد و به بیشتر به مسائل خانواده محور پرداخته شده است.

در ماده ۳۱ لایحه برنامه ششم توسعه دوباره عدالت جنسیتی مطرح و در نهایت در ماده ۱۰۱ برنامه توسعه به وظایف دستگاه‌ها در خصوص رصد اجرای عدالت جنسیتی اشاره شد. تعیین شاخص‌ها به ستاد ملی زن و خانواده سپرده شد. اگر چه در ایران شاخص‌های عدالت جنسیتی تعیین شده است اما اقدامات زیربنایی برای اجرایی شدن و بسترسازی فرهنگی در این خصوص انجام نشده است و همچنان از معضلات اساسی و پرچالش کشور می‌باشد. ایران در مقابل جامعه جهانی در راستای عدالت جنسیتی و برابری جنسیتی هیچ تعامل فعالی نداشته است.

متأسفانه عدالت جنسیتی در لایحه برنامه هفتم توسعه، حذف شده است که منجر به اعتراض فعالان حقوق زنان گردید. در ماده‌های مرتبط با هدف تحکیم نهاد خانواده و رفع موانع رشد و شکوفایی زنان و حمایت از رشد جمعیت، به زنان پرداخته شده است که گامی به سمت برابری و کاهش تبعیض و خشونت علیه زنان نخواهد بود. تکرار چنین نگاهی در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه‌ای کشور موجب تداوم یافتن و شکل‌گیری نابرابری جنسیتی، حقوق نابرابر و موقعیت فرودست زنان خواهد شد.

اهداف عدالت جنسیتی توسعه پایدار، در ایران اهداف زیر را مورد تأکید قرار می‌دهد، اما در مورد اجرای این اهداف اقدامی صورت نگرفته است:

آرمان توسعه پایدار

۵

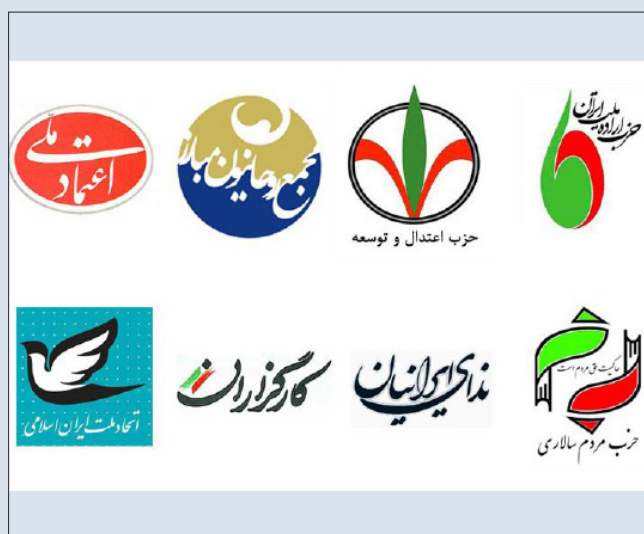
برابری جنسیتی

دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی تمامی زنان و دختران





تاریخ احزاب سیاسی ایران



شکل گیری مجلس دوم مشروطه

تاریخ احزاب سیاسی ایران (۹)

قانون اساسی را بابتی میلی و اجبار امضا کرد. اوج کش و قوس میان شاه و مجلس، دستور او مبنی بر به توپ بستن مجلس - به فرماندهی نیروهای روس تحت امر ولادیمیر لیاخوف - بود. از دوم تیرماه سال ۱۲۸۷ خورشیدی (۱۳۲۶ قمری)، محمدعلیشاه قاجار پس از آن که با مشروطه خواهان و مجلس از مخالفت درآمد، مرکز فرماندهی خود را در باغ شاه قرار داد، شاه با این کار می خواست از شهر بیرون رفته و در باغشاه لشکر بپاراید و به آسانی با مشروطه نبرد کند. سپس دستور بازداشت هشت تن از مشروطه خواهان را صادر کرد: جهانگیرخان صور اسرافیل، سید محمد رضا مساوات شیرازی، ملک المتکلمین، سید جمال الدین واعظ اصفهانی، بهاء الواعظین و میرزا داودخان.



شکل گیری مجلس دوم (۱۲۸۸-۱۲۹۰)

مظفرالدین شاه چند ماه پس از امضای فرمان مشروطیت در ۱۲ دی ماه ۱۲۸۵ در گذشت. و با فتح تهران در بیست و سوم تیر سال ۱۲۸۸، در ۲۵ تیرماه احمدشاه به تخت نشست. فترت ۱۶ ماهه ی مجلس در دوران محمدعلی شاه پایان یافت و در ۲۴ آبان ماه همان سال مجلس دوم گشایش یافت.

انتخابات این دوره با محدودتر کردن مداخله شاه، به صورت غیرمستقیم و دو مرحله ای برگزار شد و برخلاف دوره اول مجلس که انتخابات آن در انحصار اصناف و طبقات بود، در این دوره انتخابات صنفی ملغی شد. مجلس دوم بلافاصله در محیطی پرهیاهو به دولت سپهدار و سردار اسعد بختیاری رای اعتماد داد، محمدعلی شاه - شاه مخلوع - را با مقرری معین به اروپا فرستاد، از مجاهدان داوطلب داخلی و خارجی قدردانی کرد و پیرم خان ارمنی به ریاست پلیس تهران منصوب کرد. مجلس دوم طی ماه های بعدی در تلاش برای خارج کردن نیروهای روسی که در زمان جنگ داخلی وارد ایالات شمالی کشور شده بودند و دریافت وامی به مبلغ ۲۵۰ هزار پوند از بانک شاهی برای بازسازی نظام اداری، به موفقیت هایی دست یافت.

ابتدای سال ۱۴۰۱ و بعد از پیشنهاد یکی از جوانان حزبی مبنی بر تهیه پادکست هائی در رابطه با احزاب سیاسی، این ایده در واحد انتشارات حزب اراده ملت ایران شکل گرفت که با توجه به منابع موجود، جای کتابی ساده و موجز اما کامل در حوزه تاریخ احزاب سیاسی ایران خالی است. لذا جلساتی با اساتید صاحب نظر برگزار شد تا شاید بتوانیم این نقیصه را جبران نمائیم. بعد از ساعتها تفکر و تعمق و بررسی الگوهای موجود، تصمیم نهائی بر این شد که کتابی در چهار جلد مجزا و بر اساس روند تاریخی به این موضوع اختصاص یابد. الگوی کار نیز نمونه کتابهای تاریخ برای جوانان و نوجوانان نشر ققنوس قرار داده شد که نشری روان همراه با توصیحات ساده و موجز داشتند. برای اینکار گروهی پنج نفره از جوانان حزبی در قالب کارگروه تاریخ احزاب سیاسی ایران در حزب شکل گرفت و ایشان تحت نظارت یک استاد شناخته شده تاریخ، کار بررسی منابع و مآخذ را برای تدوین این مجموعه چهار جلدی آغاز کردند.

با توجه به کثرت منابع و مآخذ و وسواس هائی که معمولاً در اینگونه کارها وجود دارد، فرایند تدوین این مجموعه چهار جلدی به طول انجامید. لذا بر آن شدیم با استفاده از فضایی که نشر به حزب در اختیار ما قرار میداد، بخش هائی از این کتاب را بتدریج برای خوانندگان محترم منتشر کنیم تا زمانی که متن کامل کتاب ها آماده شود.

(در بخش های قبلی این نوشتار بعد از تعاریف و مقدمات و شیوه نزج گیری احزاب در ایران به بحث احزاب در دوران مشروطه پرداختیم. اینک در این بخش میباید ازیم به نحوه شکل گیری مجلس دوم مشروطه و احزاب موجود در آن)

ترور محمدعلی شاه

گفته شده است که بر نامه ترور محمدعلی شاه هنگامی انجام شد که محمدعلی شاه با نهاد نوپای مشروطیت حسنه بود. پیش از ظهر روز جمعه هشتم اسفندماه سال ۱۲۸۶ نمایندگان دور نخست مجلس شورای ملی با شاه دیدار داشتند. عصر همان روز هنگامی که شاه برای گردش در راه دوشان تپه بود، در حین عبور از خیابان باغ وحش تهران دو نارنجک به سوی کالسکه او پرتاب شد. چند تن کشته و زخمی شدند اما شاه جان سالم به در برد. به روایت کسروی، نقشه این کار را حیدر عمو اوغلی کشیده و بمب را نیز او ساخته بود. یحیی دولت آبادی نیز روایت می کند که «ساعتی پیش از این واقعه، نگارنده در منزل خود با یکی از ناطقین تندرو ملت نشسته، شخص مزبور می گوید احتمال می رود صدایی بلند شود و پس از وقوع واقعه معلوم می شود او هم از توطئه مسبوق بوده است.» هر چند نام و هویت ترور کنندگان هیچگاه به طور رسمی فاش نشد اما بدبینی شاه نسبت به مشروطه خواهان فزونی گرفت و تا به هنگام رفتن او به باغشاه که به واقعه به توپ بسته شدن مجلس انجامید از کاخ سلطنتی خود خارج نشد.

محمدعلی شاه در سال ۱۲۸۵ پس از در گذشت پدرش، نمایندگان مجلس شورای ملی را در مراسم تاجگذاری دعوت نکرد. و نیز از امضای حکم سلطنت مشروطه برای خود، خودداری کرد. همین طور متمم



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

دولت هم با موافقت کامل مجلس، ۱۱ افسر سوئدی برای تشکیل ژاندارمری و ۱۶ کارشناس مالی آمریکایی به ریاست مورگان شوستر برای سازماندهی امور مالی استخدام کرد.

تلاش های مجلس دوم شورای ملی علاوه بر استخدام مستشاران خارجی، با تصویب قانون مالیات عمومی، قانون دیوان محاسبات، قانون جدید انتخابات و قانون معارف، نمایی از تقلا برای اصلاحات را در ایران به نمایش گذاشت. اما دوران خوش این مجلس نیز خیلی زود رو به افول گذاشت؛ افولی که ناشی از اتفاقات ناگوار درون مجلس و فشارهای روسیه و انگلستان بود. خیلی زود نمایندگان مجلس به دو دسته تقسیم شدند که هواداران مسلح آنها می خواستند خیابان های تهران را به میدان نبرد تبدیل کنند. در حالی که ۲۷ تن از نمایندگان فرقه دموکرات را تشکیل دادند، ۵۳ نماینده فرقه اعتدالیون را ایجاد کردند.



فرقه دموکرات را می توان سخنگوی طبقه روشنفکر جدید و فرقه اعتدال را حمایت کننده از اهداف اشرافیت زمین دار و طبق متوسط سنتی دانست. شاید مهم ترین درگیری با کشته شدن آیت الله سید عبدالله بهبهانی آغاز شد و هیچ گاه پایان نیافت.

در فاصله سال های بعد و تا پیش از تعطیلی مجلس دوم، روس ها برای حفظ بازارهای خود، اجرای قرارداد ۱۹۰۷ و برکناری گروه شوستر به ایران اولتیماتوم دادند. این اولتیماتوم موجبات انحلال مجلس را فراهم آورد. اخراج مورگان شوستر و گروهش و تعطیل شدن مجلس دوم شورای ملی پایان آرزوهای اصلاحات پس از مشروطه و آغاز یک دوره طولانی هرج و مرج در ایران بود. ایران تا حدود ۱۰ سال بعد که با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ فصل دیگری را آغاز کرد، هیچ گاه روی آرامش را به خود ندید. در این زمان وقوع جنگ جهانی اول نیز اوضاع را در ایران پیچیده تر کرد. داستان تا آنجا پیش رفت که ایران تا سه سال بعد، مجلس دیگری به خود ندید و مجلس سوم نیز که در سال ۱۲۹۳ آغاز به کار کرده بود به جایی نرسید و در نتیجه تا سال ۱۳۰۰ ایران مجلس دیگری نداشت. دوره دوم مشروطه خیلی زود خزان را به خود دیده بود و هیچ راهی جز تحمل شرایط برای مردم نمانده بود.

جناح بندی احزاب در مجلس دوم

همان طور که اشاره شد مجلس دوم به دو جناح تقسیم شد: حزب دموکرات با ۲۷ نماینده و حزب اعتدالیون با ۵۳ نماینده. سید حسن تقی زاده، سلیمان میرزا اسکندری، محمد رضا مساوات، حسین قلی خان نواب، و محمد علی تربیت از رهبران دموکرات ها بودند. حسین قلی خان

نواب از اعضای مجمع آدمیت و از شاگردان ملک خان بود. نکته قابل توجه این است که این نمایندگان همگی از شمال کشور - آذربایجان، گیلان، و تهران - بودند. حیدر خان عموغلی دبیر اجرایی حزب در بیرون مجلس بود. محمد امین رسول زاده از مهم ترین رهبران حزب در بیرون مجلس بود. رسول زاده منتشر کننده روزنامه ایران نو - ارگان رسمی حزب دموکرات - بود. نخستین تبلیغ اندیشه های مارکسیستی و مبارزه با استبداد و اشرافیت در ایران در روزنامه ایران نو منتشر می شود. از آن جا که حزب دموکرات الهام گیرنده از سوسیال دموکرات های قفقاز بود نمایندگان و ارگان حزب و موضع گیری های تند در باره فئودالیسم داخلی و سرمایه داری خارجی داشت که منجر به درگیری - و کم کم دشمنی - با محافظه کاران حزب اعتدالیون می شد. چهار تن از هواداران حیدر عموغلی دو تن از برجستگان حزب اعتدالیون را ترور کردند: امین السلطان (صدر اعظم) و سید عبدالله بهبهانی (نماینده حزب اعتدالیون و رهبر روحانی مشروطه خواه). عموغلی تحت تعقیب قرار گرفت. سید حسن تقی زاده توسط علما مجبور به ترک کشور شد. حمید تربیت - برادر زاده محمد علی تربیت - نیز از سوی اعتدالیون ترور شد. مرام نامه حزب دموکرات بر انتخابات آزاد، مجلس قدرتمند، حق رای آزاد، جدایی دین از سیاست، آموزش همگانی رایگان، آموزش زنان، ایجاد مالیات مستقیم، توزیع زمین، و توقف کار کودکان تاکید می کرد. در روزنامه های ایران نو بر اهمیت بر ایجاد خط راه آهن، نظام اجباری، و ملی گرایی اصرار می شد.

اعتدالیون مدافع اشراف و زمین داران داخلی بودند. طباطبایی، بهبهانی، سپهدار تنکابنی (سپهدار اعظم)، عبدالحسین میرزا فرمان فرما از رهبران این حزب بودند. تقویت سلطنت مشروطه، تشکیل مجلس سنا، حفظ مذهب و دفاع در برابر مائریالیست ها و دموکرات ها از اهداف اعتدالیون بود.

مجلس شاهد صحنه بندگی سیاسی مشروطه خواهان و مشروطه خواهان بود. در مجموع بازاریان و روحانیون هوادار فرقه اعتدال بودند و تحصیل کردگان علوم جدید هوادار دموکرات ها بودند. در همین دوره است که برای اولین بار شاهد این هستیم که نیروهای سیاسی دست به اسلحه می برند. این دو جناح عمده بر سر انتخاب نخست وزیر به توافق نمی رسند. تنها جایی که این دو جناح با هم هم داستان اند، مقابله با اولتیماتوم روسیه در برابر مورگان شوستر است. او به عنوان خزانه دار کل ایران در موضوع مالیات ستانی از شاه زاده شعاع السلطنه - که شهروندی روسیه را داشت - و امتناع او از پرداخت مالیات دستور به دستگیری شعاع السلطنه می دهد و این موضوع با واکنش دولت روسیه مواجه می شود. ارتش روسیه وارد انزلی می شود و به دولت ایران اولتیماتوم می دهد که تا ۴۸ ساعت آینده شعاع سلطنه آزاد شود، شوستر اخراج شود، مستشار مالی بدون هماهنگی با دولت روسیه انتخاب نشود، و غرامت جنگی به نیروهای روس پرداخت شود. نیروهای روسیه از انزلی به سمت قزوین حرکت می کنند. ناصر الملک قره گوزلو به پیرم خان و نیروهایش دستور می دهد تا مجلس یکم را ببندند و نمایندگان را بیرون کنند. این موضوع باعث می شود تا فرقه اعتدالیون، حزب دموکرات، و مراجع شیعه کالاهای روسی (مانند چای و پوشاک) را تحریم کنند و شب نامه هایی بر ضد روس ها منتشر شود. به تبار روسی و فروش گاه هایی که فروشنده کالاهای روسی بودند در بازار حمله می شود. با حمایت انگلستان از روسیه در این قضیه، کالاهای انگلیسی نیز تحریم می شود. به بازرگانان انگلیسی در شیراز حمله می شود.

نیروهای روس در سال ۱۹۱۱ وارد تبریز می شوند و ۴۴ نفر از مشروطه خواهان تبریز را اعدام می کنند. فرزندان علی موسیو و برادر زاده های ستار خان در شمار این کشته شدگان اند. حرم امام رضا در مشهد به توپ بسته می شود.



رویدادهای منتخب جهان



جهان در هفته‌ای که گذشت

کشته شدن ۴ نیروی امنیتی سوریه در حمله تروریستی در درعا



۴ نفر از نیروهای امنیت داخلی سوریه در حمله مسلحانه تروریست‌ها در حومه غرب درعا در جنوب سوریه جان باختند. به گزارش روسیا الیوم، یک منبع در فرماندهی پلیس درعا گفت که این حمله تروریستی ساعت هفت و ۳۰ دقیقه صبح امروز رخ داد و چندین نیروی دیگر نیز مجروح شدند. وی افزود که نیروهای پلیس در حال رفتن برای تامین امنیت مراکز امتحانی در روستای المزیب بودند. منبع مذکور تصریح کرد که مهاجمان به سوی گشت پلیس به شدت تیراندازی کردند که منجر به کشته و زخمی شدن نیروهای پلیس شد.

نخست وزیر عراق: به واردات گاز پایان می‌دهیم



محمد شعیب السودانی، نخست وزیر عراق گفت که به زودی مساله واردات گاز برای تامین سوخت نیروگاه‌های برق پایان می‌یابد. به گزارش خبرگزاری رسمی عراق، وی شنبه شب (۲۴ ژوئن) در برنامه‌ای تلویزیونی گزارشی از برنامه‌های اجرا شده دولتش ارائه داد و گفت که پروژه‌های سیکل ترکیبی برق برای عراق سه هزار مگاوات برق تامین می‌کند. السودانی افزود که بدون دریافت عوارض مصرف برق نخواهیم توانست برق را به صورت پیوسته تامین کنیم. گفتنی است عراق برای تولید برق به واردات گاز ایران وابسته است که سعی دارد این وابستگی را کاهش دهد. عراق در این راستا، پروژه اتصال شبکه برق خود به اردن، ترکیه و شورای همکاری و نیز گردآوری گاز مشعل و بهره برداری از ذخایر گازی را دنبال می‌کند.

زلنسکی: عامل تحولات اخیر روسیه، شخص پوتین بود



به گزارش ایلنا به نقل از سی‌ان‌ان، «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهوری اوکراین در پی تحولات اخیر روسیه، گفت که «ولادیمیر پوتین» رئیس جمهوری این کشور «بسیار ترسیده است». زلنسکی گفت: «به روسی می‌گویم: مرد کرملین آشکارا بسیار ترسیده است و احتمالاً جایی پنهان شده است و خودش را نشان نمی‌دهد». زلنسکی همچنین گفت که اقدام‌های شخص پوتین عامل وضعیت پیش روی وی بوده است. وی ادامه داد: «پوتین می‌داند از چه می‌ترسد زیرا خودش این تهدید را ایجاد کرده است. همه بدی‌ها، همه زیان‌ها، همه نفرت‌ها توسط پوتین منتشر می‌شود». زلنسکی گفت: «تحولات اخیر در روسیه نشان می‌دهد که سران روسیه چیزی را کنترل نمی‌کنند». وی افزود: «این اتفاق در خاک روسیه که کاملاً مملو از تسلیحات است، رخ می‌دهد».

بمباران منطقه‌ای از اربیل توسط جنگنده‌های ترکیه



جنگنده‌های ترکیه دیروز یکشنبه کوهستان بربرزین در استان اربیل، مرکز اقلیم کردستان عراق را بمباران کردند. به گزارش بغداد الیوم، جنگنده‌های ترکیه کمی پیش کوهستان بربرزین در منطقه برادوست شهر اربیل را بمباران کردند. خبرنگار بغداد الیوم گفت که تاکنون حجم خسارت ناشی از این حمله مشخص نیست. روز گذشته نیز جنگنده‌های ترکیه منطقه کوه‌های متین و منطقه نهیل در العمادیه استان دهوک را بمباران کردند. نیروهای ترکیه هر از گاهی حملاتی را با جنگنده‌های خود به پایگاه‌های مرزی در اقلیم کردستان عراق، به بهانه حضور عناصر حزب کارگران کردستان (پ.ک.ک) انجام می‌دهند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

حزب دموکراسی نوین واگذار کرد. انتخابات روز یکشنبه بسیار تحت الشعاع حادثه غرق شدن کشتی مهاجران در سواحل یونان قرار دارد که هفته گذشته روی داد و منجر به مرگ و مفقود شدن صدها نفر شد؛ با این وجود به نظر می رسد مسائل اقتصادی همچنان دغدغه نخست رای دهندگان است. نخستین نتایج شمارش آرا قرار است با بسته شدن صندوق ها در ساعت ۷ بعد از ظهر به وقت محلی اعلام شود.

پایان سفر لودریان به لبنان بدون دستاورد



سفر فرستاده ویژه فرانسه به لبنان بدون هیچ دستاوردی برای حل بحران سیاسی این کشور پایان یافت. به گزارش اسپوتنیک، «ژان ایو لودریان»، فرستاده فرانسه سفر چهار روزه خود به لبنان را بدون پیشرفت در حل بحران خلأ ریاست جمهوری به پایان رساند. لودریان گفت که به زودی به بیروت بازخواهد گشت، زیرا گذشت زمان به نفع لبنان نیست. وی افزود: «در این سفر ابتدا خواستم شنونده باشم به همین دلیل با مقام های مذهبی و نظامی و همچنین نمایندگان همه طرف های حاضر در پارلمان دیدار کردم». لودریان ادامه داد: «گزارش این ماموریت را پس از بازگشت به امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه ارائه خواهم کرد». وی تاکید کرد که برای تسهیل گفت و گوی سازنده و فراگیر بین طرف های لبنانی به منظور دستیابی به یک راه حل توافقی و مؤثر جهت خروج از خلاء نهادها و انجام اصلاحات لازم در راستای پیشرفت پایدار لبنان با شرکای اصلی این کشور رایزنی خواهد کرد.

۹ غیر نظامی در حمله هوایی روسیه به ادلب جان باختند



بنابه اعلام منابع محلی سوریه، طی حمله جنگنده های روسیه به منطقه کاهش تنش ادلب، دست کم ۹ غیر نظامی کشته و ۳۰ نفر دیگر زخمی شدند. بر این اساس، جنگنده های روسی ساعت ۱۰:۰۳ صبح امروز از پایگاه هوایی حمیمیم در لاذقیه سوریه به پرواز درآمده و بازار سبزیجات شهر جسر الشغور و روستای بینین استان ادلب را بمباران کردند. در همین راستا

دیدار رئیس جمهور مصر با نخست وزیر هند در قاهره



به گزارش ایلنا به نقل از روسیا الیوم، «عبدالفتاح السیسی»، رئیس جمهور مصر دیروز -یکشنبه- در کاخ الاتحادیه در قاهره از «نارندرا مودی»، نخست وزیر هند استقبال کرد. «احمد فهمی»، سخنگوی ریاست جمهوری مصر تاکید کرد که رهبران دو کشور در این دیدار بر روابط مشترک تاریخی و برجسته بین دو کشور دوست تاکید کردند. السیسی و مودی همچنین بر تعهد متقابل برای دستیابی به افق های گسترده تر همکاری در زمینه های مختلف به ویژه از طریق افزایش دیدار های متقابل بین مقام های ارشد دو کشور تاکید کردند.

انتخابات یونان؛ مردم برای دومین بار در دوماه گذشته پای صندوق های رای رفتند



مردم یونان صبح یکشنبه ۲۵ ژوئن برای بار دوم در پنج هفته گذشته در انتخابات پارلمانی این کشور شرکت کردند. حوزه های رای گیری از ساعت ۷ صبح به وقت محلی در های خود را به روی رای دهندگان گشودند. به نظر می رسد حزب محافظه کار «دموکراسی نوین» به رهبری کیریاکوس میتسوتاکیس، نخست وزیر یونان که در چهار سال گذشته بر مسند قدرت بوده است، بخت اول پیروزی باشد. اگر چه حزب او در انتخابات پیشین در ماه مه با اختلاف چشمگیری از دیگر رقبا پیشی گرفت اما نتوانست تعداد کرسی های لازم را میان ۳۰۰ جایگاه پارلمان این کشور برای تشکیل دولت به دست آورد. آقای میتسوتاکیس ۵۵ ساله اکنون به دلیل قانون جدید انتخابات یونان که کرسی های اضافی برای حزب برنده در نظر می گیرد، امیدوار است بتواند کرسی های لازم را برای تشکیل دولتی با اکثریت پارلمانی قدرتمند به دست آورد. در قانون انتخاباتی نوین یونان، به حزب پیروز بسته به عملکردش بین ۲۵ تا ۵۰ کرسی پارلمانی به عنوان پاداش اعطای می شود. آقای میتسوتاکیس برای تشکیل دولت به ۱۵۱ کرسی پارلمان نیاز دارد. الکسیس سیپراس، رهبر حزب چپ گرای «سیریزا» رقیب اصلی آقای میتسوتاکیس در این انتخابات است. وی در میانه دهه پرتلاطم بحران اقتصادی یونان از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ میلادی نخست وزیر این کشور بود. حزب او در انتخابات گذشته عملکرد قابل قبولی نشان نداد و با اختلاف ۲۰ درصد نتیجه را به

دفاع مدنی سوریه (کلاه سفیدها) با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد که طی حمله جنگنده های روسی به منطقه کاهش تنش ادلب دست کم ۹ غیر نظامی جان باخته و ۳۰ نفر دیگر زخمی شده اند.

سیاست بانک مرکزی ترکیه برای حمایت از بازار



بانک مرکزی ترکیه روز یکشنبه با هدف افزایش عملکرد ساز و کارهای بازار و در پی افزایش نرخ بهره از ۸.۵ درصد به ۱۵ درصد، از اتخاذ اقدامات جدیدی برای کاهش نرخ تامین مالی الزامی اوراق قرضه برای بانک ها خبر داد. بانک مرکزی ترکیه در بیانیه ای اعلام کرد با هدف افزایش عملکرد ساز و کارهای بازار و تقویت ثبات بازارهای مالی کلان، قوانین تامین مالی اوراق قرضه را تسهیل کرده است. این بانک در پی جلسه روز سه شنبه کمیته سیاست گذاری پولی، در بیانیه ای از اتخاذ سیاست هایی مبنی بر تسهیل و بهبود چارچوب احتیاطی خرد و کلان بصورت تدریجی خبر داد. بر اساس اطلاعیه روزنامه رسمی ترکیه، نرخ تامین مالی اوراق قرضه ای که بانک های این کشور موظفند به سپرده های ارزی خود اختصاص دهند از ۱۰ درصد به ۵ درصد تنزل یافته است. بر اساس قوانین جدید، بانک ها نیز موظفند بین ۳ تا ۱۲ درصد از ذخیره لیر خود را به تامین مالی اوراق قرضه اختصاص دهند. این میزان پیش تر ۳ تا ۱۷ درصد بوده است. بانک هایی هم که سهم سپرده لیر آنها کمتر از ۵۷ درصد کل سپرده هاست، موظفند ۷ درصد دیگر به تامین مالی اوراق قرضه اختصاص دهند. پیش تر این میزان مربوط به بانک هایی بود که سهم سپرده لیرشان کمتر ۶۰ درصد کل سپرده ها بود.

ادعای طالبان در مورد جلوگیری از تحصیل دختران



سخنگوی طالبان با اظهار اینکه برنامه آموزشی سابق توسط غربی ها به کشور تحمیل شده بود، دلیل تعلیق آموزش دختران را ایجاد اصلاحات در این برنامه خواند. «ذبیح الله مجاهد» سخنگوی طالبان در یک گفتگوی

تلویزیونی درباره چرایی تعلیق تحصیل دختران بالاتر از کلاس ششم در افغانستان تصریح کرد تعطیلی مدارس به دلیل اصلاحات ضروری صورت گرفته است، چرا که برنامه آموزشی سابق از غرب آمده و توسط غربی ها تحمیل شده بود. مجاهد گفت: ما نگفتیم که تحصیل دختران ممنوع است یا اینکه اجازه تحصیل به آنها نمی دهیم، بلکه این تعلیق تا امر ثانی است، به این معنی که اصلاحاتی در آن بوجود می آید. وی همچنین مدعی شد در گذشته در ۳۰ درصد مناطق افغانستان امکان دسترسی به آموزش وجود داشت، اما اکنون مدارس در ۱۰۰ درصد مناطق ولایت ها، شهر ها و روستاها توسعه یافته و آموزش بیشتر شده است. سخنگوی طالبان در پاسخ به پرسش خبرنگار «آمو»، مبنی بر اینکه چرا اکابل پیش شرط های جامعه جهانی برای به رسمیت شناخته شدن، به ویژه مسئله رعایت حقوق زنان را نمی پذیرد، گفت: ما برای اصلاحات نیازمند وقت هستیم، اما اگر دنیا بخواهد این موضوع را ابرار قرار دهد و بهانه سازی کند، ممکن است هر روز هر چیزی را بهانه قرار دهند، ما نمی خواهیم چیزی را انجام دهیم که اشغالگران دوست داشته باشند، چیزی که جامعه و دین و ارزش های مای خواهد برای ما مهم است.

سرمایه گذاری ترکیه در خارج به ۵۰.۸ میلیارد دلار رسید



ترکیه به صورت مستقیم تا پایان سال گذشته بیش از دو هزار و ۳۳ پروژه سرمایه گذاری در ۱۲۸ کشور دارد. به گزارش آنا تولی، بر اساس اعلام وزارت بازرگانی ترکیه، سرمایه گذاری های مستقیم ترکیه در خارج از کشور تا پایان سال گذشته به ۵۰.۸ میلیارد دلار رسید. بنابر اطلاعاتی که به آنا تولی رسیده است، حجم سرمایه گذاری های خارجی افراد خارجی حقیقی و حقوقی مقیم ترکیه تا پایان سال ۲۰۲۲ به ۵۴.۱ میلیارد دلار بود. به معنای دیگر، سرمایه گذاری های خارجی در ترکیه، بیش از سرمایه گذاری های این کشور در خارج است. ترکیه طی سال های گذشته در تشویق سرمایه گذاری های خارجی برای جذب سرمایه به بازارهای داخلی موفق بوده است. ترکیه در میان دو هزار و ۳۳ سرمایه گذاری که در اتحادیه اروپا صورت گرفته، ۷۵۰ سرمایه گذاری را به خود اختصاص داده است. ترکیه همچنین ۴۶۵ سرمایه گذاری در روسیه، بریتانیا و کشورهای حوزه بالکان و اعضای انجمن تجارت آزاد اروپا و منطقه شرق اروپا انجام داده است. در کشورهای آسیایی نیز، ۲۲۹ سرمایه گذاری توسط ترکیه صورت گرفته که ۲۲۲ کشور از خاور نزدیک و میانه و ۱۸۳ سرمایه گذاری در امریکا شمالی، ۷۷ سرمایه گذاری در شمال افریقا و ۵۷ سرمایه گذاری در سایر کشورهای افریقا صورت گرفته است. ترکیه ۲۴ سرمایه گذاری در اقیانوسیه و ۱۸ سرمایه گذاری در امریکا مرکزی و منطقه دریای کارائیب و سرمایه گذاری های دیگری در کشورهای امریکای جنوبی نیز دارد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵
۷ تیر سال ۱۴۰۲



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

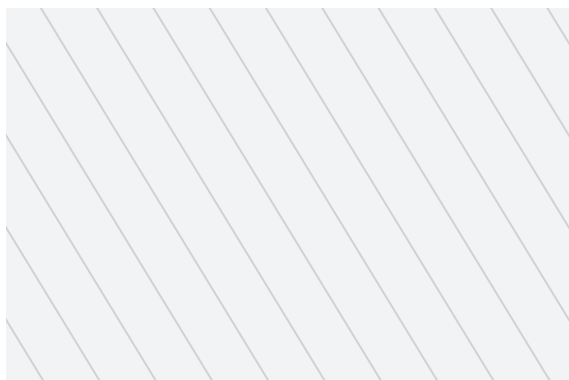
۷ تیر سال ۱۴۰۲

آغاز گفتگوهای پیوستن به اتحادیه اما نتوانست در فضای سیاسی پر التهاب مقدونیه شمالی آرامشی هر چند نسبی را برای دولت این کشور به ارمغان آورد. چالش پیش روی آلبانی مثل بسیاری دیگر از کشورهای در انتظار پیوستن به اتحادیه اروپا چالش اصلاحات قانونی و تغییرات بنیادی در ساختار قضائی و قوانین اجرایی این کشور است. مقدونیه شمالی پس از سال ها انتظار روز پنجشنبه گفتگوهای عضویت در اتحادیه اروپا را آغاز کرد، اتفاقی که سال ها انتظار و حتی اجبار به تغییر نام این کشور را برای تسهیل پذیرش به همراه داشت. استیو پنداروسکی، رئیس جمهوری مقدونیه شمالی از جمله سیاستمداران حامی طرح میانجگری فرانسه میان مقدونیه و بلغارستان بود که به سال ها مانع تراشی در پیوستن این کشور به اتحادیه اروپا پایان داد. رئیس جمهوری مقدونیه در مصاحبه ای با خبرگزاری آسوشیتدپرس گفت: «روند اتخاذ شده و رویکرد بسیاری از کشورهای عضو اتحادیه نسبت عضویت مقدونیه شمالی مخصوصا رفتار بلغارستان در طی دو سال گذشته برای ما تحقیرآمیز بوده است».

لبنان خارج از لیست خاکستری FATF ماند



گروه ویژه اقدام مالی (FATF) ویژه نظارت بر جرائم مالی، روز گذشته با انتشار بیانیه ای لبنان را خارج از لیست خاکستری کشورهای تحت نظارت خاص اعلام کرد. به گزارش «النهار» این موضوع پس از ارزیابی های اولیه بود که نگرانی هایی را از وضعیت لبنان در لیست FATF ایجاد کرد. ۳ منبع آگاه در ماه مه به رویترز اعلام کردند که لبنان به علت اقدامات ناکافی در مبارزه با پولشویی و تامین مالی تروریسم، احتمالا در لیست خاکستری FATF قرار خواهد گرفت. اما لیست اصلاح شده ای که روز گذشته منتشر شد، شامل لبنان نبود؛ همچنین مسئولان FATF نام لبنان را در جریان کنفرانس مطبوعاتی پس از صدور بیانیه ذکر نکردند. یک منبع دیپلماتیک آگاه ماه گذشته به رویترز گفت که بخش خاور میانه و شمال آفریقا در FATF در ارزیابی اولیه، لبنان را با یک نمره، بالاتر از لیست خاکستری قرار داده است.



زلنسکی: ادامه حضور نیروهای روس در خاک اوکراین نابسامانی روسیه را رقم زده است



«ولودیمیر زلنسکی»، رئیس جمهور اوکراین دیروز -شنبه- گفت که شورش مسلحانه توسط گروه واگنر دلیلی بر ضعف و بی ثباتی سیاسی روسیه است. زلنسکی گفت: «ضعف گسترده روسیه مشهود است. هر چه روسیه نیروها و مزدوران خود را در خاک ما بیشتر نگه دارد، در ادامه با هرج و مرج، درد و مشکلات بیشتری مواجه خواهد شد». وی تاکید کرد: «اوکراین می تواند از اروپا در برابر گسترش شرارت و هرج و مرج روسیه محافظت کند».

وزیر خارجه اوکراین از اتحادیه اروپا خواست، ترس را در قبال روسیه کنار بگذارد



دیمیتریو کولبا، وزیر امور خارجه اوکراین در توییت نوشت: وقتش رسیده موضع خنثی و غلط و همچنین ترس از ایجاد تنش را رها کنید و به اوکراین تمامی تسلیحاتی که نیاز دارد را بفرستید. دوستی و تجارت با روسیه را فراموش کنید. وقتش رسیده به رژیم پوتین که همه از آن متنفرند اما از آن می ترسند، پایان دهیم. ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین نیز به تحولات جاری در روسیه واکنش نشان داده است. زلنسکی با انتشار یک پست در کانال تلگرامش نوشت: هر کسی که راه شر را انتخاب کند خودش را نابود می کند و ضعف روسیه آشکار است.

مسیر دشوار و آینده نامعلوم عضویت مقدونیه شمالی در اتحادیه اروپا





اخبار حزبی



هفتادویکمین جلسه هیات دبیران حوزه های حزب



هفتم تیرماه با ریاست احمد حکیمی پور هفتادویکمین جلسه هیات دبیران حوزه های حزب برگزار شد. در این جلسه دبیران حوزه های شانزده گانه حزب گزارش های خود را ارائه نمودند. حزب در حال حاضر چهار گونه حوزه دارد: حوزه های کلاسیک (۴ حوزه)، حوزه های جغرافیائی (۶ حوزه)، حوزه های تخصصی (۵ حوزه) و حوزه افراد جدیدالورود.

در بخش دوم جلسه نحوه مواجهه حزب با انتخابات مجلس به بحث گذاشته شد و افشین فرمانچی پیشنهاد خود را ارائه نمودند. در مخالفت با این پیشنهاد علی هادیان و زهره رحیمی مطالبی را ارائه کردند و بهتر دیده شد که ادامه بحث در حوزه های حزبی دنبال شود و جمع بندی های آتی در نشست هیات دبیران حوزه ها مطرح گردد.

تحلیل انتخابات ۲۰۲۳ ترکیه در دفتر سیاسی حاما

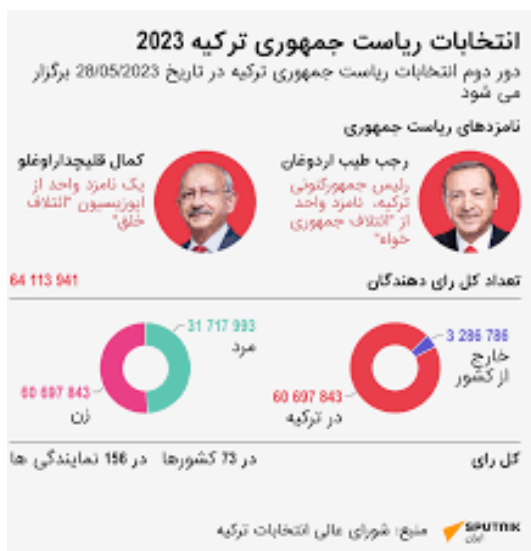
یکصد و هشتادمین جلسه دفتر سیاسی حزب اراده ملت ایران روز چهارشنبه ۳۱ خرداد ماه ۱۴۰۲ با حضور اعضای دفتر سیاسی و برخی از اعضای شورای مرکزی و سر حوزه های حزبی برگزار شد.

این جلسه با یک دستور کار اصلی با محوریت موضوع بررسی نقد و تحلیل انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۳ ترکیه و تاثیر پیروزی مجدد آقای رجب طیب اردوغان به عنوان رئیس جمهور ترکیه مورد بررسی قرار گرفت.

این جلسه با حضور آقای دکتر پیمان عارف کارشناس ارشد مسائل سیاسی و خاورمیانه برگزار شد. در این جلسه که با بررسی سوابق احزاب حاضر در انتخابات ترکیه خصوصاً ائتلاف جمهوری و ملت و احزاب تشکیل دهنده این دو ائتلاف و چگونگی و نقش و کارکرد هر کدام و بررسی گفتمان های سیاست خارجی در هر کدام از این ائتلافها و تاثیر آن بر مناسبات ملی و منطقه ای و بین المللی به تفصیل صحبت شد و در حین جلسه و پایان آن اعضای جلسه سوالات خود را از سخنران پرسیدند.

در پایان جلسه آقای مهندس علی هادیان در خصوص روند دموکراسی در آینده ترکیه و فردای بعد از انتخاب اردوغان سوال خود را از کارشناس برنامه پرسیدند. همچنین آقای احسان سلگی در خصوص تاثیر این انتخابات بر جنگ اوکراین و جناب محمد روستایی به نقش و نزدیکی علی آف به اردوغان و تاثیر و تآثر آن بر حوزه قفقاز و دالان زنگزور با دکتر پیمان عارف به صحبت پرداختند.

و در ادامه جناب دکتر افشین فرمانچی از میهمان برنامه در خصوص نقش ارتش در ترکیه و تاثیر گذاری آن بر مناسبات سیاسی و احزاب سوالاتی پرسیدند و در پایان آقای مهدی کاظمی به تاثیر جریانهای ملی و سکولار و همچنین جریان حامی غرب در این انتخابات سوال خود را از سخنران جلسه پرسیدند و نهایتاً جلسه بعد از ۱۲۰ دقیقه به کار خود پایان داد.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲

مشارکت در جشنواره رسانه های ایران

بدنبال فراخوان بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه های ایران، شورای سردبیری نشریه اراده ملت ایران ۱۲ مطلب از بین صدها مطلب منتشر شده در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ نشریه اراده ملت را برای شرکت در بخش رقابتی این جشنواره انتخاب و به دبیرخانه جشنواره ارسال نمود. این ۱۲ مطلب در ساختارهای مقاله، گزارش و یادداشت هستند و توسط شش نفر از نویسندگان نشریه که از اعضا حزب هستند نوشته شده اند. تاریخ بر گزارش جشنواره هنوز مشخص نشده است اما احتمالاً همزمان با جشنواره مطبوعات در پاییز امسال خواهد بود.

رسانه های واجد شرایط:

چاپ: روزنامه، هفته نامه، ماهنامه، فصلنامه، سالنامه

برخط: شرکت های رسانه ای، وبسایت های خبری

رسانه های اجتماعی: اطلاعات واحد، منتشر شده در دسترس، محتوای رسانه های اجتماعی، امیر از کتاب، صفحه مجازی (لایک، هاشو، ویو، ...)

جایزه ویژه: اسکان رسانه، جوایز فرهنگی

سطح جشنواره: رسانه های سراسری، رسانه های استانی

قالب های رسانه های اجتماعی: متن، تصویر، ویدیو، صوت، پادکست، انیمیشن، ...

بخش ویژه: نقد، مباحثه، (مقاله، گزارش، ...)

بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه های ایران

The 21st National Media Festival of Iran

معاونت مطبوعات و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هدف آج نهادن به تلاش ها و فعالیت های اصحاب رسانه، بیست و یکمین جشنواره ملی رسانه های ایران (جشنواره مطبوعات) را پس از یک وقفه ۱۰ ساله با مشارکت نهادهای تخصصی، صنفی و دانشگاهی فعال در حوزه رسانه برگزار می کند. دبیرخانه جشنواره با استعانت از دستگاه خدایتعالی، از تمامی اصحاب محترم رسانه برای حضور در این جشنواره دعوت به عمل می آید.

آثار تولید و منتشر شده خود از تاریخ ۱۴۰۱/۱/۱ تا ۱۴۰۲/۳/۳۱ را به سامانه Resaneh.pressfestival.ir ارسال کنید

مهلت ارسال آثار: ۱۴۰۲/۰۴/۰۷



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

نسخه الکترونیک سه کتاب آخر انتشارات حاما عرضه شد

نسخه الکترونیک کتاب های ساعت صفر توسعه و امنیت سیاسی (جواد مسعودی)، بنیان های مردم سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی) (ترجمه زهره رحیمی) و رمان یک خوشه نور (اکبر صمدی) از طریق سایت و اپلیکیشن طاقچه به بازار ارائه شد. نسخه الکترونیک ساعت صفر توسعه و امنیت سیاسی با قیمت ۳۰ هزار تومان و دو کتاب دیگر با قیمت ۲۶ هزار تومان ارائه میگردد. این سه کتاب در سال ۱۴۰۲ توسط انتشارات حزب اراده ملت ایران به چاپ رسیده اند و در نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در اردیبهشت سال جاری رونمایی شدند. فروشگاه اینترنتی کتاب طاقچه جایی برای خرید آنلاین کتاب با فرمت های متنوع است؛ از خرید و سفارش کتاب چاپی تا دانلود کتاب صوتی و خرید کتاب الکترونیک. در کتاب فروشی آنلاین طاقچه بیش از ۱۱ هزار کتاب الکترونیک و کتاب گویا در دسترس است که در میان آن ها کتاب رایگان هم وجود دارد. هر کسی می تواند کتاب ها را در موبایل، تبلت، رایانه یا سایت بخواند و بشنود.



زهره رحیمی؛ مسئول کمیته آموزش و توانمندسازی حزب اراده ملت ایران
آموزش های تشکیلاتی (۵)

شهروند آگاه، شهروند مسئول

ضرورت کسب آگاهی در مورد پدیده های مختلف اجتماعی که زندگی ما را متأثر می کنند، بر هیچ فرد خردمندی پوشیده نیست. با اینحال برخی شهروندان با بهانه های متفاوتی نه تنها از آموختن این مباحث سر باز می زنند بلکه آموزش دهنده ها را نیز از ذوق و اشتیاق آموختن باز می دارند. از جمله ی این خرده گیری ها و بازداشتن ها، پیرامون آموزش های حزبی صورت می گیرد. با این فرم که در رویارویی با آموزه های حزبی شما، بلادرنگ و قاطع می گویند: «کدام حزب؟ ما که در ایران حزبی نداریم». واکنش ما اینست که این دست نقادی ها و عذر آوری ها، نمی تواند و نباید که مانع ترویج مطالب آموزنده و آگاهی بخش در باب احزاب و تحزب در ایران شود. نکته دیگر در ادامه همین ماجرا اینکه، شخصاً در کشورهای دیگر دنیا یا با ملت هایی از فرهنگ ها و آموزش های متفاوت، کار تشکیلاتی سیاسی انجام نداده ام و تنها تجربه تشکیلاتی من، کار با ایرانیان و در ایران بوده است. لذا جانب احتیاط را رعایت می کنم و هنگام انتقال تجاربم، می نویسم که در فضای مدنی ایران، معمولاً چنین است و چنان است. لذا این دست رفتارهای مخاطبان شاید در سایر جوامع نیز رایج باشد ولی من آنرا تجربه نکرده ام.

یکی از رفتارهایی که در جایگاه مسئول تشکیلاتی، به کرات در مواجهه با متقاضیان محترم عضویت در حزب مشاهده می کنم، در متن زیر برایتان توضیح خواهم داد. صادقانه بگویم که این رفتار از نظر سیاسی نادرست است و شایسته است که شهروندان انتقادپذیر، به آن توجه نمایند و در صدد اصلاحش بر آیند.

فرض کنید که به یک مرکز نشر مراجعه می کنیم و این مجموعه انتشاراتی، کتابهای رمان و داستانی را به مخاطبان عرضه می کند. ما نمی توانیم هنگام مراجعه به این مرکز، چنین نقدی را مطرح کنیم که: «چرا انتشارات شما کتابهای درسی و کنکوری را منتشر نمی کند!». چرا که اگر ما به دنبال واحدهای انتشاراتی درسی و کنکوری هستیم، باید به مراکز مربوط به آنها مراجعه کنیم. چون یک انتشاراتی در حوزه رمان و داستان، از پیش و طبق برنامه ای، اعلام کرده یا جانداخته است که در چنین محوری، آثار و کتابهای خود را ارائه می کند و لاغیر.

شاید برای خیلی از خوانندگان این سطور، چنین تذکری، نالازم و بیهوده به نظر برسد و رعایت چنین نکته ای را توسط مراجعین، از بدیهیات فرض کنند. اما دقیقاً این رفتار نادرست و غریب، هنگام مواجهه بسیاری از شهروندان با احزاب و تشکل های سیاسی رخ می دهد. برای مثال یک تشکیلات سیاسی و حزبی، از پیش، جناح و رویکرد و مرام سیاسی خود را از طریق مستنداتش به جامعه اعلام کرده است. یعنی به جامعه اظهار کرده که «من، اینطور هستم و این ماهیت را دارم». باین وجود، یکی از رایجترین برخوردهای نامتناسب در متقاضیان عضویت اینست که مدام از نیروهای تشکیلاتی حزب می پرسند: «شما چرا بجای ماهیت و موضع فعلی، انطور دیگر نیستید یا چرا فلان ماهیت را ندارید؟!». رُک و پوست کنده ترین پاسخ به این نقادان، از این قرار است که: «شما اگر به دنبال فلان مدل و فلان ماهیت حزبی هستید، آنرا جای دیگری در جامعه سیاسی کشور جستجو کنید. لطفاً به جای مراجعه به ما که تابع چنین الگو و مدلی هستیم، برای رفع تقاضای خود، به جای درست و به تشکیلات در ستش مراجعه بفرمایید.»

چرا که بدیهی است تشکل های سیاسی قرار نیست که با توجه به ذائقه متقاضیان، ماهیت و موجودیت خود را تغییر دهند. برای رفع سوء تفاهم های رایج، در کنار این تذکر بدیهی، تأکید بر تمایز سه موقعیت را هم، خدمت خوانندگان گرامی ضروری می شمردم. تفکیک این سه وضعیت می تواند به درک دغدغه ای که مطرح می کنم، کمک نماید.

یک زمان نهادهایی از جمله رسانه ها در جامعه، حزب شما را در خصوص تصمیمات و موضع گیری هایش مورد پرسش و نقد قرار می دهند. واضح است که حزب در چنین مواردی، باید پاسخگوی مواضع خود در برابر پرسش های مطرح شده نهادهای مختلف باشد و هر تشکیلات سیاسی مردمی، طبق مناسباتش تاحدودی این امر را محقق می کند.

یک زمان دیگر، حزب شما توانسته که با آرای مردم، به قدرت و به کرسی های تصمیم ساز و تاثیر گذار در قدرت برسد، البته که از زمان به قدرت رسیدن، تا هر زمان که تاثیر تصمیمات حزب در جامعه باقیست، باید پرسشها و نقدهای مخاطبان را بپذیرد و پاسخگوی آنها باشد.

اما یک زمان، متقاضیان عضویت هنگام ورود به تشکیلات سیاسی شما، حزب را برای ماهیتی که دارد به نقد می گیرند. این رفتار از سوی متقاضی عضویت، نادرست و از روی کم سوادی سیاسی است. چون قرار نیست که احزاب سیاسی بر اساس ذائقه متقاضیان عضویت، خود را تغییر بدهند و متقاضی عضویت نیز چنانچه این مرام و جناح و اندیشه سیاسی را برای عضویت خویش نمی پسندد، می تواند به نهادهای سیاسی دیگری برای عضویت مراجعه نماید که نزدیکتر به اندیشه و علائق و مرام مورد پسند اوست، نه اینکه حزب ها را برای آنچه نیستند به نقد بگیرد. این حالت سوم، در واقع تمرکز و تأکید این جلسه از آموزش تشکیلاتی ماست.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۶۵

۷ تیر سال ۱۴۰۲



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

خاطرات سیاسی

www.khsmag.ir



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است

خوانشی نوین: مردم‌سالاری اجتماعی

بنیان‌های مردم‌سالاری اجتماعی (سوسیال دموکراسی)



نویسندگان: توبیاس گومبرت و همکاران
مترجم: زهره رحیمی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمایید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



یک خوشه نور

اکبر صمدی

برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و آدرس مورد نظر را اعلام فرمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

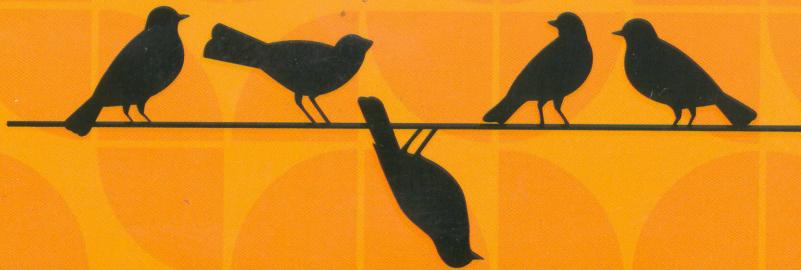
انتشارات گام اول منتشر کرده است

استعداد نافرمانی

و شکستن قوانین کار و زندگی

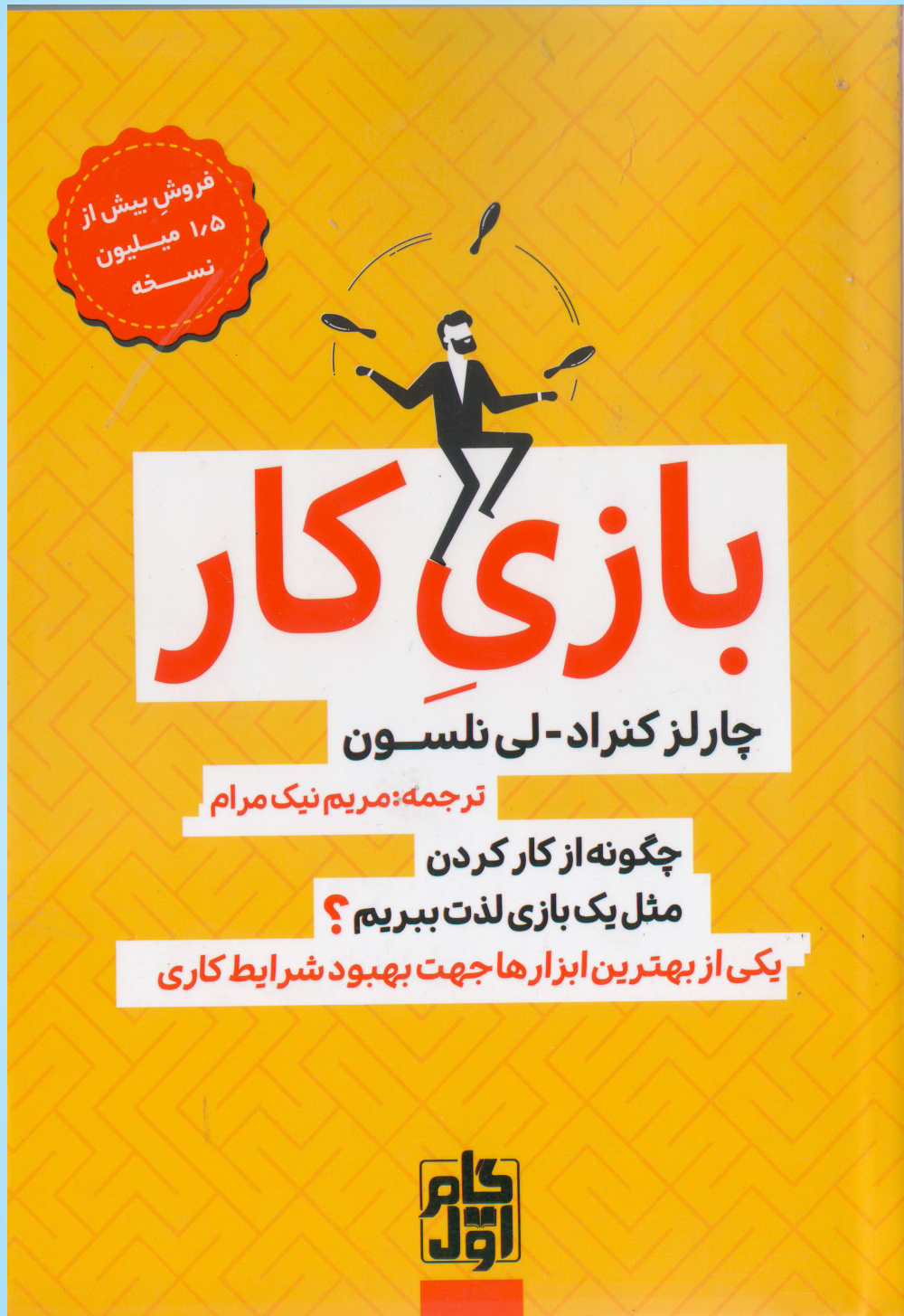
فرانچسکا جینو

ترجمه: مریم نیک مرام



گام
اول

انتشارات گام اول منتشر کرده است



انتشارات بیان منتشر کرده است

کتاب ویزیتورها



امیر حسین اکبرپور (مدرس اصول بازاریابی و ویزیتوری)
(چهره ماندگار صنعت، معدن و تجارت در عرصه مدیریت)



ویزیتوری؛
فقط کاتالوگ دست گرفتن نیست !!!

انتشارات پیشوک منتشر کرده است

